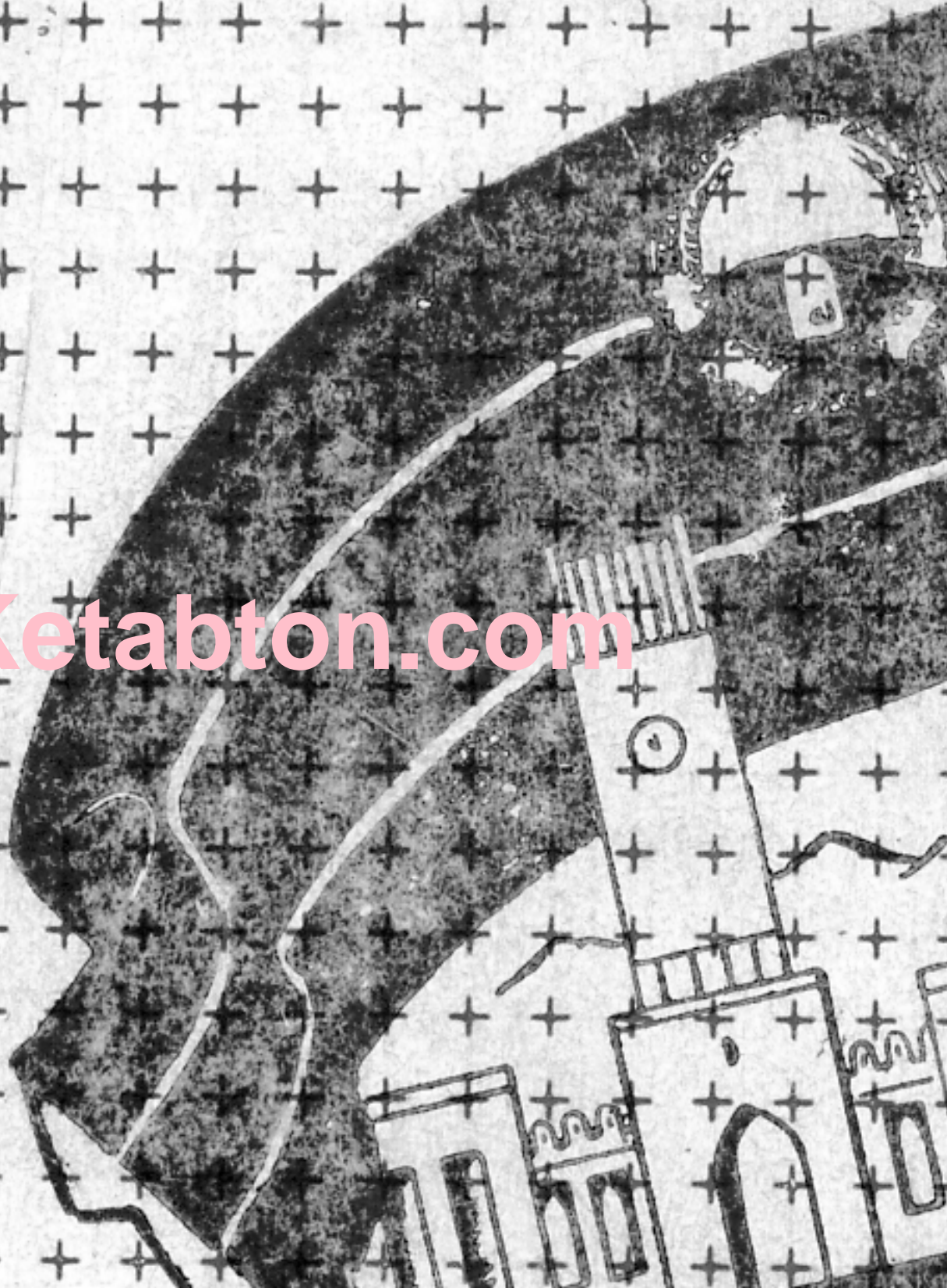


Ketabton.com



- نام کتاب: تاریخ خرقہ شریفہ قندھار
- تالیف: عزیز الدین و اکیلی پوپلزائی
- ناشر: مرکز تحقیقات علوم اسلامی
- اہتمام: محمد گل «رامز» و شمس الحق «فضلی»
- چاپ اول: سال ۱۳۴۳
- چاپ دوم: سال ۱۳۶۷
- تیراژ: ۲۰۰۰ نسخہ
- جای چاپ: مطبعہ دولتی
- شماره مسلسل: (۳)

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

مدیریت عمومی نشرات

تاریخ خرقه شریفه

قندھار



تألیف

عزیزالدین و کیلی پوپلزائی

طبع دوم

کابل - ۱۳۶۷

اهداء

تاریخ خرقة شریفه (قندهار) را که دفعه دوم در عهد جمهوری
افغانستان و مصادف به دوره اعلان صلح و آشتی ملی از طرف مرکز
تحقیقات علوم اسلامی در مطبعه دولتی ذینت چاپ یافته است، به
عموم عالم اسلام و ملت مسلمانان افغانستان به ویژه به دوستان
صلح ، ترقی و عدالت اجتماعی اهداء میکنم .

(عزیز الدین و کیلی پوپلزایی)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	مقدمه ناشر
۱	مقدمه مؤلف
۶	خرقه شریفه نبویه (ص) درقندهار
۱۴	معانی لغات
۱۶	اویس قرن
۱۸	پرتو وصول خرقة نبویه (ص) ...
۴۱	فرمان احمد شاه درانی ...
۴۳	وقفنامه خرقة شریفه
۴۵	فرمان تیمورشاه ...
۵۳	فرمان تیمور شاه ...
۵۵	پنجاه من نان پخته ...
۵۶	جیره و مواجب مقرری علما
۵۹	فرمان تیمور شاه در ...
۶۱	فرمان زمانشاه در ...
۶۲	فرمان زمانشاه ...
۶۵	فرمان زمانشاه ...
۶۷	مقرری الحاج ملاحفیظ الله ...
۶۸	فرمان زمانشاه ...
۷۰	فرمان زمانشاه ...
۷۳	منظوری بیست تومان روپیه ...
۷۴	فرمان زمانشاه ...
۷۶	فرمان شاه محمود ...

صفحه	عنوان
۷۸	تعیین اوقاف
۷۹	فرمان شاه شجاع ...
۸۲	وقف نهر روضه باغ برای خرقة شریفه .
۸۳	فرمان شاه شجاع ...
۸۵	دو باب کار بانسرا ...
۸۶	فرمان شاه محمود درانی
۸۸	فرمان شجاع الملك .
	فصل دوم
۹۰	اجمال و اختصار معلومات ...
۱۰۲	فرمان شیر علیخان ...
۱۰۴	خرقه شریفه وموی مبارک
۱۰۷	مسجد موی مبارک
۱۰۸	هدیه دروازه نقره
۱۱۰	ترمیم عمارت خرقة شریفه .
۱۱۲	خدمت در راه صلح .
۱۱۴	بیانات غازی امان الله شاه ...
۱۲۶	اهداء پوش جدید ...
۱۲۸	شرفیابی امان الله شاه به ...
۱۳۱	ده نماز جمعه در مسجد جامع خرقة شریفه .
۱۳۴	پوش صندوق خرقة شریفه
۱۳۵	القاب متولیان ...
۱۳۷	خاندان متولیان خرقة ...
۱۴۰	دفن حکمران قندهار ...
۱۴۱	حکمنامه هادر خصوص وظیفه ...
۱۴۵	واقعه شهادت در مقام ...
۱۴۹	مآخذ و مدارک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

مُحَمَّدٌ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

١٣٦٧
بِإِذْنِ الْمَوْلَانِ كَلْبِ بْنِ كَلْبٍ

هدية تاريخ خرقه شر يغه

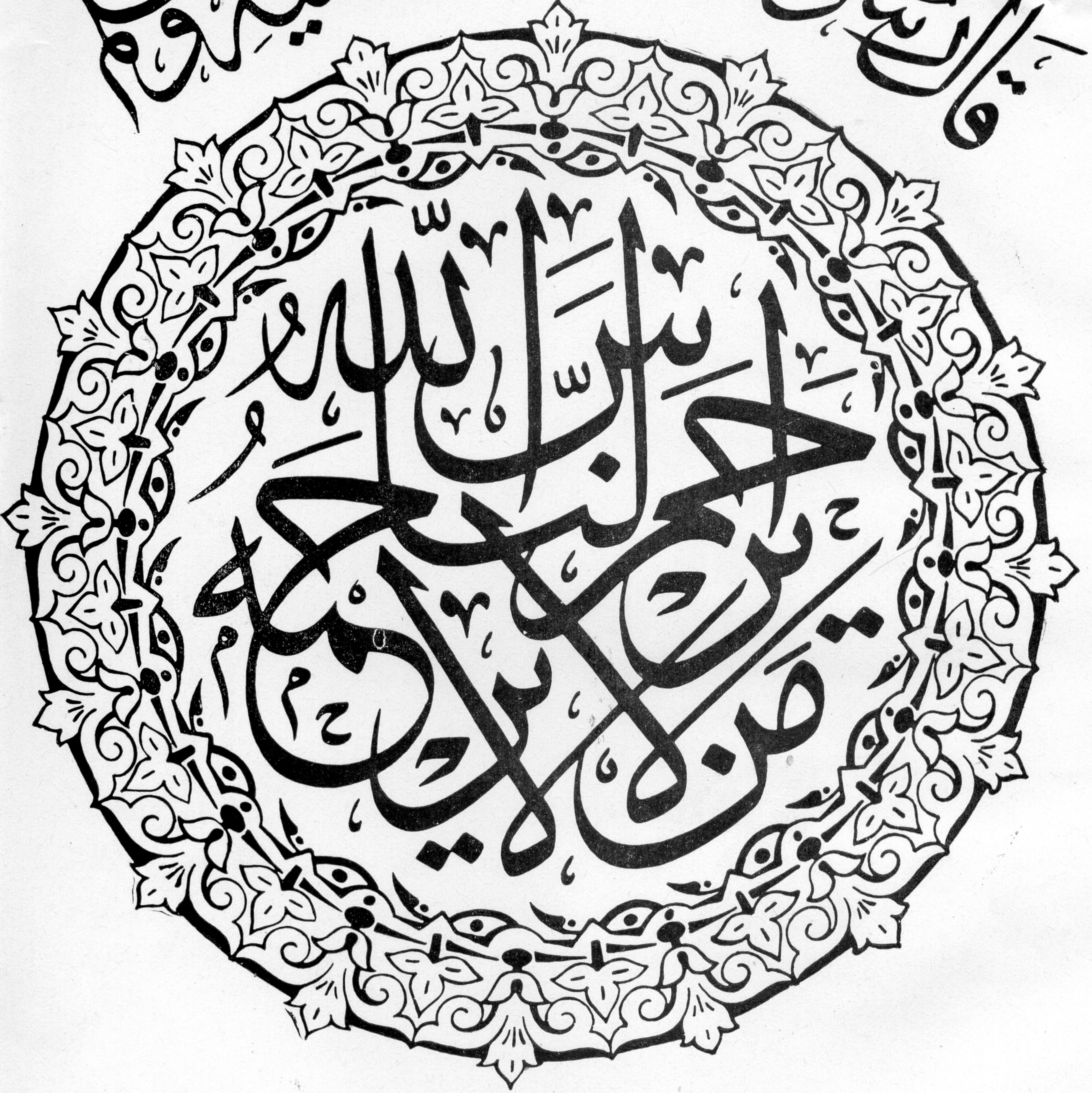
مقدمه ناشر

کتاب « تاریخ خر قه شریفه حضرت محمد (ص) در قندهار »
تالیف عزیز الدین و کیلی پوپلزایی طبع دوم سال ۱۳۶۶
کابل - که معلومات تو ثیق شده در باره تاریخ ورود خر قه شریفه
به شهر قندهار و دیگر فیوضات خر قه شریفه در آن درج گردیده
عطش تحقیقاتی و معلوماًتی محققین و پژوهشگران کشور ما و کشور
های دیگر را تسکین میتواناند. ضرورت طبع و نشر این کتاب مهم
و گزیده را در زمان حاضر در افغانستان خود مؤلف (عزیز الدین
و کیلی پوپلزایی) به جا و به حق اظهار نمود است .
تاریخ خر قه شریفه که در زمان سابق (سال ۱۳۴۶) به تعداد
پنجصد نسخه طبع شده بود دستیاب نمی شود حتی خود مؤلف هم یک
جند از نسخه های گذشته را ندارد. حوادث و رویداد های که در قندهار
در مکان مقدس و پاک خر قه شریفه روی داده که تاسف آور
ترین آنها قتل و به شهادت رسیدن محمد نبی متولی خر قه شریفه
می باشد . مقتضی این است که طبع دوم این کتاب که نواقص و کمبودی
های طبع اول نیز درین طبع از طرف مؤلف شخصاً مستند تکمیل
گردیده به خواننده گان علاقه مند تقدیم میگردد اینک مرکز تحقیقات
علوم اسلامی این افتخار را به خود کمایی کرد که طبع دوم تکمیل شده
را به قارئین تقدیم میدارد و متوقع است که طبع و نشر این کتاب که

به همکاری ریاست طبع و نشر صورت گرفته به دیده قدرنگریسته
امید است که مصدر و منبع خیر و برکت برای مردم کشور و کشور
های همسایه ما گردد و مشی مصالحه ملی که به خیر جامعه افغانی و
انسانی است هر چه زود تر تحقق یابد .

(اداره مرکز تحقیقات علوم اسلامی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بقلم عزيز الدين بن فخر الدين

١٣٥٣

هدیه تاریخ خرقة شر یفه (قند هار)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی بِيَدِهِ الْمَلِكُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِیْرٌ هُوَ الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَ
الْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ اِيْكُمْ اِحْسٰنًا عَمَلًا
وَصَلٰی اللّٰهُ تَعَالٰی عَلٰی خَيْرِ خَلْقِهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ
صَلٰوةً كَامِلَةً

اَمَّا بَعْدُ

چون از پرتو و وصول خرقه شریفه از بلاد عرب به ديار
خراسان تا اين زمان (۱۴۰۷ هجری قمری) شش صد و یازده سال می
گذرد و پرتو نزول خرقه حضرت رسول کریم صلی الله علیه و علی
آله و اصحابه وسلم - مطابقت حسن نیت کافه مردم مسلمان
افغانستان باعث نهایت عزت و عظمت خاک وطن مقدس ما ندر
مرور سالیان شده است .

افتخار دارم که سوا بق این مراتبه افتخار را همد رین دور
جمهوری افغانستان و مخصوصاً در این موقعیکه از صلح و آشتی چندی
میگذرد و از طرف قاطبه بهی خواهان ملت مسلمان افغانستان تایید

-۱-



گردیده است . یکبار دیگر یعنی برای طبع دوم مرتب نموده در دسترس استفاد و استفاضه مردم با دیانت این خطه مقدسه و تمام پیروان حضرت خیر البشر می گذارم .

* * *

در چهل سال قبل از امروز زدر آوانی که تازه به تالیف و تدوین آثار تاریخ وطن آغاز کردم - یکی هم اولتر و مهمتر تمهید تالیف و ترتیب تاریخ خر قه مشرفه متبر که فکر مرا بیشتر به طرف این حقیقت جلب کرد . و مطابق باین حسن نیت صفحات زیادی را مطالعه نمودم و برای اینکه نتایج مطالعات و معلومات خود را بیشتر موثق گردانیدم دست نشر بسیار مصمم شدم که بوطن آباپی خود قندهار عزیمت کرده بشر فادای زیارت و استدرار ک خصوصیات آن بارگاه پربرکت و عزمت برسم .

به تاریخ شنبه (بیست و پنج) برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی (۱۰ ذی قعدة الحرام ۱۳۸۱ ق ۱۴ - اپریل ۱۹۶۲ م) از کابل به صوب قندهار حرکت کردم و از صبح دوشنبه (بیست و هفت) حمل به تحقیق آثار آغاز کرده و نتایج معلومات و مطالعات قبلی خود را با این ازدیاد معلومات جدید افزوده اثری بوجود آوردم . انجمن تاریخ وزارت معارف به تعداد پنجصد نسخه در مطبعه دولتی کابل طبع و نشر نمود .

ومتأسفانه که نسبت قلت تعداد و هم اینکه (۲۱) سال از طبع اول آن می گذرد امروز نسخه یی از آن دستیاب نمی گردد و خوشبختم که این فرصت مساعد مزده داد تا به خواست اوتعالی جل علی شاه العزیز - به تعداد کثیر طبع و بدست عموم دیانت پرستان برسد .

تاریخ خر قه شریفه را هم به حیث یک مجموعه مقدس از یادگار های دینی و هم به حیث یک نشانه فاتحانه از یک دوره بزرگ

اسلامی و افغانی که آخرین حده نبوغ عسکری و سیاسی خود را در راه حصول استقلال کامل و تشکیل و تاسیس یک امپراتوری جدید اسلامی در میان تمام ملل آسیا همداران عهد انتقال خر قه معظمه ثابت کرده است. از هر نگاه به حیث و ثبته در جه اول تمام افتخارات دینی و اجتماعی به دست نشر می سپاریم.

وصول خر قه معظمه در کابل و قندهار - و این مو هبت عظیم خداوند کریم به مردم مسلمان افغانستان یک زیارتگاه، بزرگ و یک مرکزیت جدید اتحاد و اتفاق بخشید و هر فرد مسلمان امید دارد که اوتعالی جلت عظمت به برکت روحانیت صاحب این خر قه مبارکه این ملت با دیانت را از همه آفات زمان محفوظ دارد. و این ملت را تا مادام القیام در سایه شریعت اسلام پاینده احکام دین و جبل المتین قرآن و این مرکز صلح و امید گاه قدیم عالم اسلام را به طور دایم شاد و آبا دو آزاد داشته باشد.

سر قهرمان ملی افغانستان - احمد شاه افغان که اتحاد و اتفاق عموم اقوام و قبایل مسلمان را جدا مدم نظر داشت، کوشش بسیار او این بود که یک مرکزیت بزرگ امپراتوری اسلامی افغانی را در قلب آسیا بوجود بیاورد.

و تا چنان شد که بر حسب حسن اراده و حسن نیت آن غمخوار خلق الله خر قه مطهره حضرت سید الانبیاء که در سنه (۱۱) هجری قمری به ابی عمر و او یس بن عامر القرنی رحمته الله تعالی علیه رسید و بعد از وی به مروردهور در بغداد و سمرقند و بلخ و بدخشان موصول نمود و پرتو نزول برکات داشت در اواخر سنه ۱۱۱۸ هجری قمری به کابل این خطه پر آب و گل رسید و از خطه کابل در مرکز امپراتوری افغانستان (قندهار) سر زمین پیشرو فاتحین اسلام و اولین خطه اعتلای رایت استقلال افغانستان در سنه ۱۱۸۲ قمری پرتو وصول نمود و تا امروز زینت افزای تمام بلاد کشور عزیز افغانستان است.

موجودیت خرقه واجب الا احترام حضرت سید الا نام (ص) بر علاوه
قدسیت و برکت دینی که برای تمام عالم اسلام دارد - حسن ادا ی
خدمت و تولیت آن برای ملت مسلمان افغانستان یک سندهایت
موثق افتخار نامه عسکری نیز باقی مانده و تا مادام القیام باقی
خواهد ماند .

زیارت خرقه شریفه در قندهار مقدس ترین مرکز اتحاد و اتفاق
ملیت های مسلمان افغانستان را تشکیل داده است و ملت مسلمان
افغانستان که همیشه روی امید به آن آستان مقدس دارد به حکم (وشاور
هم فی الامر) برای مشورت در امور خیر و منافع دینی و ملی بدور آن
زیارتگاه اجتماع نمود و دست دعا برداشته و بر میدارند. و از
روحانیت صاحب خرقه استمداد جسته قوت سربازی و فداکاری
را برای حفاظت دین و وطن و استقلال می جویند .

در اواخر برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی در این ایامی که
مصروف نوشتن خرقه شریفه بودم . محمد حق آخوند زاده ،
متولی گفت :

از داخل این زیارت و قتی یک تعداد کتاب هارا سرقت کردند.
از شنیدن این سخن سخت مشوش و دچار اندیشه شده گفتم : نهایت
دقت و کوشش شود تا خدای ناخواسته از طرف کدام جمعیت فاسد
و تحریک شده از خارج ، دستبرد دیگری در این مقام مقدس رخ ندهد .
چون متولی موصوف سه بار و با تاسف بسیار این حکایت نمود .
حین بازگشت خود بکابل به مقامات بزرگ خبر دادم . و مقصد از آوردن
این رمز برای آن است که دست ناپاک دشمن اسلام در مقامات مقدس
هم گاه گاه دراز میشود و حتی به قتل و جرح افراد صالح نیز
مرتکب میشود . و مواظبت هر چه بیشتر لازم است .

اسناد مندرج این کتاب ، هم اسناد تاریخ خرقه و هم اسناد
ثبوت علایق نهایت زیاد مردم افغانستان در امور مقدسات و

حاوی هر گونه معلومات در خصوص معرفی نام های صاحبان ادارات
بزرگ دولت و حکومت و مسوولین امور حسابات دفاتر موجود مانده
است بدون کم و کاست عینا نقل گرفتم چه برای معرفی نام های علما
و نویسندگان یک تاریخ نام علمی و اداری نیز شناخته میشود.
و در هر مساله حق به مرکز خود قرار می گیرد .

* * *

شوال المکرم سنه ۱۴۰۷ هجری قمری (مطابق جو زا - سال ۱۳۶۶
هجری شمسی)

کابل - افغانستان
عزیز الدین و کیلی پوپلزایی

خرقه شریفه نبویه (ص) در

(قندهار)

این همان خرقه مطهره است که حضرت محمد مختار (ص) و هم اهل بیت اطهار آنرا بدستان مبارک خودشان دوخته اند و حضرت خاتم المرسلین صلی الله علیه و علی آله و اصحاب به وسلم در اواخر عمر مبارکشان به برمی کردند. در حجت الوداع و وقت مریضی و حالت موت در بدن مبارکشان بود و در لحظات اخیر زندگانی به امیر المومنین عمر رضی الله تعالی عنه و امیر المومنین علی رضی الله تعالی عنه و صیت فرمودند که این چاه را به (ابی عمر و اویس بن العامر القرنی) (۱) که نادیده بر من عاشق شده است بسپارند. پس از ارتحال سردار انبیاء صلی الله علیه و علی آله و اصحاب به وسلم، قرا را مر مبارک حضرت رسالت، حضرت عمر فاروق (رض) و حضرت

(۱) معنی آن در صفحات مقدمات این کتاب مطالعه شود.

(وکیل پوپلزی)

علی بن ابیطالب (رض) خر قه مبار که رابه سید التابعین او یس
بن العا مر القر نی سپردند .
آن دوست خداوند تبارك و تعالی جل علی شانہ پیش از آنکہ خر قه
مطهره را دربر کند دور کعت نمازشکرانه بجا آورد و طلب آمرزش
امت حضرت سردار کائنات نمود و خر قه معظمه را شفیع آورد . تا
وقتی کہ ابی عمرو او یس بن العا مر القر نی حیات داشت . لباس واجب
التعظیم حضرت النبی الکریم صلی اللہ علیہ وسلم را در بالای سر خود
نگاہ میداشت . پس از ارتحال او یس بن العا مر القر نی بندگان
خاص حضرت پروردگار (ج) خر قه مبار که را از ملک یمن نقل داد
احترام و شرفا و تعظیما در غار حرا گذاشته و سالهای متمادی در آنجا
به امانت و حفاظت بود تا آنکہ شیخ الا و لیا قطب الا تقیاء دوست
محمد قدس سره مرد بزرگی از صلحا و قوت بمژده آنکہ خر قه
شریفه پیغمبر جلیل القدر اسلام و حضرت رسول انا م است . آنرا
باعزت و عظمت تمام از غار حرا برداشته در بغداد به جهت زیارت
کافه خلائق اسلام نقل داد و تازمان سلطنت یلدرم بایزید (بن سلطان
مراد بن سلطان ار خان بن سلطان قرا عثمانلو) و تا زمان ظهور
قدرت ابوالمنصور امیر تیمور گورگان که فاتح ملک بغداد
گردید (۱) .

پرتو نزول داشت و اجماع مسلمین ساکنین بلاد عرب و عجم
به جهت تقدیس و زیارت و صرف صدقات زر و مال بگرد آن امانت
بابرکت اعطای حضرت رب الجلیل می شتافتند . حجاج افغانستان
در زمانه های قدیم این خر قه شریفه را در مکه معظمه و بغداد ،
زیارت کرده بودند .

(۱) خبر و رود امیر تیمور در بغداد تفصیل زیاد دارد و بحث
جدا گانه است . و اما قسمتی از آنرا در ضمائم تاریخ احمد شاهی
آورده ام .

(وکیلی پوپلزایی)

درو قتی که جنگ تیمور بسارو میه اختتام یافت امیر تیمور و بشر ف زیارت خر قه شریفه حضرت سرور کائنا ت (ص) شتافت و شرف تولیت آن امانت مقدمتبرك رابر ذمت خود لازم دیده به وفق آخرین تمنای خود که ادای تعظیم و ایثار مال و جان را در بدست آوردن آن لباس بهشتی اساس از همه اشیا و نوا در اهم و الزم شمرده بود - حین باز گشت از سفر بغداد با کسانی که در عراق عرب بشر ف نگهداری آن امانت مبارک اتصاف خدمت تولیت داشتند، با خود برداشته از بغداد به شهر سمر قند پایتخت ملك خود رسانید. (۱) و برای حفظ و احترام آن امانت منحصر و مطهر عمارت عالیشان بصر ف زر کثیر بنیاد کرد و در سقف عمارت چندین قندیل مطلا که قبل از فتح بغداد نذر گرفته بود ساخته نصب کرد. و قریه ده بید را برای صرف نذورات و مصارف متولیان و خواجگان آن آستان وقف کرد و چند تن سادات عالی مقام سمر قند را که در ورع و تقوی شهرت داشتند

(۱) تیمور از قبيله بر لاس این طرف رود جیحون و در سنه ۷۳۶ ق بدنیا آمد و در سنه ۷۷۲ ق در خطه بلخ جلوس نمود و بعد سمر قند را مرکز دولت خود قرار داد. صول امیر تیمور در بغداد و نقل یافتن خر قه شریفه از بغداد به ماوراء النهر در سنه ۷۹۵ ق و ۷۹۶ ق است. مذکور (سی و پنج) سال سلطنت کرد و در سنه ۸۰۷ ق در اهواز واقع هفتاد فرسخی سمر قند به عمر (هفتادویک) سالگی وفات یافت.

چون مرکز دولت او سمر قند بود خر قه شریفه را در سمر قند گذاشت.

متولیان بغدادی با آنکه فیض حفاظت آن گنجینه کرامت را داشتند اما امیر تیمور گورگان برای اینکه از فیوض و برکات آن لباس*

ازنگاه اعتماد که مبادا توسط طمشایخ بغدادی از جا بیجا گردد و یا اینکه مشایخ مذکور واپس بوطن خود نروند - بشر ف تولیت آن مقرر فرمود . و تاسنه ۱۷۰۴ هجری قمری در همانجا بود .
درسنه مذکور ابوسعید او غلان حکمران ترکستان شرقی که آنرا از بناثر امیر تیمور گورگان می شمردند توسط (۱) شیخ محمد حبیب و شیخ محمد نیاز خواست که خرقه شریفه را از سمرقند به ترکستان چینی ببرد . در همین وقت شیخ آقا محمد و شیخ نظر محمد موقع را غنیمت شمرد و آن لباس مقدس و متبرک را درسنه ۱۰۷۴ هجری قمری به بلخ (یکی از شهرها و ولایات معروف افغانستان) رسانیدند تا از تصرف ابوسعید او غلان حکمران ترکستان چینی محفوظ بماند . خرقه شریفه توسط آن دونفر و تاسنه ۱۱۰۹ قمری زمان

* بهشتی اساس مردم مسلمان خطه ماوراءالنهر را خوبتر مطلع و مستفیض بگرداند ، از عراق عرب به ماوراءالنهر آورده در سمرقند عمارتی برای نهادن آن بنا فرماشت .

ماوراءالنهر - ولایتی است بزرگ - شرقی اش فرغانه - غربی اش خوارزم - شمالی اش تاشکند - جنوبی اش بلخ و سمرقند و مقصد امیر تیمور هم همین بود که این اقلیم از پرتو نزول خرقه پاک سید لولاک زینت و رفعت بزرگتر از سابق داشته و یک نشانه دین دوستی و دیانت پرستی مردم ماوراءالنهر ازین طریق نیز در تاریخ آن سرزمین باقی بماند .

(۱) او غل به معنی پسر و او غلان جمع آن است . چنانچه سیادت خان مشهور به سید او غلان شخصی در هندوستان در عهد امپراتوری احمد شاه درانی زندگی می کرد و ممکن همین وجه تسمیه درست باشد ، او غلی منسوب به او غلان که نام قوم است از ازبیک .

(عزیز الدین و کیلی پوپلزایی)

حکومت سبجان قلی خان در بلخ شریف امانت داشت .
 در سنه مذکور شیخ محمد ضیاء و شیخ محمد نیاز در این وقت که
 حکومت بدخشان به میر یار بیگ تعلق داشت ، بکدام منظور
 میخواستند خرقة نبویه را از راه بدخشان و چترال عبور داده به
 هندوستان ببرند . حین وصول به توابع بدخشان قریب کوتل
 دوراه- این خبر به میر یار بیگ رسید و او بلا درنگ ملازمان خود را به
 تعقیب متولیان (خواجگان) مذکور فرستاد و از سر کوتل دوراه بر
 گردانید . در جوزگون قلعه بنا کرده خودش گذاشت که تاریخ پرتو
 وصول آن امانت مقدس در قلعه جوزگون بدخشان یکشنبه
 (بیست و چار) شهر محرم الحرام سنه (۱۱۰۹ هجری قمری) است .
 میر یار بیگ (اورا میر یار بیگ ولی می ستایند) چون دانست که به
 تحقیق خرقة مطهره نبویه (ص) با لای اشتر سفید بار است، نقل
 دادن آنرا توسط شیخان مذکور که ممکن بر همنونی کدام یک از
 ارباب قدرت ملک هند و یا به منظور مفاد خودشان نقل داد نمی
 خواستند قطعا اجازه حرکت نداد. و مصلحت بران رفت تا خواجگان
 سمرقندی که اجدادشان از زمان امیر تیمور تا این زمان به خدمت
 تولیت خرقة شریفه ثم به ثم بسر برده اند - در این وقت خواه از
 ضیق معیشت و یا کمتر غفلت مردم در اداء (۱) حرمت آن امانت بزرگ

(۱) میر یار بیگ متوفی سنه ۱۱۱۸ قمری معاصر سبجان قلی
 والی بلخ و ابو الغازی خان امیر بخارا است . قلعه جوزگون بد -
 خشان در عهد همین شخص بنایافته و مذکور پس از مدت پنجاه
 سال حکمرانی جوزگون و فات یافت .
 میر سلطانشاه و میر محبوب شاه نشینان او با دولت امپرا -
 توری احمد شاه هم عصر میر محبوب شاه به همراه محمل خرقة
 شریفه در سنه ۱۱۸۲ قمری وارد کابل شد .
 میر یار بیگ سوا می مراد بیگ امیر بخارا است که اشتباه نشود .

(وکیلی)

مبادرت باین حرکت ورزیده‌اند، برای بودو باش شیخان مذکور، در جوزگون جایگیر، تعیین گردد، و برای گذاشتن خرّقه مبارکه در داخل شهر جای منزّه و مناسب بناء نماید و خواجگان حامل خرّقه بدستور ماکان به صفت شیخ و متولی و صاحب الدعوات برقرار باشند.

و در این راه مساعی تمام به کاررفت و میریاری بیگ که مرد متدین و صاحب قدرت و وزیرش آدینه محمد دیوان بیگی که او نیز به اوصاف بذل و بخشش موصوف بود در ادای این خدمت کمال اعتقاد و احترام و اخلاص به جا آوردند. و ده هم حصه غله اها لی شهر جوزگون را وقف خرّقه معظمه نمودند. و در ظرف دوسال به حوالی زیارتگاه عمارات جدید احداث گردید و شهر جوزگون را از تاریخ یکشنبه (بیست و چار) محرم الحرام سنه ۱۱۰۹ قمری فیض آباد نام گذاشتند و قطعه نظم آتی شاهد آن حقیقت است:

خرّقه پاک سعید عربی	میده از ریاض جنت یاد
در هزار و صد و نه از هجرت	محمل او به جوزگون افتاد
جوزگون گشت لایق این فیض	زان سبب نام گشت فیض آباد

* * *

از پرتو و صول خرّقه شریفه شهر جوزگون بنام فیض آباد تا سنه ۱۴۰۷ قمری (مطابق ۱۳۶۶ شمسی) در افغانستان مشهور و معروف مانده است.

جوزگون - به زبان دری ممکن چهار مغز رنگ مقصد باشد - چه جوز معرب گوز و اصل اسم منطقه مذکور گوزگون یاد شده است. در همه حال چون خرّقه پاک سعید عربی مدت (هفتاد و دو) سال همدان جا بود قابل احترام است.

فیض - به معنی بسیار شدن آب رود و ریختن آب و خیر بسیار

وفاش شدن خیز و نام فیض آباد در خور شان آن شهر خیلی به جا است .

میا فقیر الله شکارپوری نقشبندی (متوفی سنه ۱۱۹۵ قمری) در برابر سوال صوفی مولا داد قند هاری که در شهر محرم الحرام سنه ۱۱۸۳ قمری از آن عالم فاضل و مورخ معلومات خواسته است . موصوف در مکتوب هفتاد و چهارم از مکتوبات خویش در باره خرقة شریفه به زبان عربی توضیحات داده و حتی از کسانی که خرقة پوشی نموده‌اند نیز یاد کرده است .

خرقة شریفه عبارت از يك جا مه ضخیم پشمی است که اصطلاحاً آنرا قاقمه (۱) پشمی یاد کرده‌اند . هر دو آستین مبارک از طول دامن کوتاه تر است . از پشم نازک خالص اشتر بود رنگ مبارک آن آسمانگون است . برق و تجلی خاص دارد . به تناسب قامت انسان کوتاه به نظر می‌آید . استر و فراویز (سنگاف دامن) ندارد . دو برپیش رویش نسبتاً ژولیده و توسط رشته پشمی دوخته شده است . و چیزی که انسان را به آخرین حد به حقیقت آن معتقد می‌گرداند همینکه لباس پشمی در مرور چهارده قرن حفظ شده و آسیبی به آن لباس پشمی نرسیده است .

در سنه ۱۰۷۴ قمری وقتی که خرقة شریفه از سمرقند برداشته شد . محل مبارک آنرا زیارت سخی شاه مردان نام گذاشتند . و در بعضی ماخذ بیان شده که آنجا زیارت خواجه خضر یاد کرده‌اند .

(۱) قاقم - بضم قاف دوم - جانوریست که پوستش بغایت سفید و ملایم باشد و از آن پوستین می‌سازند و لهذا هر لباس خوب و نفیس و بهتر را بدان منسوب کرده‌اند .

اصطلاحاً قاقمی و یا قاقمه پی یاد کرده‌اند و یاد می‌کنند و این اصطلاح در قدیم بسیار مروج بوده است .

(وکیلی پوپلزا پی)

و این برای احترام همان مقام است .
در تاریخ حسین شاهی و تاریخ احمد نوشته است که : قندیل های
طلا که امیر تیمور گورگان برای عمارت خرقة شریفه در سمرقند
وقف کرده بود تا عهد مراد بیگ خان موجود بود . و مذکور قندیل های
مطلا را که در سقف گنبد باقی بود از جابر کنده به علما و فضلا تقسیم
نمود . یعنی این وقتی بود که خرقة مبارک در افغانستان پرتو نزول
وبرکات نمود .

معانی لغات

در صفحات این کتاب بعضی کلمات مقدسه عربی دیده میشود که ترجمه آن ضرور است :

خرقه - بالكسر جا مه پارینه و کهنه پاره دوخت .

حرا - بکسر اول کو هیست به مکة شریفه که حضرت رسالت

پناهی صلی الله علیه و علی آلہ وسلم پیش از نبوت چند روز که در غار آن کوه به عبادت مشغول بودند و حرا به معنی سزاواری .

تولیت - والی گردانیده و پی در پی شدن و عمل دادن به کسی و ذمه واری .

متولی - برسر کار باشند و دوستی دارنده .

والی - دوست و حاکم و مالک و به معنی خویش و قریب .

حجت الوداع - حجت الوداع عبارت از حجی است که بعد از ادای آن حضرت نبی علیه السلام با امت خویش وداع کرد و وفات شد .

چون این خرقه مشرفه متبرکه در دوران اخیر حیات بابرکات و

ایام مریضی حضرت سرور کائنات و مفخر موجودات بوجود مبارک آن
سید المختار می بود این لباس بهشت اساس مربوط به آن ایام
آخرین و صایای حضرت سیدالکونین و سند الثقلین است که
قند هار قهرمان درنگا هداری و شرف خدمت آن خرقه منوره متبرکه
افتخار دارد. و این وسیله سرافرازی بزرگ ملت افغان در ساحه
روضه باغ آن گلستان مینو نشان به جهت امتیاز دینی مردم مسلمان
این گوشه جهان پر تونزول دارد و تا صبح ابدی از شکوه استقلال
دینی و اجتماعی این ملت متدین میدهد و مردم با صدق و ایقان
مارا در راه تدین و تمدن اسلامی راهنمایی و ارشاد میفرماید.

ونهر شاهی قند هار که بعد از روضه باغ یاد شده و از سنه
۱۱۸۳ قمری وقف خدام زیارت و صرف صدقات جاریه گردیده
است به قرار این اوصاف میتوان از روضات جنتش به حساب
آورد.

* * *

دولت خدا داد - در اسناد دولت افغانستان مندرج این کتاب جمله
(دولت خدا داد) مکرر دیده میشود. بکار بردن این جمله برای آن بوده
است که استقلال کامل افغانستان را نشان میدهد یعنی دولت افغان -
نستان را خدای بزرگ به ملت افغان اعطا کرده و در تاسیس و
تشکیل موجودیت سیاسی این سرزمین مستقل دست دخالت
دیگری شامل نبوده و این ملت مسلمان خود را مدیون احسان کدام
دولت غیر نمیداند

اويس قرن

اويس قرن - بضم اول و فتح واو و قاف وراء مهمله هردو مفتوح -
ناولى كامل منسوب به قرن - چه قرن بفتح تين نايم قبيله است در
ملك يمن و به سكون را بخواند نغلط است .

قرن - پدر قبيله ايست از يمن و اويس قرنى از آن است . واصل
كنيت و لقب آن ولى كامل در كتب معتبر باين عبارت نوشته شده :
(ابى عمرو اويس بن العا مرالقرنى) .

اويس قرن - كه در عصر مبارك حضرت سرور كائنا ت و مفخر
موجودات ميزيست - اولين شخصى است كه خرقة مباركه نبويه (ص)
بر حسب امر و وصيت حضرت رسول اكرم (ص) بدست او رسيد و
آن ولى كامل از نهايت حرمت و آداب و احترام تازمانى كه حيات
داشت ، خرقة متبركه نبويه را ، بالای سر خود نگاه ميداشت . و هر
لحظه تقديس و تكريم و افتخار مى نمود .

و شاعرى در وصف آن و لى كامل گفته است :
عمرها بايد كه تاز پشت آدم نطفه يى

بو الوفاى گرد گردد يا شو دا و يس قرن
يعنى اين خرقة شريفه كه از سنه ۱۱۸۲ قمرى تا سنه ۱۴۰۷ قمرى
در مركز قندهار پر تو نزول و بر كات دارد . ابى عمر و اويس بن
العا مرالقرنى - در سنه (يازده) هجرى قمرى به زيارت آن مشرف

شده و تا خاتمه عمر به شرف تولیت و نگاهداری آن مزید افتخار داشته است. چون هجرت حضرت رسول اکرم (ص) از مکه معظمه به مدینه منوره ابتدا تاریخ هجری قمری و سنه (۱) هجری مصادف است به سال ۶۲۲ میلادی عیسوی و رحلت حضرت سرور کائنات «ص» سنه (یازده) هجری قمری مطابق ۶۳۲ میلادی است. باین قرار معلوم شد که خرقة متبر که در سنه (یازده) قمری در ملک یمن برای اویس قرنی رسیده است.

پرتو و وصول خرقة نبویه در علی آباد کابل

چنانکه مذکور شد خرقة شریفه از سنه ۱۰۹۱ هجری قمری تا سنه ۱۱۸۱ هجری قمری در مدت (۷۹) سال در فیض آباد بدخشان پرتو نزول و برکات داشت تا آنکه در اواخر سنه ۱۱۸۱ هجری قمری مطابق حسن نیت و اراده دیندارانه احمد شاه دلییر امپراتور افغانستان کبیر - توسط شاه و لسی خان اعتماد الدوله بکابل انتقال داده شد.

امور اداری و نظامی و سیاسی ولایات شمال افغانستان از سنه ۱۱۶۳ هجری قمری (مطابق ۱۱۲۹ شمسی) توسط مخلص خان درانی پوپلزی در مرور پنج سال تنظیم و تحکیم یافت. و چون شرح مکمل داستان های نظامی و سیاسی در پیرایه صفحات این اثر مبارک گنجایش ندارد. حذف و اختصار نمود و مخصوصا متون و اسناد و یادداشت های مربوط به تاریخ خرقة شریفه را از نظر می گذرانیم و بدست نشر می سپاریم.

به طوری که مطالعه شد چون خرقة شریفه نبویه چند بار و در چند جا احتراماً نقل داده شده و اینکه در این دوره امپراتور احمدشاهی از اثر بعضی حرکات که احتمال میرفت حقوق حرمت ارباب خدمت تولیت به طور شاید درست ادا نگردد و هم مبادا خرقة شریفه

بجای دیگر نقل داده شود. احمد شاه درانی که شهر جدید قندهار را در سنه ۱۱۶۹ هجری قمری بنا گذاشته و اشرف البلاد موسوم ساخته بود از نظر نهایت حرمت و حسن ادا ی امانت مناسبت دید که خرقة واجب التعظیم حضرت رسول کریم صلی الله علیه و علی آله و اصحابه وسلم که در شهر جوزگون (فیض آباد) بدخشان از عهد مرحوم میریاز بیگ ولی تا این زمان (سنه ۱۱۸۱ قمری) پرتو نزول و برکات دارد در مرکز امپراتوری جدید افغانستان نقل داده شود. زیرا که در خلال این شهر در ولایات شمال افغانستان بعضی مصادر اختلال وجود داشت و اندیشه بر آن بود تا خرقة معظمه از فیض آباد بطرفی نقل داده نشود. و چنانکه قوای نظامی افغانستان مصادف بهمین اوقات برای تنظیم امنیت داخلی و ممانعت از تحریکات و مداخلات خارجی سخت مصروفیت داشت.

چون احمد شاه غازی. ایام تابستان - خزان - زمستان سال ۱۱۴۶ شمسی (مطابق سنه ۱۱۸۱ قمری) را در کابل گذرانید. در برج حوت سال مذکور (شوال ۱۱۸۱ ق - فبروری ۱۷۶۷ م) شاه هزاره سلیمان دومین پسر خود را از قندهار بکابل طلب نمود. و او در برج ثور بکابل رسید. احمد شاه دلیر که به جهت واریسی احوال و لایات شمال افغانستان خود شخصا نیز مصمم حرکت بود، بعد و رود سلیمان بکابل هشت روز دیگر توقف کرده به تاریخ (هشت) برج جوزای سال ۱۱۴۷ شمسی (یازده محرم ۱۱۸۲ ق - بیست و پنج می ۱۷۶۸ م) از کابل جانب چهاریکار مرکز و لایت پروان حرکت نمود. و به تاریخ (ده) جوزا سر دار شاه ولی خان (۱) را با

(۱) قوای نظامی قبل از اعزام شاه ولی خان با میزانی مصروف تنظیم و لایات شمال و تحت اداره دیگر رجال افغانی خدمت می کردند و وصول شاه ولی خان به آن سمت تاثیر بیشتر بخشید.

(وکیلی)

فوجی برای تنظیم ولایات شمال افغانستان فرستاد و خود از چهاریکار بکابل باز گشت . و در برج سرطان (صفر ۱۸۲۱ق) از شهر کابل فرمان فرستاد که خرجه مبارک بکابل نقل داده شود . محمود الحسینی و قایع نگار باین عبارت نوشته است : (از کابل فرمان بسرافرازی شاه ولی خان عز صدور یافته مقرر شد که خرجه متبر که صدر نشین صفا اصطفی اعنی سالار اتقیاء و سرور انبیا را که آن حضرت در ایام حیات بابرکات به خواجه اویس قرنی نور الله مرقده مرحمت فرموده بود . و از آن زمان الی الان بتداول در مملکت ترکستان به ولایت بدخشان رسیده بود - با عزاز و اکرام تمام برداشته در دارالسلطنه کابل آورد . شاه ولی خان که حصار بدخشان را به حیظه تصرف و تسخیر در آورده و برادر سلطانشاه ولی آنجا را دستگیر کرده بود به مجرد رسیدن فرمان - خرجه متبر که آن جناب را برداشته و از جمیع طوایف اوزبک نوکر گرفته بابرادر سلطان شاه والی بدخشان در شهر کابل معاودت نمود و تارک افتخار باعتبار سرافرازی بساط بوسی برای ج طارم سود) .

حقیقت چنان است که شاه ولی خان بعد از اعزام شش هزار فوج که قبلاً برای انتظام امنیت ولایات شمال افغانستان فرستاده شده بود . فرستاده شد .

و شش هزار فوج دیگر که قبلاً از قندهار به طرف هرات و فاریاب به همین مقصد سوق داده شده بود . تاکید و رود و وصول هر دو قوه در محال مورد نظر برای ، همین بود که سرحدات قلمرو شمالی افغانستان را انتظام و استحکام بدهند و تمهید این لشکر کشی ها قبلاً گرفته شده بود . احمد شاه امپراتور دستور داد که فوج قندهار از رود مرو عبور نمود و نقاط مورد نظر را انتظام بدهد و فوج کابل در نقاط مورد نظر برسد .
والبته تمام این سوقیات برای حفظ امنیت و حفاظت خاک از مداخلات خارجی بود .

شاه ولی خان پیام حکومت قوکان را که در بخارا بنا بد عوت
شاه مراد خان وارد شده و امیدورود به حضور امپراتور احمد شاه
بزرگ داشت. به کابل فرستاده چون نماینده حکومت قوکان
شخص روحانی و رتبه اقصی القضاة و شیخ الاسلام داشت.
با او محترمانه رفتار شد. چون متن پیام مذکور در دست نیست
مطالبی بدست نمی آید. و تنها نقل سر صفحه و یاسر نامه آنرا که
به خط محمد کلان خان عضد الدوله نقل بر داشته شده و در جمله اسناد
مهم باقی مانده از نظر می گذرانیم. زیرا که این عنوان و القاب اهمیت
متن را نشان میدهد و برای موجودیت سیاسی و استقلال و موقعیت هر چه
بیشتر مقام معنوی افغانستان تاثیر بسیار دارد:

الحمد لله وحده لا معبوده سواه - من داد المملكة انفاخرة النجارا الى
داد السلطنة القاهرة ام البلاد بلخ بمحروسة احد من الاقايم المعظمة الى
جناب حضرت الامير الجليل الاصعد الامجد الاوحد الاسمي الا سني
صاحب الشأن الكثير الدرجات مالك القدر الكبير البركات سامي العظيم
البلاد حامى الكريم العباد سعادة السيد الخوانين السليمانين المعظم
ام من الممالك الساكنين المفخم صاحب السلطنة القاهرة الملوك
الامم فخر السلاطين الهند والعجم ادام الله ايامه الزاهرة وافاض
على الخلائق غيوث مكارمه الماطرة ولا برح الزمان بوجوده دائم المسرات
الفتوحات والبلاد آمنة مطمئنة تهمني عليها بحسن انظاره سحب الخيرات
امين .

انا من طرائق الرسالة على التواصل المراد الجماعة الطرفين والاتفاق المملكة
المكرمين ارجو لحضراتكم وعظمتكم واشراف دولتكم باجازتكم بخير عن
المواسم المساعد الموافق احدمرة اشرف ببلاد السليمانية لخاص
المدارج الحية والمواحدة ولزيادة الاماكن المقدسة وبشرف المصاحبة
المباركة فارجو لمكارمكم ان تفضلتم قبول ذلك وان كان دون القار
الجناب سائلا الله يجزيك عن جزاء الخير ويجعلك مورد فضل
واحسان وبعدها هداء تحيات تبادج في سطور الطروس عبرها ويشرق
في مطالع سماء الصحف منيرها تهدي الى مقامكم الاعلى وقدركم
المعلى فالذي ابديه لحضرتكم السعيدة العلية الاعلى صانها عن
الزوال وجعلها محلا للمناط الامانى والا مال والسلام في شهرود سنة الف
مائة ثمانين (حدم) .

از روى سنه معلوم ميشود كه اين نامه قبل از ورود شاه والى خان
نوشته شده است .

محمد كلان خان عضد الدوله در ختم نقل عبارت عربى مذکور نوشته

است :

منقول از سرنامه مبارکه دست‌آویز قاضی القضاة و شیخ الاسلام
ایچی پادشاه اسلام پناه ولایت قوقانات از دارالفاخرة بخارای شریف
بخدمت خاقان علیین مکان دارای دربان رضوان جایگاه احمدشاه
پادشاه صاحب غازی رحمة الله تعالی علیه بحدود ترکستانات و
تعویذات و ادعیات نوشته مختوم ساخته - مهر محمد کلان سنه ۱۲۱۷.
از جریانات اداری و سیاسی گذشته و خلص آنکه امپراتور افغان
نستان سرتاسر صفحات شمال و منطقه های سرحدی افغانستان را
تنظیم بخشید و به قناعت مردم و همسایگان پرداخت .
میرزا سنگ محمد مولف تاریخ بدخشان نوشته است :

(اعتضاد خلافت و فرمان روائی اعتماد سلطنت کشور گشای وزیر
اعظم دستور معظم نواب شاه ولی خان افغان که لسان الترجمان
پادشاه بود صاحب اسرار و همراز احمد شاه بنابر اهتمام سعادت
منتظم از حصول مقصد اعلی و وصول بذریعه اقصی که ادراک آنرا
سلطان بدون و جود آن وزیر باتدبیر محال دانسته از پیشگاه
خلافت با قطاع توران و عبور بسرحد بدخشان محض به نیل
سعادت از بدست آوردن و بدل و جان بردن خرقة متبر که مکرمه
معظمه محترمه علی صاحبها الصلوة والتسلیمات مامور گردید .

در اسعد ساعات و امجدات با عساکر جرائر درانی و سپاه کابلی
با اعلام عیوق ساری و خیام مراحل آرای متوجه ترکستان گشته به
ورود و افضای زوایای هزارهجات و تمامی امراء و حکام از سردار
بلخ و قبادخان و غیرهما از اعیان و ارکان باستقبال شتافته و به
ورود قندز قبادخان حصول این دولت را موجب شان و شوکت خود
دانسته که از سابق ازین هم عرایض مشتمل بر استیلا و دست درازی
امیر ب مردم قطغن به خدمت پادشاه به دارالسلطنه کابل به توالی و
تکرار مرسول داشته و وزیر معظم هم بالا صاله مامور به سمت
بدخشان بود که آن راز مستور غیر از وزیر پادشاه احدی واقف



نبود و قباد خان آمدن وزیر را که از جمله کمک و امداد خود دانسته حرفی
امیر را در میان آورده که انتقام خود را در این مورد از امیرسلطان
شاه خواهند گرفت و وزیر هم التماس او را قبول فرموده بدریای
عساکر نصرت مائرتو جه بدخشان گردیدند و مدعای خود را مخفی
داشته که مبادا آن بهشتی لباس را از جای بیجای سازند و از حصول
تمنای شاهنشاهی محروم بمانند. چون آیات ظفر آیات نواب کار-
میا ب باقشون نصرت مشحون از ولایت تالقان عبور فرمود و نصرت
آباد را کسان امیر از پیشتر صرصر معسکر وا گذاشته روبه
عزیمت نهادند.

چون خیر واقعه به امیر رسید از کمال غیرت و مردی که از وجود
خود داشت در صدد آن بر آمد که رفته در موضع ایمن آباد سر راه
برایشان گرفته یکی خود را به آنها بزند که تارو مار نماید و سرکردگان
این جرئت را از امیر نه پذیرفتند که مناره در پیش کوه بلند ی بر
آوردن و شمعی در پیشگاه آفتاب افروختن چه صلاح باشد. با آنکه
اقسقال حیدر بیگ یفتلی که مردی بود سخن آور او به عرض امیر
رسانید که اول فهمیده شود که دولت خواه کیست؟ در مقدمه
ننگ و ناموس کدای می باما یاری می کند و بلکه خوبی خود را کرده ایم
که الحال جانبازی تواند کرد زیرا که بعد از ورود قلماق کاشغری مردم
بدخشی از نظر مرحمت اند کسی افتاده چندان سرگرمی نداشتند.
وازین سخن امیر فهمید که حقیقت چیست و علی الصباح که آفتاب
عالمتاب لعه پاش بساط زمین گردید پیشروان سپاه وزیر
شاه ولی خان افغان رسیدن گرفتند و از تخت کوتل ریسکان تاسر
پل چادر و خیمه زدند. و امیر محمد شاه نیز ازین سوی فوج
خود را آراسته و میخواست که بنا مانشان خود با هم رد و بدل نماید.
فرقه فرقه از جانب امیر از مردم ایلجاری جدا گشته روی به خدمت
وزیر شاه ولی خان نهادند.

امیر هم بکار خود گردید و با قما می لشکر خود بجانب ایسل
واسطه که مو ضعی است بین پساگو و چاه آب در غایت استحکام
بدانجا رفت .

وزیر شاه و لی خان خر قه شریفه و اسعادت دارین دانسته با خود
گرفته دیگر چندان به سود و زیان بدخشان نپرداخت و آنجا که
مدعا بود رسید و تمنایی که داشت به حصول آن مشرف گشت و با
خود میگفت :

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر مقتضای همت خود کامران
شدیم و بعد از تسخیر فیض آباد (...) را از جانب خود حاکم نموده مرا
جعت بدار الامان پادشاهی فرموده ، امیر هم عزم فیض آباد نموده وارد
شهر گردید و آنرا که وزیر شاه ولی خان نایب الحکومه نموده به قلعه
فیض آباد مقرر کرده بود سلطان شاه به غیر حق جبرا به قتل رسانیده
و خود تکرارا به قلعه فیض آباد مقیم گردید .

* * *

چون درج همه جریانات از وظایف تاریخ دور ه امپرا توری
احمد شاهی است در اینجا اختصار و ورزید و خلص آنکه منظور
امپرا تور احمد شاه افغان اینکه : خر قه مطهره در داخل خاک مقدس
افغانستان و بیکی از شهر های کوچک اطراف و مناطق سرحدی و
در تصرف یکی از حکام و در آنجا یعنی فیض آباد بدخشان بنا بر
واقعاتی که در سرحدات قلمرو آن سمت جریان وادامه دارد در
معرض خطر از جایجا شدن احساس میشود ، احتراماً نباید گذاشت . چه
در صورتیکه تمامی و لایسات شمال این طرف رود جیحون شامل
قلمرو سیاسی و اداری افغانستان است و حفظ جمیع امانات بزرگ
و مقدس تعلق بمرکز امپرا توری افغانی دارد به قرار این حسن
نیت و آرزوی عامه مردم مسلمان افغانستان بهتر است که آن

لباس بهشتی اساس در جای که از دستبرد حوادث خوبتر و دقیقتر
مصوون و محفوظ بوده محل استفاضه برای عموم زائرین اهالی
ولایات باشد احتراماً نقل داده شود. و طبعا قندهار و بالخصوص
این شهر جدید آن که با میدان موهبت بزرگ و این عطیه عظیم
دوازده سال قبل (اشرف البلاد) نام گذاشته شده است. شایان
این شرف و عظمت و درخور ادای خدمت هر چه بیشتر در حفظ و
نگاهداری این امانت لنگر افکن هر هفت اقلیم دیده میشود و باید این
امانت مطهر و مقدس به طور دایم در همان مرکز بزرگ پر تو تجلی
به جمیع اطراف قلمرو امپراتوری افغانی داشته و زائرین از هر ولایت
برای ادای احترام برسند.

وهم باید عهد تولیت این امانت پر از فیض و برکت بدوش خدمتگار
عالم اسلام احمد شاه در دران باشد تا بتواند از جهت فتوت این ملت
مسلمان با صدق و ایمان از عهد صرف نذورات و صدقات جاریه
روزمره و حفاظت حقوق ارباب تولیت و موقوفات آن زیارتگاه
نسبت به سایر ارباب قدرت و تمول خوبتر و بهتر بدرشود. «
(بقول تاریخ سلطانی که از رساله تاریخ ابدالی نقل برداشته
است) متولیان در شب اخیر صندوق مبارک را گشودند و موضع
(بین الکتفین) خرجه مبارکه را از محل لمس مبارک مهرنبوت قطع
نموده از طریق آهن دره به بخارا شتافتند. و اگر که احمد شاه
افغان از روی اشفاق و مراحم خاصی که در حق علما و اتقیا داشت می
خواست خواجگان زیارت خرجه شریفه را از فیض آباد بدخشان به
اشرف البلاد جا بدهد ممکن نشد.

در وقت وصول محل خرجه معظمه از فیض آباد بدخشان بکابل

احترا ما منا سب دیده شد که در خارج از حصار شهر در محل گوشه و منزه و جای وسیع دامان کوه گذاشته شود. (۱) و در وقت پرتو نزول خرقة شریفه، در دامان سمت غرب کوه سمت شمال غرب شهر که مشرف به وادی وسیع دشت علی آباد (ساحه پوهنتون و وزارت زراعت حالیه) خیمه گاه سپاه اعزامی ولایت بدخشان قرار یافت و تا مدتی که خرقة نبویه (ص) از برای زیارت کردن مردم اطراف کابل در همین حصه (که بعد از زیارت سخی شاه مردان نامیده شد) گذاشته بود و خیمه های عساکر محافظ در اطراف آن ساحه یعنی اراضی تحت کاریز علی آباد استوار بود و این عساکر که در تنظیم و لایات شمال وانتقال خرقة واجب التعظیم از فیض آباد تا کابل خدمت کرده بودند خود را خیلی ها سرافراز میدادند، و این عساکری بود که در تمام لشکرکشی های عهد احمد شاهی اشتراک داشتند و کار دیده مردان مجاهد و مبارز بودند.

قلعه و اراضی علی آباد کابل به وزیر شاه ولی خان تعلق داشت. (۲)

* * *

مرحوم محمود طرزی در وصف کابل گفته است:

افغانستان که دولت مختار بافر است

کابل و راست مرکز و از جمله برتر است

(۱) دیوارهای تاریخی شهر کابل تا آنوقت ها استوار و محیط بر

نواحی شهر قدیم کابل بود. یعنی حصص خارج آن دیوار اطراف، شهر را خارج حصار یاد می کردند.

(۲) علی آباد تا زمان نوادگان وزیر شاه ولی خان در ید تصرف

آن خاندان بود.

در لفظ نام خوب وی ارآوری نظر

یا بسیمیان گل تو یکی آب چون گهر

کابل بود که تختگاه دو لتست او

کابل بود که منبع هر عزت است او

کابل بود که هست به اسلام از و امید

زیرا که هر زمان زترقی دهد نو یسد

علی آباد

(اولین مقام خرقه شریفه در کابل)

قلعه و باغ و ساحه زراعتی موسوم به علی آباد در سمت شمال شرق چهار دهی کابل از مرورد و صد و بیست و پنج سال به همین نام مشهور است. در این ساحه شاه ولی خان اعتماد الدوله زمین داشت. قلعه و باغ او در ساچه پوهنتون حالیه واقع بود (۱) در

(۱) محل پوهنتون و حصه یی از دارالمعلمین و مرکز تحقیقات اسلامی متعلق به وزیر شاه ولی خان و تازمانی که حافظ عطا محمد خان و حافظ غلام احمد خان پسران وزیر شیر محمد خان ابن وزیر شاه ولی خان حیات داشتند، مربوط آن خاندان بود و غلام رسول خان ابن غلام احمد خان تا هفتاد سال قبل از امروز در حصه شرق دارالمعلمین حالیه قلعه و باغ داشت و قلعه کلوخك مشهور بود و در سال ۱۳۲۵ شمسی تخریب گردید. کاریز علی آباد از ساحه جنوبی نانه چی سر چشمه گرفته و از بین قریه جواد بیگ و قریه نوروزك به طرف باغ و اراضی جریان می پذیرفت و اکنون هم جریان دارد.

اوایل سنه ۱۱۸۲ قمری و قتی که محمل خر قه مبار که به کابل پرتو نزول نمود احتراماً تصویب به عمل آمد که محمل خر قه شریفه در خارج حصار شهر و در دامان کوه در محل گوشه و منزله و دور از منازل گذاشته شود. و تا چند وقتی که زائرین از شهر و اطراف کابل میرسند در همانجا مشرف شوند. چون زائرین به کثرت میشتافتند در وقت روز بالای سنگی که سوراخ دارد می گذاشتند و زائرین از سوراخ آن عبور می نمودند.

بعد از آنکه خر قه شریفه از کابل به قندهار نقل داده شد (همچنان که محمل قدیم خر قه شریفه در سمرقند بعد انتقال آن زیارت شاه مردان نام گذاشته شد).

بعد انتقال آن از کابل به قندهار، محل آن امانت مقدسه رانیز زیارت شاه مردان یاد کردند. و چنانکه در سنه ۱۱۸۷ قمری چاه آب نیز در نزدیک آن حفر و در ختان توت غرس گردید. و جلگه سمت غرب آن بنام چمن شاه مردان مشهور ماند.

و اینکه خر قه شریفه توسط شاه ولی خان اعظم دادله و له از فیض آباد بدخشان به کابل نقل داده شد و هم اینکه کار یز و ساحه زراعتی و جلگه سمت غرب آن از زمان خود و زیر تا دوره نوادگانش در تصرف آن خاندان و به کمک آن خاندان قلعه یی هم برای مسکن متولیان زیارت شاه مردان (۱) در نزدیکی آن تعمیر گردیده بود.

(۱) گنبد زیارت موسوم به سخی شاه مردان - در سنه ۱۲۹۸ شمسی از طرف سرور سلطان علیا حضرت سراج الخواتین والده غازی امان الله شاه - به شکرانه حصول استقلال کامل افغانستان تعمیر گردید و در سال ۱۲۹۹ ش تمام یافت. و قبلا محوطه یی از سنگ داشت. و دیگری از مس نیز تهیه نمود. و مفصل این گزارش را در دیگر صفحات نیز نوشته ام.

این افتخار برای آن خانواده باقی ماند . چرا که پسر و نواده گان وزیر هم در زمان خود مردان صاحب قدرت بودند .

روایتی است در وقتیکه وزیرشاه ولی خان و پسرش وزیر شیر محمد خان در نزدیک کاریز (پوهنتون حالیه) قلعه و باغ طرح و احداث نمودند ، به همان حرمت این ساحت را علی آباد موسوم کردند . و البته این قصه ایست که از زبانها شنیده در اسناد نخوانده ام . وهم روایتی است که شخصی علی احمد نام یکنفر پهلوان در اینجا آبادی نمود و بنام او علی آباد مشهور ماند . اما مسکن گزیدن خاندان وزیر شاه ولی خان در کابل در گذر وزیر نزدیک بالا حصار و این ساحت پوهنتون کاملا محقق است .

وصول خر قه شریفه

در قندهار

امپراتور بزرگ افغانستان احمدشاه در دران و وصول خر قه مبارکه را در کابل منتج فیوضات غیبی و عطوفات لاریبی دانسته بعد از صرف صدقات و زیارتش با خود برداشت. یعنی خود را مطلقاً مسوول خدمت و نگاهداری و شرف تولیت آن دانست و کلید صندوق مبارک را شخصاً به ید اختیار خود گرفت و در خارج حصار شهر کابل در محل گوشه و آزاد و منزله و امان کوه گذاشت و دستور داد که خیمه گاه عساکر محافظ در اطراف بعید آن استوار گردد و چند هفته از برای زیارت کردن اهالی شهر و اطراف کابل گذاشت و محل آن در کابل همین جایبی است که مردم سخنی شاه مردان یاد می کنند.

و سال انتقال خر قه شریفه را از کابل به قندهار اینجا باید تصریح کرد که :

اول حمل سال ۱۱۴۷ شمسی مطابق دوم ذی قعدة الحرام سنه ۱۱۸۱ هجری قمری است.

احمد شاه درانی که از ایام بهار سال ۱۱۴۶ شمسی تا برج حوت سال مذکور در کابل اقامت داشت. در برج حوت سال ۱۱۴۶ ش از کابل به قندهار فرمان فرستاد و شاهزاده سلیمان دو میسن

پسر خود را بکابل خواست. و تاریخ ورود او در کابل برج ثور سال
۱۱۴۷ شمسی مطابق اوایل محرم الحرام سنه ۱۱۸۲ قمری است.
احمد شاه درانی به تاریخ (هشت) جوزا (یازده) محرم جانب
چهاریکار عزیمت نمود و روز (ده) جوزا (سیزده) محرم شاه ولی
خان و زیر را جانب بد خشا ن فرستاد :

اینکه تاریخ و وصول خر قه شریفه در قندهار (نه) ربیع الاول
سنه ۱۱۸۲ قمری (مطابق ۳ برج اسد) تعیین شده ممکن سهو واقعه
نگار باشد و حقیقت چنان مینماید که تاریخ و وصول خر قه در قندهار
(۹) جمادی الاول مطابق اوایل برج میزان باشد. و اینکه نسبت گرفتاری
های مهمه در انتقال خر قه شریفه احترا ما از عجله کار گرفته شده
باشد طرف قبول می نماید و شاهزاده سلیمان درانی در ایام
تابستان از کابل به همراه محمل خر قه متبر که عزیمت قندهار
نموده باشد. و این یاد داشتی بود و چون در ماخذ (۹) ربیع الاول
سنه ۱۱۸۲ قمری تاریخ و وصول خر قه معظمه در قندهار تعیین شده
تردد نمی ورزیم .

(افاض علینا من بر کاته) رجال موظف که عده زیاد علما و عساکر
و خوانین بودند خر قه شریفه را با اعزاز و اکرام تمام برداشته در منزل
اول در علاقه میدان رسانیدند و در سرای مسجدی نزدیک ده افغانان
بالای صندلی گذاشتند. بعد بر داشتن از آنجا اهالی آنگوشه
سرای را زیارت قرار داده اطراف صندلی را دیوار کرده پوشانیدند
شمعدانها گذاشتند. زیارت و صوت و موجود است و به همین
آداب تا قندهار رسانیدند و تاریخ و وصول خر قه شریفه در قندهار
(۹) ربیع الاول سنه ۱۱۸۲ قمری (مطابق سوم برج اسد سال
۱۱۴۷ شمسی) است و در اولین مسجد جدید تعمیر که در سنه

۱۱۷۲ قمری کار تعمیر آن اتمام یافته بود گذاشتند (۱) و تا سنه ۱۱۹۰ قمری در همانجا بود .
 در ایام طی طریق محمل خر قه شریفه از فیض آباد تا کابل و از کابل تا قندهار محمل مبارک را بر پشت اشتر می گذاشتند. و در وقت فرود آوردن در هر منزل مفروشات جدیدی را که قطعا استعمال نشده بود - هموار کرده صندوق مبارک را با لای آن و دریک حصه هر تفصیح می گذاشتند . و در هر بار فرود آوردن مبلغ کثیر نذر و صدقه می کردند و در هر منزل بعد فرود آوردن رقعہ یی نوشته و حکم آویختن بگردن اشتر میدادند و می نوشتند که با لای این اشتر خر قه مطهره حمل شده و هیچ کس حق بار کردن و سوار شدن ندارد و این اشتر از خدمت آزاد است و اشتر آن آزاد شده را حمایت می نمودند . و اهالی در هر منزل - محل فرودگاه خر قه شریفه را سنگ چینی و احاطه میکردند .

احمد شاه بزرگ - که شهر جدید قندهار را در سنه ۱۱۶۹ قمری بنا و اشرف البلاد نام گذاشت . و قتی این فیض ربانی به آن شهر پر تو وصول و نزول نمود - باور میشود که در عالم روحانیت و کرامت این حقیقت را دریافته شهر بنا کرد و خود را از باعث ورود و وصول خر قه متبر که به آن نام قبلا اشتها داده بود و چنانکه حق به مرکز خود قرار گرفت و این نام را در سکه بی دولت و فرمانها و وثایق و نامه ها درج نمود . یعنی در افغانستان دو افتخار (فیض آباد) و (اشرف البلاد) از همین احترام پرتو نزول خر قه واجب التعظیم حضرت رسول کریم (ص) ایجاد شده است .

(۱) این مسجد به سمت جنوب گذر بر درانی واقع است و قندهار - یان حال (زائره مسجد) یعنی مسجد قدیم یاد می کنند .

واما اشرف البلاد از لحاظ مجاهدت در راه دین اسلام و حصول
استقلال و پیوستگی دادن هم ولایات معروف از کران تا کران
داخل یک قلمرو و در تحت یک نظام امپراتوری اسلامی به تمام
معانی ترجیح و تفضل دارد .

وقند هار قهرمان را مرکز بزرگ اجتماعات و صلح و امنیت
عمومی افغانستان می توان قبول کرد .

* * *

اهل حق را زندگی از قوت است قوت هر ملت از جمعیت است

تاریخ انتقال خرقة شریفه

در نظم

تاریخ انتقال و وصول خرقة شریفه از جوزگون (فیض آباد) به اشرف البلاد (قندهار) به قرار این نظم بیان شده است :

زهی خرقة با سعادت که شد خراسان ز فیض قدو مشمنور
معلی جناب احمد آن شاه و الا که بدر تبه اش بر تر از بام اخضر
به بازو چو رستم به هیبت چو دارا به حشمت سلیمان به تکمین سکندر
مطیعتش زمه تا به ماهی جهانی بیا بوشش آسمان حلقه بر در
از آنجا که آمد زو پیش داشت مسکن حب حق تعالی و حب پیمبر
فرستاد در جوزگون بهر تعظیم ولی خان وزیر خود آن نیک اختر
که تا آورد خرقة شاه لولاک حبیب خدا شافع روز محشر
بیا و ردش از جوزگون آن نکونام بصد عز و تکریم بسیار و صد فر
نهم از ربیع اول و روز دوشنبه که شد قندهار از نزولش معطر
بالف ماته ثمانین و اثنان خرد گفت بنویس تا ریخش اندر
(۱۱۸۲ق)

نظم فوق به خط صوفی عبدا لحمید خان - در مدخل دروازه و
دالان زیارت خرقة شریفه در سنه ۱۳۲۷ قمری نقش شده است .

قند ها رو خرقه شریفه

«کلام محمود طرزی افغانی»

خوش آب و خوش هوا ولطافت نثار شد
شیرین بود که نام خوشش قند هار شد
فخر رسل محمد مختار کز شرف
عالم بنور او شده از جهل بر طرف
یک خرقه مقدس از ثوب پاک خویش
بهر او یس کرده عطا در زمان پیش
آن خرقه مقدس پاک این زمان کجاست
پرسی کجا بگویی که در قند هار ما ست
این است فضل باقی این شهر بی نظیر
قد سیتش قیاس کن ای ذات خوش ضمیر
در این و لا یتست ارا ضی پر شرف
انهار بس بزرگ در آن جاری هر طرف
اقوام پر سلاح اصیل دلاوری
در روی شان ستاده چو شیران غاوری

قندهار و خرقة شريفه

کلام علامه اقبال

دو کشور سر بر اقبال شاعر شهیر ق - در برج عقرب سال
۱۳۱۲ شمسی حینی که از کابل وارد قندهار و به زیارت خرقة
شریفه مشرف شد. با احترام آن شهر و زیارت مقدس گفت :

قندهار آن کشور مینو سو اد	اهل دل را خاک او خاک مراد
کوی آن شهر است مارا کوی دوست	ساربان بر بند محمل سوی دوست
خرقه آن بر زخ لا یبغیان	دید مش در نکته (لی خرقتان)
آمد از پیرا هن او سوی او	داد مارا نعره الله هو

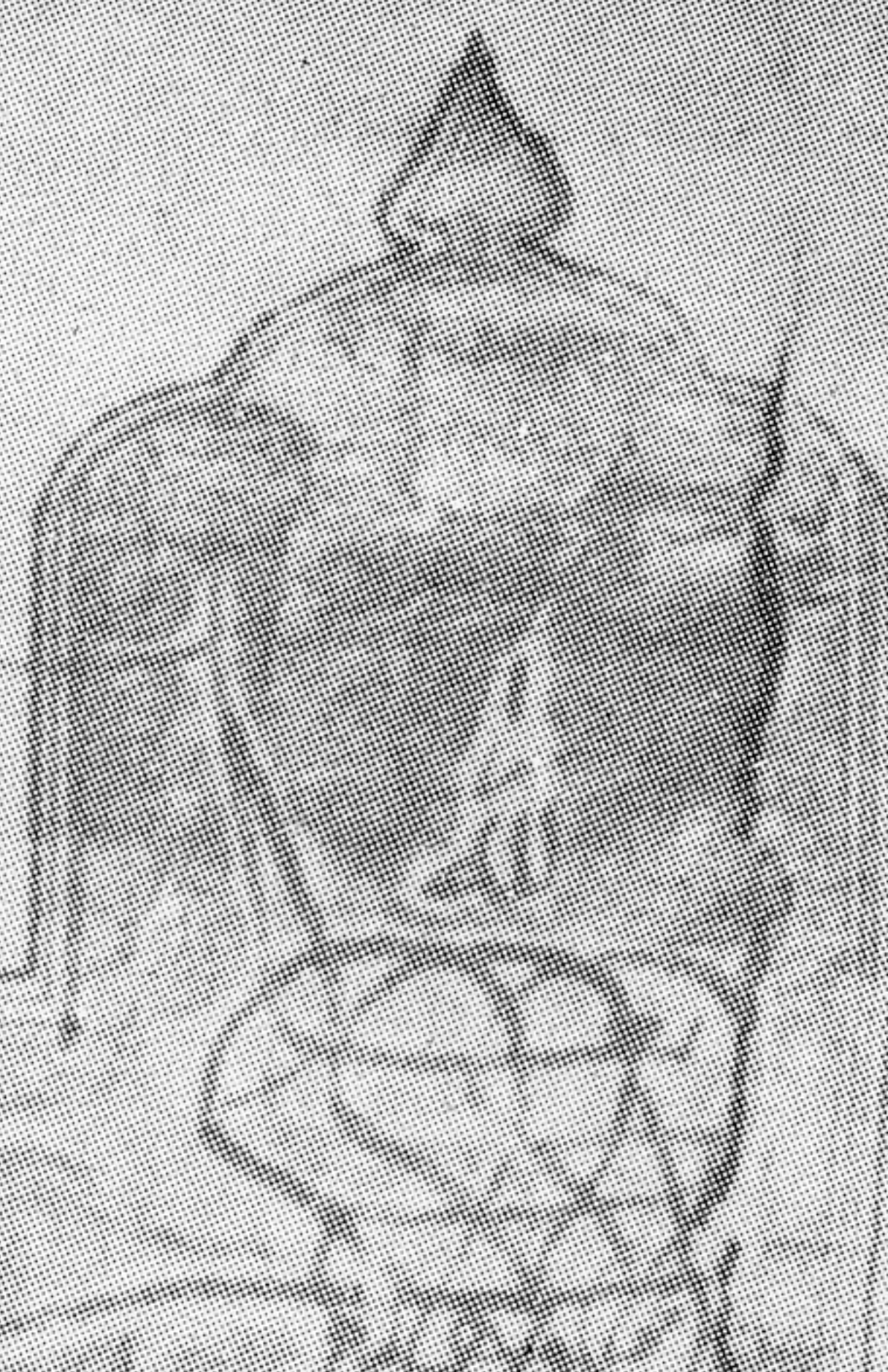
اولین فرمان دولت افغانستان

در خصوص مقرری متولی خر قه شریفه قندهار

در اول باید گفت که : مقصد از درج این همه متون و اسناد آن است که علائق مزید و احترام نهایت زیاده مردم مسلمان افغانستان را در حفظ و نگاهداری خر قه واجب الاحترام حضرت سید الانام از مرور تاریخ نشان میدهد .

چون سر قهرمان دلیر افغانستان احمد شاه امپراتور - بعد وصول خر قه معظمه در قندهار و وصول خودش بعد از يك سفر فاتحانه از بلاد شرقی امپراتوری به قندهار - از ابتدای سنه ۱۱۸۳ هجری قمری اراده لشکرکشی برای تنظیم بلاد غربی قلمرو امپراتوری افغانستان داشت . و تا عشره ثانی شهر محرم الحرام سنه مذکور خدمت تولیت خر قه معظمه را بدوش خود و کلید صندوق مبارک محمل خر قه را بدست خود و آن امانت نهایت بزرگ را در اولین ، مسجد بنا کرده عهد دولت خویش (زااړه مسجد) نگاهداری می نمود . مطابق رای و تصویب و انتخاب اعضای دولت - الحاج مولوی عبدالحق (ولد حاجی ملاشکر ولد حاجی ملازال قوم یعقوب زایی الکو زایی را به خدمت تولیت خر قه مبارک مقرر فرمود و به مهر خود و اعضای دولت و مسوولین امور ادار و حساب فرمان نوشت که

اینک سراسر نقل مهرها و عبارات فرمان را درج مینمایم، و سراسر نقل عبارات اسناد و ارقام دولت افغانستان - بر علاوه خدمت نگاهداری و حفاظت خر قه مشرفه برای معرفی نامه ها و تذکار اصطلاحات اداری و طرز انشاء (قرن ۱۱، ۱۲) هجری و بزرگی همت و استقلال کامل افغانستان تاثیر بسیار دارد.



اکابر مرام بکران خداوند و ما را بی پایان شروانم در باره نصیب و کمالی
 خدمت انانیت و کمالی در دنیا و آخرت در ذریه تو انوار و نورشده جان از در سر و الا
 شبنام ادب و لا شاد اگر کرده از است آینه است بار که او مثل ترک سال کا و او ابرته ریح المبرک
 غرض شاد که حضرت سید الدین و خانم البین که در آن طرف البید و احد شهادت را از کتابین ادب
 زودیم که چنانچه یاد و شایه و در جوهر کار و الا و صحبت ادب و در آید جوهر امیر نور و در هم شرفه که در تمام
 در برین وقت و اتمام و کمالت خود بسیار که در هیچ سعادت امر از است فرود هم بر و اتمام تمام سعادت و قبول
 در این عزت است امر تو نور و در وقت نماز و نماز که در سن عزت و سعادت است و طهر سلطه و هم خیر و در هر سعادت
 سر و سعادت زلف و در وقت نماز و در وقت نماز که در وقت نماز است و در وقت نماز که در وقت نماز است
 از بیت بلور و در وقت نماز که در وقت نماز است و در وقت نماز که در وقت نماز است

فرمان اعلیحضرت احمد شاه درانی - که در شهر قندهار برای مقرری متولی خرقة شریفه نوشته اند

الملك لله
الحكم لله يا هو يا فتاح
احمد شاه دردرا ن
۱۱۷۵

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه بنا بر امرای بیکران
خدایوانه و مکارم بی پایان خسروانه در باره فضیلت و کمالات پناه افادت
و افاضت دستگامه حاجی ملا عبدالحق درانی الکوژی که درین وقت ذره
از میر تو انوار خورشید جهان افروز خسروانی تجلی بخش شبستان -
آمال و امانی مشار الیه گردیده از ابتدا هذه السنه مبارکه که او ایل ترکی
سال گاو او را بر تبه رفیع المرتبه تولیت خر قه مشرفه متبرکه
حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین (ص) که در اشرف البلاد
احمد شاهی است سر افراز ممتاز بین الامثال والا قرآن فرمودیم که
چنانچه باید و شاید و از جوهر کردانی و صلاحیت اوسزد و آید بلوازم
امر مزبور و مراسم شغل مذکور قیام و اقدام داشته در سر پرستی و
عزت و احترام و محافظت خر قه مبارکه و جمیع متعلقات امر تولیت
مزبور لازم سعی و اهتمام تمام به عمل آورد و دقیقه از دقایق
ملزومات امر مزبور را فرو گذاشت ننماید و نحوی نماید که حسن خدمت او

ظا هر شود و هم تحصیل دعای خیر جهت ذات ستوده صفات اشرف
بوده باشد و خر قه مبار که را به نحوی که در صندوق است در همان
صندوق باشد و سر صندوق که قفل شده است به همان نحو بسته
باشد و بدون حکم نواب همایون مابیه حکم دیگری سر صندوق مزبور
را باز نکند و مردم که زیارت می نمایند همان صندوق را زیارت
کنند واحدی از خدمان اشرف تخلف نور زد. حکام و عمال و مباحث
شرین و جمہور خلق اللہ سکنای اشرف البلاد احمد شاهی و غیره
حسب المقرر حاجی الحر میزن حاجی عبدالحق متولی خر قه متبر که
و ملزومات امر مزبور را متعلق با و شمرد در باب زیارت آن
نحوی که امر شده معمول داشته تخلف نور زند. مستوفیان عظام
ولشکر نوپسان کرام صورت رقم مبارک را در دفاتر لازمه ثبت و
حسب المقرر معمولداشته در عهده شناسند.

فی (۲۶) شهر محرم الحرام سنه ۱۱۸۳.

نقوش مهرهای ظهر فرماندارای این عبارات است :

- ۱- افوض امری الی اللہ - عبده محمد قاسم - ۱۱۶.
- ۲- عبدالرحیم ابن علی رضاء
- ۳- افوض امری الی اللہ - عبده محمد هاشم
- ۴- آصف بارگاه شاه دران زدل شده غلام بهادر شهو لیخان
- ۵- عبده گل محمد
- ۶- لا الاله الا الله الملك الحق المبين - عبده یاقوت
- ۷- لا اله الا الله الملك الحق المبين - عبده امان الله
- ۸- عبده سعادت .

وقف نامه خرقه شریفه

نهر جدید قند هار مشهور به نهر احمد شاهي که امپرا تور احمد شاه درانی در زمان حیات حفر و آباد ساخت و مردم قند هار (شاه اواله) یاد می نمودند.

نهر مذکور وارا ضی تحت آب آن که مال و ملک در خور شان خدمت تولیت خرقه مشرفه مکرمه دیده میشود . در شهر رجب المرجب سنه ۱۱۹۶ هجری قمری (مطابق بارس ثیل شمسی) به مهر هفت پسر آن امپرا تور بز رگ و قف خرقه شریفه گردید . چرا که احمد شاه مر حوم خود این حسن نیت را داشت و امپرا تور تیمور شاه بروی سند معتبر به مهر خود و شش برادر خود این حسن نیت را

به جا آورد (۱) و قفنا مه خر قه شریفه که بدست حاجی عبدالحق
الکوزا یی متولی (ابن حاجی ملا شکر ابن حاجی ملازال یعقوب
زا یی الکوزا یی) سپرده شده سرا سر متن آن ازین قرار است :
هو الله تعالی مالک الملك والاستحقاق والله میراث السموات
والارض وهو بكل شی خبیر .

(۱) وفات احمد شاه بابا ظهر پنجشنبه (دوم) ربیع الاول سنه
۱۱۸۶ ق در ولسوالی مرغه و دفن در ساحه دولت خانه شهر جدید
قندهار جمعه (۳) ربیع الاول .

جلوس تیمور شاه (۱۹) جمادی الاول سنه ۱۱۸۶ ق ،
انتقال مقر دولت امپراتوری از قندهار به کابل - صفر سنه
۱۱۸۷ ق، ختم کار تعمیر خرقة شریفه و آرامگاه احمد شاه بزرگ
در سنه ۱۱۹۱ ق، تاریخ تحریر وثیقه آرامگاه احمد شاه بزرگ در سنه
وقف نامه خرقة شریفه رجب سنه ۱۱۹۶ ق .

الملك لله
علم شد از عنایات الهی
بعالم دولت تیمور شاهی
۱۱۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم - حمدا لمن وقف على خفيات السراير
 و مر كواذات الضماير و شكرا لمن واقف من كنه معرفة افهام الواقفين
 من ذوى الابصار و البصاير و الصلوة و السلام على النبى
 المصطفى المجتبى المعلى اشرف الال و الاواخر و على اله الطاهرين
 الواصلين و اصحابه الكاملين المجتنبين صاحبى المكارم و المائر
 من يومنا هذا الى يوم تبلى السراير
 اما بعد

برای هدایت ضیای واقفان حقایق آثار نامتناهی و واقفان پیشگاه
 دستگاه امکان و پرده کشای رموزکنوز اسرار الهی - که ضمایر
 بیضا نظایر شان - از اشعات شارقات مشکوة .
 الذین یومنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون
 جا میست جهان نما و بر کاشفان سرایر کارخانه کنفکان - که خاطر
 آفتاب تاثیر شان از پرتو امعات بارقات : من تنالوا البر حتی تنفقوا
 مما تحبون - به مثابه مرآتست .

حقیقت نما صورت این معنی روشن و هویدا و معنی این صورت مبرهن
و پیدا ست که اقدام در طریق انفاع و اتفاق و قیام نمودن به
وظایف بذل و انفاق - مورت جزای جزیل و مودای من کان یزید حرث
الآخرة من دله فی حرثه بر این معنی از واضحات ذیل است و شك
نیست که فاضل ترین خیرات جاریه و نافع ترین میراث مستمره و افیه
که ثمرات آنها به فیضان شایسته لامقنطوعه و لا ممنوعه موصوف
است . و دوام آنها بر توالی ایام و شهر منطبق و بقای آن باتمادی
اعوام و دهور موافق است و نه زمانه ناساز را بر انقطاع آنها دستی و نه
از تزلزل دوران ناشکیبا ارکان بقایش را شکستنی است و آفتاب
عنایت ابدی و نجوم سعادت سرمدی از آفاق اقبال مقهلی و از سمای
اجلال صاحب دلی طالع و لامع تواند گشت که بعد از ادای مراسم فرایض
و واجبات و پس از اجرای لوازم نوافل و مستحبات همگی اوقات
بر حرف انواع خیرات و وقف اصناف مبرات که هر یک آنها
عند الخالق و الخلاق موجب حصول درجات علیه و وسیله و صول به
مراثب عالیه است . بموجب کلام حقیقت نظام .

حصلو اللاحرة بترك الدنيا ولا تحصلو اللاحرة بترك الدنيا بترك اللاحرة
مصرف و معطوف دارد بیت :

گوی مراد در خم چو گاز سرور است کانرا بخیر خواهی بیچارگان سرریست
لاجرم هر یک از بنده گان خداوند و ادوار و پیروان طریق انیق حضرت
احمد مختار بر ضای ایزد کردگار و خوشنودی جناب سید ابرارو ،
مصدق کلام با بشارت ایثار دنیا حسن العبادة و افضل
السعادة - مبادرت بروقف ضیاع و عقار و بذل صحار و انهار نمایند تا

بِعَرُوجِ دَرَجَاتٍ فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ
مشهور و معروف گردند .

پس در صورت هر صاحبانی عقول معقول و عارفان حقیقت
شناس فحول که پنج روزی درین سرای سپنج و ماوای پر درد ورنج
رخت اقامت افکنده و افراد اورا قلیالی و ایام بی ریب و مین من حیث
والو جهین بانظار اعتبار دیده و سنجیده اند بقرینه و قیاس استدلال
کرده اند که عموم معاشر ناسرا از پیرو جوان عاقبت ازین جهان
سالک طریق و حشت رفیق فنا و خسران و از پی هم روان و شاهان
با عزت و ناز و گدایان با عدم آزد مساز با کمال سوز و ساز بسوی
شهرستان عدم گرم عنان خواهند بود . لهذا عاقلان عارف و عاقلان
واقف آنان اند که درین دار غرور و سرای پرفتور در صرف مال و
اموال حتی المقدور به محض رضای خدای غفور به هیچ وجه
اهمال و قصور ننمایند تا بفحوی حقانیت مقرون من عمل صالحا من
ذکر و انشی وهو مؤمن فلنجینا حیوة طیبة ولنجزینهم اجرهم
باحسن ما کانوا یعملون . آیه ۹۷ سوره نحل .

من عمل صالحا من ذکر و انشی وهو مؤمن فلنجینه حیوة طیبة و
لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون آیه ۹۷ سوره نحل
از لطایف بیعدیل حضرت مستعان جلیل مستوجب اجر جمیل
و جزای جزیل شوند و ذیل مرا به نیروی بازوی اعتصام بهر حال
در انجام این مهم بر میان اهتمام استوار ساخته جلوه گر میدادیم
الطول والعرض .

سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها كعرض السماء و
الارض اعدت للمتقین ، باشد .

بنابرین درین آوان میمنت اقترا ن که اوایل جوش بهار دولت
گیتی امتداد و او اخر عمر و زوال روزگار ارباب حسد و عناد و مبداء

سال فرخ فال سعادت قليل بارس ييل وشهر رجب المرجب سنه (۱) سنیه ست وتسعين وماته بعد الالف من الهجرة النبوية عليه الصلوات اكملها و من التحيات اجملها استما مول عطيات حضرت خالق البريات و مشمول حقايق ومعاني اين مقالات عاكس مرات حقيقت نماي آيات و زوايات فوق الذكر المورد با لعنايات الابد يا والسعادات السرمدية تاج السلطنة القا هره وسراج الدولة الباهرة اعظم الملوك والسلاطين قهر مان الماء و الطين دافع سموم الظلم و النوايب بالراي والتدبير بصايب مالك رقاب ملوك الافاق و الملاك المخيم جاها فوق السماء والسماك جلال الدنيا و الدين مروج الاسلام ومعين المسلمين ظل الله في الافاق والارضين .

بيت

بياي جا ه فلك را كشيد ه زير ركا ب
 بد ست امر جهان را گرفته زير نكين
 وانكه در عهد حكم و فرمانش
 هست ساير فلك بدو را نشناس
 كس پراگنده نيست جز گلبرگ
 هيچ مظلوم نيست جز بيداد
 اختر دولت زمين و سماء
 گوهر نسل آدم و حوا
 جز ز نصرت سواد نامه او
 شب دولت مداد خامه او

(۱) سنه ۱۱۹۶ هجری قمری مطابق دهمین سال جلوس تیمورشاه بر تخت امپراتوری درانی .

بیت

کریم خلقه خلق الالهی
تعالی رایتہ الی اللاتنا ہی
عَدِيم الشبہ من مال و جاہی
مطاعا فی الامر و النواہی

السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان مهر سپهر دولت و انتباه
ماه فلك حشمت و جاه الموید بتا ئیدات الاله تیمور پادشاه لزال
جلال ملکہ و سلطانه و افاض علی العالمین برہ و احسانہ و نو باوگان
حدیقہ جاہ و جلال و یگانہ گوہرا ن عزت و اجلال دراری ابہت و اقبال
نقاط دوایر بر و افضال بہمین نتایج خاندان سعادت نشان و
سلالہ های سلسلہ شہامت و شان شاہزادہ سلیمان و شاہزادہ
اسکندر و شاہزادہ پرویز و شاہزادہ داراب و شاہزادہ شہاب
و شاہزادہ سنجر طول اللہ اعمارہم بمضمون آیہ وافی ہدائیہ:
مثل الذین ینفقون اموالہم فی سبیل اللہ کمثل حبة انبتت سبع
سنابل فی کل سنبلۃ مائۃ حبة واللہ یضاعف لمن یشاء موفوق
بتوفیق ایزدی گشتہ در حین صحت نفس و اعتدال مزاج از روی رضا
و رغبت و قف صحیح مخلص موید شرعی نمودند ہمگی و تما می نہر
جدید مشہور بہ نہر احمد شاہی واقع در اشراف البلاد احمد شاہی
مع آب و اراضی معینہ متعلقہ آن کہ از آب نہر مزبور مشروب و زراعت
میشود و بند آب نہر موصوفہ از رود خانہ ارغنداب جدا میشود و از
طرف مغرب و شمال بہ جانب مشرق و جنوب جاری و بہ باغ
جدید مبینہ خاقان علیین آشیان احمد شاہ درد را ن انار اللہ لہ
البرہان کہ بمنزل باغ موسوم است . منتهی میشود و سلطان
مبرور در حین حیات خود بہ مال حلال و سعی جمیل برضای رب
جلیل حفر و آباد ساختہ و مال مملوک و موروثی واقفین مزبورین
است سوای باغ دیوان خانہ و حر مسرا و انار باغ و مجلس باغ

و منزل باغ که از آب نهر مزبور رحقا به دارد و مشروب میشود و از
اوقاف مزبور ه سوی و مستثنی است و سوی طاحونه جدید که
عالیجا ه رفیع جایگا ه فضیلت و کمالات پناه افادت و افاضت
دستگا ه علامی فها می اعلم العلماء و افضل الفضلاء مقر ب الحضرت
الخاقانیه اقصی القضاة ملا فیض الله خان پشینما زسر کار خاصه شریفه
وقاضی عساکر تصرفت مآثر که بر سر نهر مزبور به مال و رجال خود
آباد و به آب نهر مزبور درگر واست و سوی ملاک متعلق به آن نهر که
به ار بابی عمل و به تصرف مردم است و از قرار ارقام مغفور و نواب
همایون متعلق به آنها دارد مقرر و مشرو طبر آنکه موقوفات مذکور
بکل قلیل و کثیر مو فیها او منها من ... الدا خلیة و الخارجیة .

وقف مزار فیض آثار سلطان ، جنت مکان بود ه باشد و تولیت
جمیع محاصلات و متعلقات آن را به فضیلت و کمالات پناه حاجی
الحر مین الشریفین حاجی عبدالحق درانی الکوژی متولی خرقة مبارکه
مفوض و مرجوع داشته که هر سال و هر ماه و هر روز جمیع محصولات
نقدی و جنسی آن را از قراری که معین و مشخص و رقم مبارک در آن
باب بشرح و تفصیل صا در گردیده خرج بلقور یو میه و صرف
فقرا و مساکین و ارباب استحقاق و فاتحه و دعا ، جهت روح کثیر
الفتوح خاقان مبرور و مغفرت و آمرزش او حاصل و واصل نماید و
واقفون مزبور و ن نهر مغوته راعم محدودات معینه آن از تصرف
خود خارج و بوقفیت موقوف نمودند که اخدی از معاشر مردمان از
وضیع و شریف بوجهی از وجوه تغییر و تبدیل در آن راه نداد ه از
شایبه ریب و ریا معرا و مبرادانند .

هذا و قفا صحیحا شرعی مخلصا مویدا صدقة جاریا لازما جازما به
جمیع شرایط الدعوی و الشها دة حیث لا یباع ولا یوهب ولا یؤد ثولا
ینتقل من ملك الى ملك ولا یبدل بوجه من الوجوه و سبب من الاسباب
فمن بد له بعد ما سمعه فانما اثمه على الذین یبدلونه والله سمیع
علیم و كان ذاك في تاریخ الصدر .

تاریخ صدر شهر رجب المرجب سنه ۱۱۹۶ هجری قمری مطابق
بارس ٹیل شمسی و از تاریخ تحریر آن و قف نامه تا این سنه
۱۴۰۷ هجری قمری دو صد و یازده سال می گذرد .
درو قف نامه مذکور سه مهر دارای این سجع ها نقش می باشد:

یار ب لطف کن بر سر سلیمان

* * *

یار ب دل کا میا ب دا راد
سا لار سیران دارا ب داراد

* * *

یار ب چون سوای تو روز دستخیز
ندارد فریاد رس پرویز

* * *

شهرزاده شهاب

ورقه و قفنامه به خط زیبای نسخ و نستعلیق و به کاغذ تقریباً یک متر
و بیست و پنج سانتی طول و تقریباً سی سانتی عرض می باشد به ساعت
(سه) بعد از ظهر چهارشنبه (بیست و نه) حمل سال ۱۳۴۱
شمسی در منزل شخصی آخو نذزاده حاجی عبدالرزاق (ولد حاجی
عبدالحمید و لد محمد صدیق ولد محمد عثمان و لد حاجی حفیظ الله
ولد حاجی عبدالحق آخو نذزاده) که موصوف به عمر هشتاد سالگی
و این وقت به مرض فالج گرفتار بود - ارا نه گردید و برای درج
تاریخ خر قه شریفه بدون اندک اختصار نقل بر داشتیم تا حفظ
صحیفه روزگار بماند .

* * *

در تاریخ خر قه شریفه دو بار وقف اراضی را مطالعه نمودیم - اول
وقف اراضی قریه ده بید سمرقند مرکز ماوراءالنهر به فرمان امیر
تیمور گورگان - و دوم درقندهار نهرشاهی به فرمان تیمور شاه امپراتور

افغانستان ، و البته موقوفات خرقه معظمه در طول مدت چهار ده صد سال از هر قسم زیاد بوده و اما در بلاد خراسان و قف قریه ده بید سمر قند و نهر شاهی قند هارخیلی بزرگ است .

احمد شاه بز رگ در زمان حیات اگر که اراضی نهر شاهی را وقف خدمت تولیت نموده بود و اما چون در سنه ۱۱۸۳ و ۱۱۸۴ ق مصر و ف یک لشکر کشی و هم دچار مریضی شدید گردید - ممکن نشد که وقف نامه یی به طور مشخص درین خصوص بنویسد . و اما چون این حسن نیت را داشت فرزند جانشین او تیمور شاه باتفاق برادران خود وقف نامه یی به تاریخ شهر رجب المرجب سنه ۱۱۹۶ هجری قمری نوشت که سرا سر متن آن در این کتاب مندرج است .

علم شد از عنایات الهی

بعالم دولت تیمور شاهی

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه فضیلت و کمالات پناه
حاجی الحرمین الشریفین حاجی عبدالحق درانی الکو زایی متولی
خرقه مبارکه نهر شاهی اشرف البلاد احمد شاهی بالطاف روز
افزون شاهانه سرافراز گشته بداند عریضه که درین وقت در
خصوص احوال خود و اینکه مدت پنج ماه است که هر روز مقدار
پنجاه من بوزن تبریزی نان پخته از بابت حاصل نهر شاهی به
خیرات فقرا ، و مساکین داده و بعد از آن به سبب خشک آبی و قلت
غله تا حال مدت دو ماه است که روز سی من نان پخته به مردم می
دهد و امسال آب بسیار شده است و درباب منزل باغ که حاصل ندارد
مناصفه آن باغ انگور شود و اینکه عالیجاه میر علی خان اسحق زایی
امیر آخور باشی سرکار سلاسه دودمان دولت و اقبال نقاوه خاندان
ابتهت و اجلال فرزند ارشد ارجمند سعادت نمون نایب السطنته القاہرہ

شاهزاده همایون رمه خود را همه اوقات در میان حاصل نهرشاهی
 سر میدهد و والدان فضیلت پناه یک روز گو سفندان او را از میان
 حاصل برون کرده و روز دیگر آدم های خود را گفته بوده که بیست
 سی نفر جمع شوند و گو سفندان را در میان حاصل سر داده خود
 پنهان شوید و قتی که آدم های حاجی عبدالحق بیایند گو سفندان
 را بیرون کنند شما جمعیت خود را بر آنها بردارید روز دیگر که
 پسران فضیلت پناه بر سر حاصل بوده رمه آنها در حاصل آمده رمه
 او را برون کرده است مردم امیر آخور برون شده و پسران فضیلت
 پناه و چند نفر کسان او را بسیار زده اند که یک ماه ونیم افتاده اند
 و از شکم آنها خون میرود و شاهزاده بعد از آن حاجی الحر مین را طلبیده
 و تسلی و استمالت کرده خاطر جمع نمود و مواد دیگر انفاذ حضور
 ساطع النور نموده بود رسید مضمین آن خالی را ی جهان آرا شد - اموری
 که انجام داد و میدهد خوبست درین وقت به فرزند عزیز امر شده
 که به حقیقت دعوی آن فضیلت پناه و میر علی خان رسیده هرگاه
 واقعی چنین کار کرد باشد او را تنبیه نماید به همه با بخاطر جمع
 بود مشغول امور خود باشد. فی (۴) شهر جماد الثانی سنه
 ۱۱۹۷.

کسانی که در ظهر ورق فرمان مهر کرده اند - نامها و عبارات
 نقوش مهر هر یک شان ازین قرار اند :

۱- اقل خلق الله عبداللطیف الجامی .

۲- عبده نور محمد - ۱۱۹۸

۳- عبده محمد بهادر

۴- صد شکر کانچه بود مرا مطلب مراد

از غلامی دولت شاهم رحیم داد

۵- یا هادی لاری موسوی

۶- عبده محمد هادی الموسوی - ۱۱۹۰

پنجاه من نان پخته

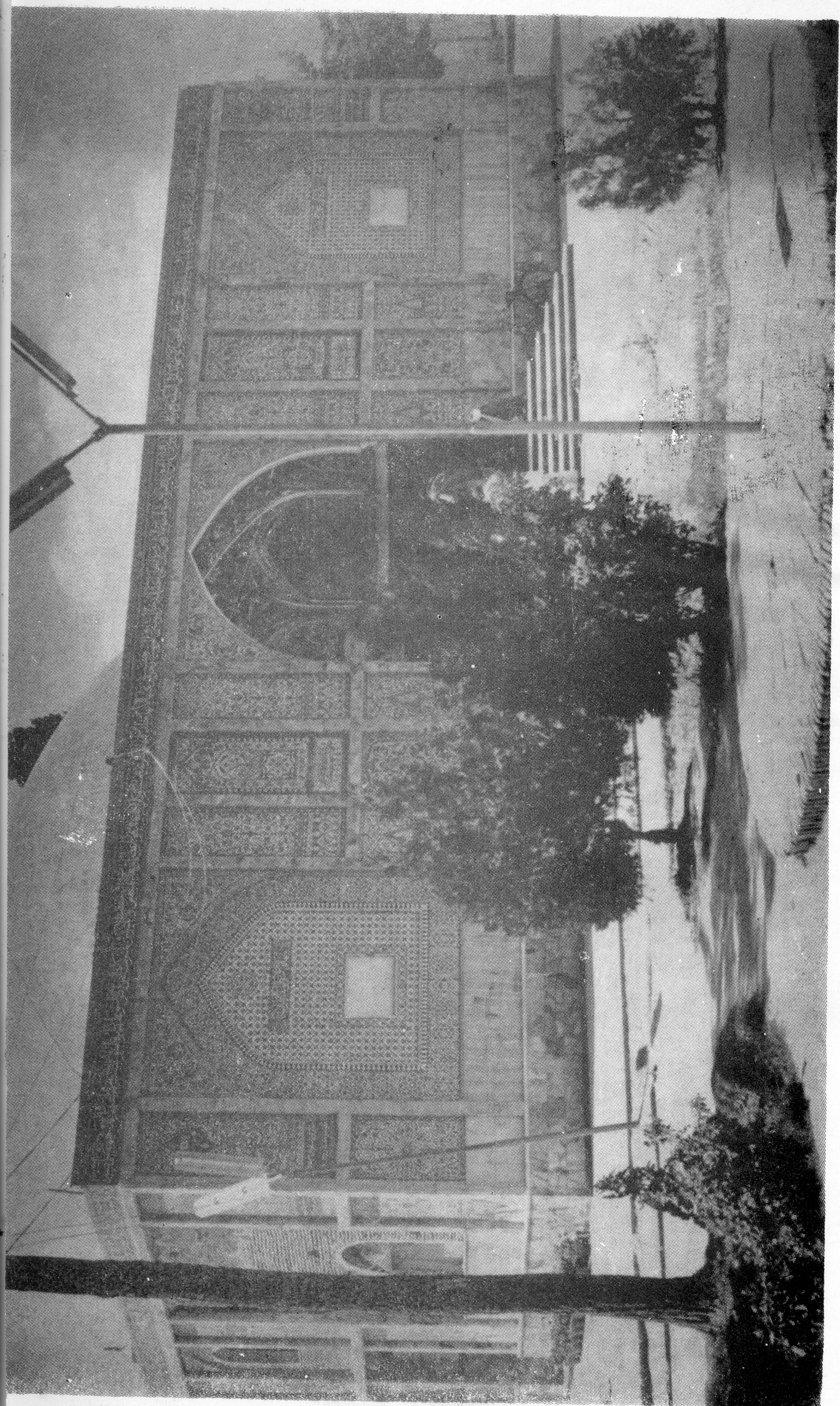
در هر روز

از سنه ۱۱۸۲ هجری قمری در کابل و بعداً در قندهار در هر روز پنجاه من نان پخته برای خیرات فقراء و مساکین از طرف دولت افغانستان منظور گردید. و در قندهار از حاصل نهر شاهی که وقف خرقه شریفه گردیده بود، این اصول جاری بود. و ارسال این فرمان امپراتور تیمور شاه درانی موید و مصدق آن گزارش است، و خیرات عام مقرر بوده است.

جیره و مواجب مقرری علما

از طرف دولت امپراتوری افغانستان برای علما مواجب مقرری مستمری منظوری بود و وارقا می که در خصوص زیارت مقدسه خرقة شریفه و موقوفات آن صا در گردیده و موید این حقایق نیز می باشد و این رقم شاهد این حقیقت است که سرایا متن آن از نظر می گذرد. و از روی رقم ثانی معلوم میشود که از سنه ۱۱۹۰ قمری مقدار يك من ده آثار نان جیره به پنج نفر عالم که در خرقة مبارکه سنوای پنج نفر که داخل دستور العمل بوده اند مقرری بوده است.

در فرمان مورخ ربیع الاول سنه ۱۲۱۶ ق نیز در این خصوص اکیدا هدایت داده شده است و متن فرمان در این کتاب مندرج است.



منظرهٔ عمارت خرقه‌شریفه (قندهار)

بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْاَسْمَاءِ

الملك لله

علم شد از عنایات الهی
بعالم دولت تیمور شاهی

۱۱۸۶

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه فضیلت و کمالات پناهان
ملاباشی و ملامداح امین محکمه و ملا الیاس و ملا پیر محمد کاکری
و ملا دوست محمد عزیز تبریزی و غیره ملایان اشرف البلاد احمد
شاهی بالطاف روز افزون شاهانه سرافراز گشته بدانند که درین
وقت فضیلت و کمالات پناه حاجی الحر مین الشریفین حاجی عبدالحق
درانی الکوزایی متولی خرقة مبارکه و نهر شاهی اشرف البلاد مزبور
بعرض اشرف رسانیده که ایشان بالاتفاق باو دعوا و گفتگو دارند که
از بابت خیرات نهر شاهی جیره مقرر ی بایشان بدهد و هر روز هدر
این خصوص به او مکابره می نمایند . بنابراین مقرر فرمودیم که
ایشان هر یک جیره و مواجب مقرر ی مستمر ی دارند که می گیرد. این

بلقور و غیره که از بابت حاصل نهر شاهی پخته میشود ، خیرات
عام است که هر کس که در آنجا حاضر باشد و به فقرا و مستحقین
و مساکین و غیره داده میشود و به مصارف آنها میرساند باید که ایشان
را هیچ وجه در آن خیرات و بیه حاجی عبدالحق مشار الیه دخل
و رجوع و کاری نباشد و ادعا و گفتگو در آن خصوص نمایند قد غن
لازم دانسته در عهده شنا سند - تحریر فی ۱۲ ربیع الاول سنه
۱۱۹۸ .

کسانی که در پشت و رقه فرمان مهر کرده اند . نقوش مهرها دارای
چنین عبارات است :

۱- اقل خلق الله - عبداللطیف الجامی

۲- عبده نور محمد

۳- عبده محمد بهادر

۴- صدشکر کانچه بود مرا مطلب

مراد از غلامی دولت شاه هم

رحیمه اد

۵- بنده محمدها دی لاری موسوی

**الملك لله
علم شد از عنایات الهی
بعالم دولت تیمور شاهی**

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه عمال و مستاجران ،
مالیات حال و استقبال اشرف البلاد احمد شاهی بالطف شاهانه
سرافراز گشته بدانند که چون قبل ازین حسب الرقم مبارک مطاع
آفتاب شعاع از تاریخ غره شهر رمضان سنه ۱۱۹۰- از ابتدای پنج
ماه سنه پیچی ییل سال میمون یومی مقدار یک من ده آثار بوزن
تبریز نان جیره موازی پنج نفر ملایان که در خرجه مبارکه سوازی
پنج نفر که داخل دستور العمل میباشد از سرکار مقرر بوده است
که برین موجب میگرفته و بخرچ عمال آنجا مجری می شده :
پنج نفر بر نفری نان یومی ده آثار یک من ده آثار
درینو لافضیلت و کمالات پناه حاجی الحر مین الشریفین حاجی

عبدالحق درانی الکوذا بی متولی خرقه مبارکه بعرض اشر فرسایند
نید که رقم مذکور مفقود گردید هاستد عای رقم مبارک مجدد نمود.
بنابر آن مقرر فرمودیم که بحصول اطلاع بر مضمون رقم مبارک بر
وجه سابق برین حسب الرقم مبارک مقرر و مهم سازی می نموده
اند حال نیز بر قرار دانسته ما یحتاج خود نموده بدعا گوئی دوام
دولت خدا داد مشغول باشند .

مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی صورت رقم مبارک را
در دفاتر لازمه ثبت و حسب المقرر معمول داشته در عهد
شنا سند . تحریر به تاریخ شهر رجب سنه ۱۲۰۵ .

کسانی که در ظهر فرمان مهر کرده اند - عبارات نقوش مهرهای
شان ازین قرار اند :

۱- لا اله الا الله الملك الحق المبين - عبده نور محمد

۲- عبده محمد رحيم

۳- يا غفار الذنوب

۴- صد شکر کانچه بود مرا مطلب مراد

از غلامی دولت تیمور شه رحيم داد

۵- علی رضاء الموسوی

فرمان زمانشاه

در خصوص موقوفات خرّقه شریفه

امپراتور زمانشاه درانی از اوایل سنه ۱۲۰۸ قمری یعنی از اول ورود خود به قندهار برای صرف صدقات خرّقه معظمه از حاصل نهر شاهي قندهار مقدار نقد و جنس غله و گاه و هم مبلغ بیست و دو تومان روپیه را برای صرف صدقات و خیرات عام منظور نمود و مفصل معلومات از متن فرمانها برمی آید که عینا نقل و درج تاریخ میشود. و در فرمان مورخ شهر صفر سنه ۱۲۰۹ ق (مرد یاور) یعنی نفری کار و خدمت حشردسته جمعی برای لای کشی نهر شاهي و وقف شریفه منظور فرموده است .
و در این سلسله اسناد از نظر می گذرد .

الملك لله

قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان را بنا م شاه زمان

اعوذ بالله تعالی - حکم همایو نشد: آنکه چون قبل ازین حسب
الرقم مر حمت شیم سلطاً نرضوان مکان انار الله بر هانه تولیت نهر
احمد شاهی که واقع است در اشرف البلاد احمد شاهی با فضیلت کمالات
پناه حاجی الحر مین الشر یفین حاجی عبدالحق درانی الکوزایی
متولی خر قه مبارکه که نهر مزبور وقف صحیح شرعی میباشد مقرر
بوده که از روی راستی و هوشیاری متوجه آبادی نهر مزبور و کشت
وزراعت و ضبط و محصولات نقدی و جنسی اراضی نهر مزبور را سوای
منزلباغ و مجلس باغ و انار باغ و باغچه دولت اسرا و دیوان خانسه
مبارکه و آسیاب و سوای زمینها از با بی و باغات نهر احمد شاهی
باقی تمام آنرا به سرحد وصول و تصرف خود آورد و یوم به یوم غله
را به تمام نان پخته و خیرات نماید که نقد و جنس نهر مزبور بدین
موجب است نقد بیست و دو تومان برای دوایزه تومان
سبز ده تومان
غله دویست و پنجاه خروار

گاه دو صد و پنجاه خروار

که مساوی چهار تومان را از وجه مزبور ه دونفر نوکر بگیرد که خدمت آنان و گوسفندان نمایند و همه مقداری گاه را هر شب جمعه گوسفندان خریداری و ذبح و طبخ نمود و خیرات نماید و فاتحه و دعای خیر به جهت روح پرفتوح خاقان جنت مکان علیین آسیا نانا را لله برهانه حاصل نماید - درینو لا از پیشگاه خلافت و جها نبانی استدعای امضای رقم مبارک مطاع نمود و لهذا بنا بر مراحم بیکران شاهانه در باره حاجی الحرمین الشریفین، حاجی عبدالحق مشار الیه از ابتدای ششماهه هذا کسنه مبارک که او دئیل تولیت نهر وقف مذکور بدستور سابق بعلاوه تولیت خرقة متبر که در باره او مرحمت و برقرار فرمودیم که از قرار معمول قبل در لوازم آن پرداخته به نحوی که رقم سلطان رضوان مکان در آن باب صادر شده و در دست دارد و حکم همین رقم مبارک هر سال حاصل و محصول نهر احمد شاهی و وقف مرقومه راجع آوری و از قراری که مقرر است خیرات نماید. حکام و عمال حال و استقبالی اشرف البلاد احمد شاهی حسب المقرر بدستور قبل به نهر و وقف رجوع نداشته داخل اوقاف سرکار خاقان جنت مکان دانسته و تولیت آنرا به عهده حاجی عبدالحق مذکور مقرر دانسته قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و به هیچ وجه من الوجوه چیزی به نهر مذکور حواله و مطالبه ننموده رجوع ندارند .

مستوفیان عظام کرام دیوان عالی صورت رقم مبارک را در دفاتر لوازم ثبت و حسب مقرر معمول داشته از جوانب در عهده شناسند.
تحریر به تاریخ شهر صفر سنه ۱۲۰۸.

• • •

کسانی که در پشت و رق فرمان زمانشاه درانی مهر کرده اند -
عبارت نقوش مهرهایشان ازین قرار است :

- ۱- الله اكبر .
 - ۲- به تیمورشه چو شاهی از کریم
است علم از خانه زادان قدیم است
 - ۳- پور آل احمد جام است یوسف
 - ۴- افوض امری الی الله - عبده شکور
 - ۵- لا اله الا الله الملك الحق المبين - عبده نور محمد
 - ۶- حافظ شیر محمد
 - ۷- بسم الله الرحمن الرحيم
 - ۸- منتظر لطف الهی رحیم داد
 - ۹- علی رضاء الموسوی
 - ۱۰- شرف یافت از نام محمد احمد
 - ۱۱- عبده محمد بن فتح الله
 - ۱۲- عبده غزنین
- سه مهر دیگر خوانده نشد .

قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان

نگین حکم جهان رابنا م شاه زمان

اعوذ بالله تعالی - حکم همایو ن شد : آنکه یگانه گوهر اکیلی -
شهر یاری و در صد ف ابهت و نا مدار ی قره باصره دولت و اقبال
غره ناصیه سطوت و اجلال فرزند ارشد ارجمند کامگار نامدار والا
گهر شاهزاده سلطان حیدر طول الله عمره بالطاف بیکران شاهانه
سرافراز گشته بداند که درین ولایت و کمالات پناه حاجی
الحر مین الشریفین حاجی عبدالحق درانی الکوژی متولی خر قه مبارکه
ونهر شاهی و قف اشرف البلاد احمد شاهی به حضور مبارک عرض
نموده که حسب الرقم سلطان جنت مکان در خصوص حفر نهر مذکور
مقرر است که همه ساله جماعه درانی سکنه چهار بلوک اشرف
البلاد احمد شاهی مرد یاور میدهند که نهر مزبور حفر ولای کشی می
نمایند استدعا نمود که درین خصوص رقم مبارک صادر شود که
از قرار معمول قدیم حال هم مرد یاور بدهند که هر سال نهر مزبور

حفر شود . لهذا باید آن فرزند قدغن نماید که جماعه درانی موافق
رقم سلطان جنت مکان و بدستور و معمول سابق مردیاور باو بدهند که
سال بسال نهر مزبور را حفر و لای کشی می نموده باشند . حسب المقرر
معمول دارند و در عهد شنا سند . تحریر به تاریخ شهر صفر الظفر
سنه ۱۲۰۹

* * *

کسانی که در ظهر ورق فرمان مهر کرده اند - نامها و عبارات
نقوش مهرهایشان ازین قراراند:

۱- به تیمور شه چو شاهی از کریم است
علم از خانه زادان قدیم است

- سرکار وکیل الدوله

۲- کرامی الموسوی - ۱۲۰۸

۳- پور آل احمد جام است یوسف

۴- بدولت خواهی سلطان دوران

امین الملك شد از دل و جان

۵- حافظ شیر محمد

۶- افوض امری الی الله - عبده اسلام

۷- سلام قولا من رب الرحیم

۸- العبد المذنب خانه زاد - ۱۲۰۱ .

۹- العبد المذنب محمد شریف - ۱۲۰۸

مقرری الحاج ملاحفیظ الله

به رتبه رفیع المرتبه تولیت خرقة متبرکه

الحاج ملا عبدالحق آخو نذزاد ه قوم الكو زا یی که به تاریخ (۲۶) محرم الحرام سنه ۱۱۸۳ هجری قمری بفرمان امپران تور احمد شاه غازی متولی خرقة متبرکه که درقند هار مقرر شده بود. موصوف درسنه ۱۲۱۴ هجری قمری (مطابق قوی نیل شمسی) فوت شد. و به جای او درسنه مذکور به فرمان امپران تور زمانشا ه غازی درانی - الحاج ملاحفیظ الله آخو نذزاد ه ابن مر حوم عبدالحق آخو نذزاده برتبه رفیع المرتبه تولیت خرقة متبرکه که مقرر گردید.

**قرار داد ز الطاف خویشتن بزدان
نگین حکم جهان را بنام شاه زمان**

اعوذ بالله تعالی حکم همایون شد: آنکه در این وقت فضیلت پناه حاجی
الحر مین ملاحظیظ الله در انی الکوزایی ولد حاجی عبدالحق متولی خر قه
متبر که حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین (ص) بعرض اشرف
رسانید که قبل ازین حسب الرقم مبارک خاقان خلد آشیان انارالله
برهانه حاجی عبدالحق والد عارض برتبه رفیع المر تبه تولیت خر قه
متبر که در اشرف البلاد احمدشاهی است مقرر و سرافراز بود
و حال فوت شده از خدمت اشرف استدعای صدور رقوم
مبارک در باب تولیت بنام خود نمود لهذا عرض عارض را بدرجه اجابت
مقرون و از ابتدای سه ماهه آخر هذی السنه قوی ثیل اورا بدستور
والدش برتبه رفیعه تولیت خر قه مبارک سرافراز فرمودیم که چنانچه
باید و شاید و از جوهر تقویت و صلاحیت اوسزد و آید در سرپرستی

وعزت و احترام و محافظت خرقه مبارک و جمیع متعلقات امر تولیت و بلوازم و مراسم امر مزبور لازمه سعی و اهتمام تمام به عمل آورده دقیقه از دقایق ملزومات امر مذکور را فرو گذاشت نمود و نحوی نماید که حسن خدمت و صلاحیت او ظاهر شود و هم تحصیل دعای خیر جهت ذات ستوده صفات، اشرف بوده باشد و خرقه مبارک را به نحوی که در صندوق است به همان نحو در صندوق باشد و سر صندوق که قفل شده است به همان طریق باشد و بدون حکم نواب همایون ما بحکم دیگری سرصندوق را باز نکند و مردم که به زیارت بیایند صندوق را زیارت کنند واحدی از فرمان اشرف تخلف نورزد و حکام و عمال در خرقه مبارک که ملزومات امر مزبور را متعلق باوشمرند و در باب زیارت نحوی که امر شده معمول داشته تخلف نورزند.

مستوفیان عظام و شکر نویسان کرام صورت رقم مبارک را در دفاتر ثبت نمایند ۱۲۱۴.

قرار داد زالطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان را بنام شاه زمان

۱۲۰۷

(اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه چون درین وقت فضیلت و کمالات پناه حاجی الحر میمن الشریفین ملا حفیظ الله و لد حاجی عبدالحق الکوزی به حضور مبارک عرض نمود که قبل ازین حسب الرقم مبارک مطاع تولیت نهر و قف احمدشاهی که واقع است در اشرف البلاد مذکور بعهد حاجی عبدالحق والدا و ونهر مذکور و قف صحیح شرعی میباشد مقرر بود که متوجه آبادی و کشت و زراعت و ضبط محصولات نقدی و جنسی اراضی نهر مزبور سوای منزل باغ و مجلس باغ و انار باغ و باغچه دولت سرا و دیوان خانه مبارک و آسیاب و زمین های اربابی و باغات نهر احمدشاهی باقی تمام آنرا بسر حد وصول و تصرف خود آورده یوم به یوم عذر اتمام نان پخته و خیرات می نمود که به قرار جنس بدین موجب نقد بیست و دو تومان

غله دویست و پنجاه خروار - گاه دویست و پنجاه خر وار
و مساوی چهار تومان را از وجه مذکور نو کر میکرد که خدمت می
نمایند و ... نقد و قیمت گاه راهر شب جمعه گو سفندان خریداری
نموده خیرات نمایند و فاتحه و دعای خیر بجهت روح خاقان جنت
مکان حاصل نمایند .

الحال والدا و فوت شده است دعای امضای رقم مبارک بنام خود نمود
لهدا عرض عارض را بانجا ح مقرون و از ابتدا چهار ماهه هذه السنه
مبارک که قوی ثیل - فضیلت و کمالات پناه ها جی ملاحظه فیض الله مشارالیه
و غیره اولاد ها جی عبدالحق در عوض والدش بر تبه تولیت نهر وقف احمد
شاهی بر حال و بر قرار فرمودیم که بدستور والدش در خدمت
مذکور متوجه بوده به تقدیم می رسانید ه باشد و عشر نقد و جنس
محصول نهر مزبور را به تصرف و صرف مایحتاج خود نموده تتمه
غله را موافق معمول سابق بلقور و نقد و قیمت گاه را که از آن جمله
چهار تومان را دونفر نوکر گرفته که بخد مت خریداری روغن و غیره
ملزومات بلقور گرفته و جه راروغن و نمک و همه جهت بلقور
ابتیاع و خیرات نموده و فاتحه و دعای خیر جهت روح خاقان
رضوان مکان حاصل نمایند . و چون نهر مذکور وقف و خارج جمع
و تولیت آن به آن فضیلت پناه مفوض و مرجوع است متوجه آن گردیده
در آبادی آن سعی بوده باشد . مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی
صورت رقم مبارک مطاع را در دفاتر لازمه ثبت و حسب المقرر معمول
داشته در عهده شناسند . تحریر به تاریخ شهر جمادی الثانی سنه
(۱۲۱۴)

* * *

عبارت نقوش مهر های پشت فرمان ازین قرار است :

۱- عبده شکور

۲- حافظ شیر محمد

۳- احقر العباد گل محمد- ۱۲۰۶

۴- عبده محمد رحيم

۵- بدو لتخواهی سلطان دوران امين الملك شد ا زدل و جان

۶- چو فضل ايزد و لطف محمدی یار است

وزیر اعظم شاه زمان وفادار است - ۱۲۱۳

۷- الهی بحق شه پنجن نظری کن بحال حسن - ۱۲۰۹

۸- یاغفار الذنوب

۹- غلام شاه زمان میر هوتک

۱۰- لا اله الا الله الملك الحق المبين - عبده محمد شريف

۱۱- عبده علی رضاء الموسوی

۱۲- شرف یافت از نام محمد احمد - ۱۲۰۷

۱۳- افوض امری الی الله - عبده عباس ابن هاشم

۱۴- ابن علی رضاء عبدالرحيم

۱۵- لا اله الا الله الملك الحق المبين - عبده محمد حسين

۱۶- لا اله الا الله الملك الحق المبين - عبده غزنين - ۱۸۱۴

و الحمد لله رب العالمين
والحمد لله رب العالمين

عزیز الدین بیدیز بولور سرخس خراسانی
۱۳۶۲

منظوری بیست تومان روپیه نقد معاش

همه ساله برای متولی خر قه شریفه

امپرا تور زمانشا ه درانی به تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۱۵ قمری
برای الحاج حفیظ الله متولی مبلغ بیست تومان روپیه نقد معاش
همه ساله منظور نمود که بروفق برات نقد از خزینة قند هار از مدرك
مالیات چهل يك آن ولایت اخذ کند . و این فرمان شاهد آن حقیقت
است . چهل يك چی مالیات قند هار همدرین عهد فیض الله خان
پوپلزیایی بود .

بسم الله خير الا سما

الملك لله

قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان را بنا م شاه زمان

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون نشد : آنکه بنا بر تحصیل دعای
خیر بجهتہ ذات بابرکات اشرف ارفع اعلی از ابتدا شش ماهه هذہ
السنہ مبارکہ پیچی ٹیل سال میمون ہر سالہ مبلغ بیست تومان
برائت نقد بہ صیغہ موا جب ہمہ سالہ در وجہ فضیلت پناہ حاجی
الحر مین شریفین حاجی حفیظ اللہ مقرر و مرحمت فرمودیم کہ ہر سال
از مالیات و جویہ چہل یک اشرف البلاد احمد شاہی از عمال آن باز
یافت و صرف مایحتاج خود نمودہ بہ دعا گوئی دوا م دولت خدا داد
قیام نمایند .

حکام و عمال حال واستقبال اشرف البلاد حسب المقرر از تاریخ
مذکور ہر سالہ مبلغ بیست تومان وجہ موا جب فضیلت پناہ نامبرودہ
را ہر سال از وجہ چہل یک انجامہم سازی و قبض در ضمن

سواد رقم مبار که باز یافت و بخرج خود مجری و محسوب دانسته هر
ساله درین خصوص رقم مجدد مطالبه نمایند .
مستوفیان عظام کرام دیوان عالی صورت رقم مبارک رادردفاتر
لازمه ثبت و حسب المقرر معمول داشته در عهده شناسند . تحریر
شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۱۵ .

* * *

اعضای دولت و حکومت و مسوولین امور حسابات که در ظهر ورقه
فرمان مهر کرده اند نقوش مهرهای هر یک ایشان دارای این
عبارات اند :

- ۱- عبده شکور
- ۲- آنکه دلش روشن از نور علی است گل محمد خلف شاه ولی است
- ۳- حافظ شیر محمد
- ۴- چو فضل ایزد و لطف محمد یار است
وزیر اعظم شاه زمان و فادار است . ۱۲۱۳
- ۵- میر هوتک غلام شاه زمان
- ۶- یاغفار الذنوب
- ۷- لا اله الا الله الملك الحق البمین- عبده محمد شریف
- ۸- عبده علی رضاء الموسوی
- ۹- شرف یافت از نام محمد احمد- ۱۲۰۷

چو بر گزیده سبجان و ظل معبود است
فراز مسند شاهی مقام محمود است

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه فضیلت و کمالات پناهان
ملا خدا بخش ملا باشی و ملا نصرالله امین محکمه احمد شاهی و ملا الیاس
و ملا پیر محمد کاکری و ملا دوست محمد ترینی و غیره علمای اشرف
البلاد احمد شاهی بالطاف شاهانه سرافراز گشته بدانند که درین
ولا فضیلت و کمالات پناه حاجی الحر مین الشریفین حاجی حفیظ الله
درانی الکوژایی متولی خرقة متبرکه بعرض اشرف رسانید که ایشان
باتفاق هم در باب خیرات و بلقور با او گفتگو می نمایند دعوا می کنند
درین خصوص قبل ازین هم که گفتگو نموده اند رقم سلطان جنت مکان
صادر شده بود که ایشان هر یک موجب و جیره مقرر دارند و هر
سال و این خیرات از بابت حاصل نهر و وقف احمد شاهی هر
کس از فقرا و مساکین که حاضر باشد می گیرند و ایشان را باین
خیرات کاری نباشد حال هم باید به نحوی که مقرر شده در آن باب

گفتگو نکرده به حاجی حفیظ اللہ درین خصوص دخل و رجوع نداشته باشند که به نحو سابق معمول دارند حسب المقرر منظور و معمول دارند و در عہدہ شناسند. تحریر بہ تاریخ شہر ربیع الاول سنہ ۱۲۱۶.

* * *

کسانی کہ در پشت و رق فرمان مہر کردہ اند ، عبارات نقوش ہر یک مہر ازین قرار است :

۱- بسم اللہ الرحمن الرحیم

۲- محمد اکرم

۳- العبد المذنب گلستان

۴- العبد المذنب رجب علی

۵- اقل خلق اللہ علی رضاء الموسوی

۶- زلف احمد والطف سبحان شکر از جان غلام شاہ جیلان

۷- افوض امری الی اللہ - عبدہ فتح اللہ

تعیین اوقاف

پون احمد شاه غازى - در نقل داد ن خر قه واجب الاحترام حضرت
سیدالانام و شرف خدمت تولیت آن مقام خدمت بزرگ نمود و هم
باین منظور که بیک خانواده علمی معاونتی شود و املاک موروثی
خاندان شاهی در جمله اوقاف محسوب گردد . در اول شهر
جمادی الثانی سنه ۱۲۱۹ هجری قمری مکرراً و قف نامه نوشته شد
که اینک خلاصه عبارات آنرا از نظر می گذرانیم .

الملك لله
شد از عین عنایات الهی
مسلم بر اشجاع الملك شاهي
۱۲۱۸

(نقود زوا هر محامد سیار و عقود جوا هر شکر بیشمار شایسته صرف
بارگاه و سزاوار و وقف بارگاه خالق ارض و سماست که به چشم
ایمان و اسلام را در زمین دل های مومنان رو یا نیده و بسیط غیر از از
برای تحصیل ربع دارین امیدواران گسترانیده و مشعل مهر و ماه رابه
جهت روشنایی این عالم وقف بنی آدم گردانیده جل جلاله و عم نواله
و در رفواید صلوة و غرر مویده تسلیمات نثار و ضه صدر بدر
کاینات و مفخر موجودات و واقف کنوز حقیقت و عارف رموز معرفت
حضرت محمد مصطفی صلی الله تعالی علیه صحیه و سلم باد که نقد
اسلام را سکه نام شریفش رو حاست و متعشنان زلال کمالش به
تجرع کاس کرامت محتاج و برآل و اصحاب و عترت و اضراب

او که هر يك مصابيح انوار ا بتداءمفا تیح ابواب اقتداء اند - علی هذا
 لخصوص بر چهار یار کبار که هر کدام از وزرای دولت محمدی و
 امنای ملت احمدی اند رضوان الله تعالی علیهم اجمعین اما بعد -
 چون واهب العطا یا و رازق البرایا هر گاه بنده از خواص عباد
 خود را که به عواطف لم یزل می مخصوص گرداند ابواب خزا یین
 رحمت خود را برو مفتوح سازد و هر آینه او را بدو لتی که حرمت زوال
 بدامن اجلال آن نتواند رسید و به نعمتی که پای نقص پیرامون کمال
 آن نتوان گشت در میان سایه عباد خود امتیاز بخشید و تمامی
 همت او را مفتوح ابواب خیر و احسان و مرشح اسباب برو امتنان سازد و
 حسن صورت این معنی در مراتب هدایت سمات الراجی الی رحمة
 الله تعالی بنده گان اعلیٰ حضرت المویذ بتائیدات الاله شجاع الملك
 پادشاه لازال جلال ملکه و سلطانه و باقی شهزاده گان بلند مکان
 آرایش نمودند . چنانچه بدیده تحقیق مشاهده و به نظر تدقیق
 ملاحظه فرموده که امتعه این جهان را شرف زوال و در ورطه انتقال
 است مگر آنچه وسیله تقریب به حضرت خلاق علی الاطلاق بوده
 باشد چنانچه ما عندکم ینفد و ما عند الله باقی - بدین معنی ناطق
 است و از جمله وسایل یکی صدقات قرار یافته و از جمله صدقات و
 مرسومات مبرات یکی تعیین اوقاف است . زیرا که بمرور ایام و شهر
 به صفایح اعصار و دهور مدام الا یام اتقیا باقی میماند .
 بنابراین بنده گان عالیشان گیتی ستان معظم الیه و باقی شاهزادگان
 عالیشان همت خود هارا بر افاضه صدقه جاریه مصروف داشتند و
 در تاریخ غره شهر جمادی الثانی سنه (۱۲۱۹) یک هزار و دو صد و
 نوزده از هجرت نبوی صلعم و صحیه وسلم بود که به مضمون
 صدقات مشحون آیه کریمه مثل الذین ینفقون اموا لهم فی سبیل الله
 کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبه و الله یضاعف

لمن يشاء و الله سميع عليم - به مضمون هدايت رهنمون حديث شريف اذامات الا نسان انقطع عنه عمله الا من ثلثة الا من صدقة جارية او علم ينتفع به او ولد صالح يدعو له و به مطالعه اين حديث كه گفته اند :

بزرگ عيش بگور خویش فرست كس نيارد ز پس توپيش فرست موفق به توفيق ايزدي گشته اما بعد اين ذكر است در بيان آنكه وقف كردند و تصدق نمودند . از خالص املاك و طيب اموال خالصا له تعالى در حال صحت ذات و نفاذ جميع تصرف شرعية خود صالحا را ضيا همگي و تماهي موازي دو حجر طا حونه كه واقع است در نهر سر كاري قريه صالحا كه از رود ار غناب

وقفا صحيحا لازما و صدقة جارية نافذة . . . و شرط كرد واقف معظم اليه كه متولي اين دو حجر طا حونه فضيلت و كمالات پناه افادت و افاضت دستگامه ملاياسين و لد امر حو م ملا عبد الغني باركزايي گر جي زايي ايضامتولي مقبره منوره خاقان عليين آشيان و بدان طريق كه حاصل يك حجر طا حونه رابه مصارف جيره ملا زمان و باقى خدمه هاى روضه خاقان مبرور رسانيده و حاصل يك حجر طا حونه ديگر رابه مصارف حصه كبوتران روضه متبر كه ميداده باشد و ثواب موقوفه بروح پر فتوح آن موصول باد . و مشروط فرمودند كه چو ن فضيلت پناه مذکور از دست ساقى اجل شربت كانفس ذايقة الموت رانوش كند سر رشته اختيار در قبضه اقتدار اولاد مذکور باشد . . . و اين واقفان اين مر قومه را از املاك بيگارى اخراج و تسليم فضيلت پناه مشا ر اليه فرموديم و مذکور قبول نمود

وقف نهر روضه باغ

برای خرائه شریفه

شجاع الملك شاه در دوران سلطنت اول نهر روضه باغ قندهار
را برای خرقه شریفه وقف نمود و سند آنرا به مهر خود به حاجی
حفیظ الله متولی سپرد و این است عین عبارت وقف نامه موصوف:

* * *

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و سلام على عباد الهى اصطفى اما بعد -
بر ضماير ارباب فراست و اصحاب كياست پوشيده نماند كه
به مضمون آيه كريمه معظمه مكرمه مثل الذين ينفقون اموالهم فى
سبيل الله كمثل حبة انبتت سبع سنابل فى كل سنبله مائة حبة
والله يضاعف لمن يشاء والله واسع عليم و به موجب حديث صحيح
صريح حضرت افضل البشر عليه و على اله افضل الصلوات و التحيات
اذامات الانسان انقطع عمله الا من ثلثة الا من صدقة جارية او علم
ينتفع به

* * *

شجاع الملك شاه در دوران

الملك لله
شد از عین عنایات الهی
مسلم بر شجاع الملك شاهی

درینو لا جنا ب آفتاب عالتماب صحیفه سلطنت و کا مکاری
 مروج قواعد شریعت غرا

خلد الله تعالی ملکه وسلطانہ و افاض برہ واحسانہ و قف کردو
 تصدق نمود خالصا لله تعالی - از برای حاجی الحر مین الشریفین
 حاجی حفیظ الله بن حاجی عبدالحق درانی الکوذاپی و اخره للعالمین
 الفقراء تما می یک زوج ارا ضمی متعلقه معینه آن که واقع است در
 اشرف البلاد احمد شاهی مشهور به نهر رو ضه باغ و محدو داست باین
 حدود شرقا متصل است اما برارغنداب پیوسته است بزمین های
 عاشقه - شما لا متصل است به دامنه کوه - جنو با متصل است به
 نهر ناگمان بکل قلیل و کثیره و فیه و منه و بجمیع حقوق و مرا فقس و
 بجمیع آنچه از آنها دارند و شمرند و اضا فه کنند . و قفا شرعی
 صحیحا و شرط کردند و از نظر معظم الیه که متولی این و قف

حاجی مذکور مادام حیاته وبعده از آنکه حاجی مزبور از دست ساقی
اجل شربت ضرور به کانس ذایقه الموت نوش نماید .

متولی این وقف رجوع کرد حضرت قاضی اسلام نافذ الامر و
الاحکام دارالسلطنه کابل در حالیکه عالم بود به محل اختلاف مجتهدین
مواضع خلاف اعنه الدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین در ضمن
مرافعه شرعیه بر خصم حاضر شن حکم کرد . بر صحت این موقوف
اولا و بلزوم آن ثانيا فصار هذا وقفا صحیحا شرعیاً لازماً مسجلاً
جامعاً نافذاً بجمیع شرائط وصحت الدعوی و الشهادة بحیث
الاباع و یوجب ولا یورث ولا یمهر ولا یتبدل و کان ذلك بمحض
المسلمین فی تاریخ بیست و دو ی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۲۱

حافظ شیر محمد

* * *

المتوکل علی الله الصمد

خادم دین نبی شد محمد

۱۲۱۹

توضیح : حافظ شیر محمد اشرف الوزراء پسر اشرف الو ذرا شاه ولی
خان است و در این ورقه وقف نامه مهر کرده است .
مولوی محمد خان - اقصی القضاة و خان علوم بوده است .

دو باب کار بانسرا و بازارچه

وقف خر قه شریفه

محمود شاه درانی به تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۲۳ قمری فرمانی برای تایید و وقف خر قه شریفه صادر نمود و تثابت می گردد که دو باب کار بانسرا و بازارچه در شهر قند هار برای مصارف زیارت و اهل تولیت خر قه شریفه وقف و مقرر بوده و این فرمان ثانی موید آن است :

فرمان محمود شاه درانی

اعوذ بالله تعالی - حکم همایون شد : آنکه حکام و عمال حال
و استقبال اشرف البلاد احمدشاهی بالطاق مو فور ه شاهانه
سرافراز گشته بدانند که چون حسب الارقام و دستخطهای مبارک
موازی دوبا ب کار و نسرای شاه هزاره سلیمان و بازار چه دروجه
فضیلت پناه حاجی ملاحفیظ الله متولی خر قه متبر که مرحمت
گردیده بود که حاصل آنرا بجهت جیره خد مه و روغن چراغ و تعمیر
و غیره امورات خر قه میرسانیده باشد . از خدمت بنده گان اعلیحضرت
شاهنشاهی ظل اللهی استدعای امضای رقم مبارک نمود بنابراین
امرو مقرر فرمودیم که به نحو سابق موافق ارقام و دستخط های
مبارک از ابتداء هذه السنه مبارکه لوی ٹیل فیروزی تحویل سال
نہنگ در و چه مشا رالیه مرحمت و عنایت فرمودیم که به نحو یکہ از
خود خرج کشید و خرابہ را آباد کرده است حال سال بسال حاصل
و منافع آنرا به مصارف خر قه منورہ متبر کہ میرسانیده باشند
و موازی دوازده باب دکان کہ از جمله دکاکین و بازار چه مذکور کہ به
غلط نہایی دروجه ملانصیر و ملاجمعه و ملاباشی و ملا صحبت و ملا

عبدالرحمن و غیره مقرر شده بود از وجه آنها موقوف دانسته بدستور سابق در وجه حاجی حفیظ الله مشارالیه برقرار دانند که هر ساله حاصل و منافع دکاکین بازار چه ودوباب کاروانسرا را به مصارف خرجه متبرکه که میرسانیده باشد و میروخان درانی فو فلزایی و غیره که رقم و دستخط لبا سی نموده بودند احکام آنها را موقوف دانند و هرگاه بعد ازین هر اسم احدی رقم و یاد دستخط حاصل نمایند حکم آنها منظور نه نمایند و از با بتما لیه دگا کین و مرسومات داروغه های بازاری و کوتوالی و بیگار و سیگار و صادر یا ت و غیره بهر اسم و رسم که حواله شود معاف و مرفوع القلم دانسته به هیچ وجه منالوجوه مزاحم و متعرض نشوند .

مستوفیان عظام صورت رقم مبارک را در دفاتر لازم ثبت نمودند در عمده شناسند .

فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۲۳ .

کسانی که در ظهور و رق فرمان مهر کرده اند - نام ها و عبارات نقوش مهر های شان ازین قرار است :

۱- زلف احمد و الطاف سبحان شکر از جان غلام شاه جیلان - نظام الملك .

۲- لطف حق شامل حال میر علم .

۳- بسم الله الرحمن الرحیم .

۴- اقل خلق الله محمد حسین الموی .

۵- عبده یحیی

۶- ابو القاسم الحسینی

۷- افوض امری الی الله - عبده میر عبدالله

الملك لله

شد از عین عنایت الهی
مسلم بر اشجاع الملك شاهی

در این آوان میمنت نشان که اوایل جوش بهار دولت گیتی امتداد
... و مبداء سال فرخ فال سعادت قبیل سیچقان ثیل و شهر رمضان
المبارک سنه بعد از آنکه از هجره انبوی علی الصلوة
اکملها و من التحیات اجملها ست... المودبتائیدات اله شجاع الملك
پادشاه لازل جلال ملکه و سلطانه به مضمون آیه وافی هدایه الذین
ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبه ... الخ .

موفق به توفیق ایزدی گشته در حین صحت و اعتدال مزاج از روی رضا
و رغبت و قف صحیح مخلص و مودشرعی فرمود همگی و تمامی دکانین
ادراک خواه سرا که واقع است در اشرف البلاد احمد شاهی در روی
بروی سرا ی ادراک مذکور مشروط بر اینکه فضیلت و کمالات پناه
افادت و افاضت دستگاه ملایاسین بارکزی یی گرجی زایی متولسی
مقبره سلطانه علیین آشینان انارالله بر هانه سال بسال مالیه و

وجه کرایه آنرا باز یافت و صرف روشنائی مقبره سلطان مبرور
رسانیده احدی دیگر را به داکین و مالیه و وجه کرایه آن غرض
و رجوعی نباشد. حاصل و منافع و اختیار داکین مذکور و مالیه و وجه
کرایه آن به فضیلت پناه ملا یاسین مشار الیه است و از شایسته
ریب و ریا معرا و مبرا دانند و قفاصحیحا شرعیا مخلدا مو یدا صدقة
جاریه جازما

بخش دوم

اجمال و اختصار معلومات

در خصوص خرقه شریفه در قندهار

(۱۱۸۲ ق-۱۳۴۷)

تالیف

عزیزالدین و کیلی پوپلزائی

به تفصیلی که مذکور شد - شاه ولی خان وزیر - خر قه مطهره
حضرت سید لولاک را از میرسلطان شاه ابن میر یاریک تسلیم
گرفت و بعد تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم و صرف صدقات و
ندورات بسیار آن امانت بزرگ و مقدمس را که از عرصه یکصد و
سی و شش سال به خاک افغانستان انتقال یافته و سی و پنج
سال در بلخ و هفتاد و چهار سال در بدخشان پر تو نزول و برکات
داشت .

باعزت و عظمت تمام در سنه ۱۱۸۱ قمری از طریق پروان به
کابل رسانید و بعد مدتی از کابل براه میدان - وردک - غزنه - مقر -
قلات - شهر صفا ، به تاریخ نهم ربیع الاول سنه ۱۱۸۲ مطابق
سیچقان ییل شمسی هجری قمری به شهر جدید قندهار رسانیده شد .
در اولین مسجد جدید التعمیر که در سنه ۱۱۷۲ قمری ده سال پیش از
ورود خر قه مطهره به سمت جنوبی گذر بردرانی و در نزدیکی خانه
وزیر شاه ولی خان واقع است گذاشتند و تا سنه ۱۱۹۰ قمری در
همان مسجد قدیمی (زاویه مسجد) بود .

امپراتور تیمور شاه در سنه ۱۱۸۶ قمری در آغاز قصد حرکت موکب از قندهار به جانب کابل - در باب خرقة شریفه فرمود که : باید پس ازین خرقة مبارکه قطعا به اماکن دیگر منتقل نگردد و نباید این لباس جلائی اساس دستخوش صاحبان قدرت گردد و چنانکه در قرون پیشتر قدرت مندان وقت خرقة معظمه را از جاییجا ساخته بودند ، بعد ازین از مرکز قندهار در هیچ یک محل دیگر برده نشود و باین سخنان همه علما حضور فتواداده در همان مسجد قدیم (زاپره - مسجد) که در سنه ۱۱۷۲ قمری بنا یافته بود . گذاشت و خود به جانب کابل حرکت نمود . و از بدو حرکت در جنوب شرقی حوالی مرقد احمد شاه بزرگ والد ما جد خود - نقطه خیلی خوش هوا و مصفا را برای اعمار مقام خرقة نبویه تعیین فرمود و آنچه در فرمان احمد شاه غازی برای حقوق تولیت تعیین شده بود تا سنه ۱۱۹۶ قمری ادامه داشت .

و در سنه مذکور و قف نام نوشته و متن آن در این رساله تاریخیه مندرج است . و توأم باوقایع تعمیر آرا مگاه احمد شاه کبیر عمارت خرقة مطهره را به صورت علیحده با مسجد جامع و محوطه وسیع و حوض آب به طور خیلی مرغوب از خشت پخته و گچ و چونه و سنگ مطابق مهندسی و معماری استادان قندهاری آراست ، و در وقت تکمیل تعمیر (غره شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۹۰ ق مطابق پیچی ثیل شمسی - سال امیمون) خرقة مبارکه را با انتهای عزت و عظمت از مسجد قدیم (زاپره مسجد) از نزدیکی منزل شاه ولی خان مرحوم با صرف صدقات و نذورات بسیار و ادعیه و تکبیرات و درود بروح مبارک حضرت سیدالاولین و آخرین محمد صادق الوعد الامین (ص) برداشته در عمارتی که تاکنون (سال ۱۳۶۶ ش) زیب و زینت تمام دارد و با آن عظمت و شان پابرجاست ، گذاشت . و در همین سنه برای جیره عالمان و متولیان خرقة معظمه فرمانی به عنوان عمال و مستاجران مالیات ولایت قندهار در برقرار داشتن جیره پنج نفر

عالمان و پنج نفر متولیان صادر نمود و مقدار يك من ده آثار بوزن تبریز نان پخته مقرر داشت و در سالیان دراز این رسوم بجای میگردید.

بعد از آنکه خر قه مبارکه در عمارت جدید منتقل گشت. و تیمورشاه بکابل معاودت نمود علما و اعیان انجمن حضور بعرض رسانیدند که خاقان کبیر (احمد شاه در دران) از روی نهایت احتیاط خر قه شریفه را در حجره مسجد و در نزدیک خانه وزیر شاه ولی خان گذاشته و تمام اکابر و اعیان و علمای وقت در اندرون شهر مراقبت و مواظبت می نمودند و الان که خر قه مبارکه در صحن روضه باغ انتقال یافته و چنانکه در قرون گذشته چند مرتبه توسط ارباب تولیت از جایجا گردیده مبادا خدای ناخواسته روزی از قندهار بدیار دیگر منتقل گردد. و امپراتور تیمورشاه تا هنگام معاودت دفعه سوم به قندهار به تشویش بسر می برد.

تیمورشاه در سنه ۱۱۸۶ قمری در دامنه علی آباد محل امانت خر قه شریفه را که در سنه ۱۱۸۲ قمری گذاشته شده بود ملاحظه کرد. و آنجا را مانند زیارت دشت ده پید سمر قند که بعد از انتقال خر قه مبارکه به شهر بلخ زیارت شاه مردان نام کرده بودند جایگاه خر قه را در دامنه علی آباد کابل - اونیز احتراماً زیارت شاه مردان نام گذاشت و محل و موضع خر قه شریفه را که از مدت چهار سال سنگ چینی شده و توغ بالا یش نصب کرده بودند فرمود که در نزدیک آن جایگاه چاه آب برای وضو و نوشیدن زائران حفر شود و در ختان توت در زمین وقفی غرس گردد. اما اینکه بعضی جماعات از روی حسن عقیدت آنجا را قدمگاه حضرت امیرالمومنین علی کرم الله وجهه تصور نمود و سنگ سوراخی را که صندوق محمل خر قه معظمه را از طرف روز باین مفهوم که از قامت زائران بلند باشد می گذاشتند. سنگ ذوالفقار نام گذاشته اند. این يك حسن

تعبیر عا میانه است و حقیقت همان است که در سنه ۱۱۸۲ قمری چند گاهی خر قه نبویه در آن محل منزه و گوشه از حدود شهر قدیم کابل قرار داشت (۱)

امپراتور تیمور شاه - در سنه ۱۱۹۶ قمری که این وقت با دیگر وارد قند هار گردید باین دلیل که باید ارباب تولیت - بعلاوه آنکه حسباً و نسباً قند هاری و معتمد ملت اند - از نظر وضع گذاره نیز بیشتر ملتفت و متوجه ادای خدمت تولیت باشند - نهر شاهی (شاه و اله) را به اراضی آن که از آب مزبور مشروب می گردند و قف کرد و در اختیار اهل تولیت خر قه نبویه سپرد - و در سنه و قف نامه مهر های برادران خود را نیز نقش نمود تا باین ثواب بزرگ همه فرزندان احمد شاه غازی مرحوم شریک باشند و بدعای خیر یاد شوند.

(۱) در اوائل دوره سلطنت امان الله شاه - علیا حضرت سراج الخواتین و والد آن پادشاه به شکرانه حصول افتخار استرداد استقلال افغانستان و هم باین افتخار که نیاکان مادر علیا حضرت به آوردن خر قه شریفه توفیق یافته بودند بصرف پول شخصی خود جای آنرا عمارت و بنا می گنبد آهن پوش نمود. و در سال یکبار ظرف بزرگ سنگی را که بنا می دیگ سخنی مشهور شده است.

مملو از مالیده نموده و بطور رند بفقرا توزیع می نمود و آن مردم آنرا زیارت سخنی می گویند. و در همین عهد بحسب فرمان غازی امان الله شاه در اثر عرض اهل تشییع ناحیه چندا و ل که نوشته بودند برای تدفین و فیات شاه در شهر کابل جای مشخص ندارند. و در آنه علی آباد - تعیین گردید و چنانکه گمان شده است این مدفن اطراف زیارت سخنی از عهد درانی سدو زایی است حقیقت ندارد.

وثیقه و قف نامه به طول تقریباً یک متر و (بیست و پنج) سانتی و عرض تقریباً (سی) سانتی به خط خوش نسخ و نستعلیق به تاریخ شهر رجب المرجب سنه ست و تسعین و ما ته و بعد الا لف (۱۱۹۶ هجری قمری) نوشته شده و هفت برادر :

تیمور شاه - سلیمان - اسکندر - پرویز - دارا ب - شهاب - سنجر - دراین و وثیقه مهر کرده اند . و این وثیقه را هفت برادر که همه به قید حیات و در قندهار در ایام سفر این سال حاضر بودند - بدست خود به ملا حاجی عبدالحق الکوزا یسی متولی سپرده اند . و سراسر متن در این رساله مندرج است .

به تاریخ (بیست و شش) شهر شوال ال کرم سنه ۱۱۹۶ ق به عنوان شاهزاده همان رقم دولت امپراتوری صادر گردید و گفته شد که یک قسمت اراضی تحت آب نهر احمد شاهی که از طرف اهالی باغها در آن احداث شده . مالیات آن با محصولات زراعتی زمین های مذکور به اجزا ، موقوفات خر قه نبویه (ص) افزوده گردد .

در فرمان مورخ (ده) ربیع الاول سنه ۱۱۹۷ ق که در اثر عرض ملا عبدالحق متولی صادر گردید و مربوط به موقوفات خر قه مبارکه و از حاجی علی نقی و صادق قنات تاجک تلو کانی - در باب دوز وچ املاک نهر شاهی یاد شده و از حاجیان صدیقی و کسان دیگر نیز اشارت نموده است .

در فرمان امپراتور تیمور شاه مورخ (چار) جمادی الثانی سنه ۱۱۹۷ ق که به حاجی عبدالحق عنایت شده تا کید گردیده که هر روز مقدار پنجاه من بوزن تبریزی نان پخته از بابت حاصل نهر شاهی به خیرات فقرا و مساکین داد میشود . و در این فرمان ثابت گردید که منزل باغ نیز از موقوفات خر قه معظمه در شمار آمده چنانچه در سنه مذکور متولی خر قه نصف اراضی منزل باغ را برای احداث انگور باغ استعدا کرده بود و در این فرمان شاهزاده همایون به خطاب نائب السلطنه القا هر و از حاجی عبدالحق به عبارات فضیلت و کمالات

حاجی الحر مین الشریفین یادشده واز میر علی خان اسحق زایی - امیر
آخور باشی شاه هزاره همایون (۱) نام برده شده است .

در فرمان مورخ (دوازده) ربیع الاول سنه ۱۱۹۸ ق امپراتور
تیمور شاه از نظر مساعدهت بامور خانگانه علمی قندهار و سرپرستی
مدرسه و نظارت اوضاع مفرشات زیارت خرقة نبویه - تاکید شده
واز چند تن عالم و شاعر بزرگ قندهار به شمول ملا خدا بخش
اسحق زایی حوا زایی ملا باشی - ملا مداح رئیس محکمه شرعیه -
ملا الیاس - ملا پیر محمد کاکر و شاعر - ملا دوست محمد تبریزی
امتخلص (عزیز) نام برده و برای هر یک معاشات و ماکولات منظور
گردیده است .

فرمان مورخ سنه (۱۱۹۰ ق) مطابق پیچی نیل سال میمون وقتی
از نزد متولی مفقود گردید - در اثر عرض حاجی عبدالحق متولی -
فرمان ثانی از حضور امپراتور تیمور شاه صادر گردید . و به
جواب عرض او که گفته بود :

وضع فرش های نمدی بر هم است و پنجره های عمارت شکست و
ریخت پیدا کرده .

در فرمان مورخ (چهارده) ذیحجه الحرام سنه (۱۲۰۰ ق) امر
شده که بر آورد کرده و فرش قالین از ولایت قاین بیاورند . و ثابت گردید
که تاسننه مذکور - از نمد های مقبول قندهاری در زیارت خرقة
شریفه فرش بود و بعد از آن به قرار فرمان امپراتور تیمور شاه
قالین های قاینی برای فرش زیارت خرقة معظمه خواسته شده و در

(۱) کتابی که به عنوان زیب تاریخ ها نوشته شده و نسخه خطی
آن در کتابخانه نسخ خطی تاشکند در سال ۱۳۵۹ شمسی به
نظر نگارنده رسید با اسم همین شاهزاده نوشته شده است . (وکیلی
پوپلزایی)

این فرمان از جمعه خان الکوزا بی‌نائب شاهزاد و همایون بلقشوب
نائب شاهزاد و همایون بلقشوب وکیل مالیات قندهار و عبدالحق
متولی و غلام علی پیشخدمت و ادراک خان داروغه دفتر شاهزاده
همایون یاد شده و شاهزاد و همایون نایب السلطنه مخا طب
گردیده است.

امپراتور زمانشاه که به تاریخ پنجشنبه (یازده) شوال المکرم
سنه ۱۲۰۷ ق در بالا حصار کابل بر مسند امپراتور موروث‌نشست
در اولین فرمان به عنوان شاهزاده همایون در مورد زیارات بابرکات
و موقوفات قندهار خاطر نشان ساخت و گفت که: در پرداخت و
معاف زیارات و موقوفات... علماء و سادات و استمالت رعایای
اشرف البلاد و تمام توابعات و مربوطات دقیقه بی از دقایق نامرعی
نگذارد.

امپراتور زمانشاه در فرمان مورخ شهر صفر سنه ۱۲۰۸ به
عنوان حاجی عبدالحق متولی نوشت که: از وجه عواید نهر
احمد شاهی (شاه‌واله) مساوی چهار تومان را دونفر نوکر به
جهت خدمت زیارات بگیرد و گفت که متولی موصوف از موقوفات
بر وفق فرمانهای سابق استفاد کند.

در فرمان مورخ شهر صفر سنه ۱۲۰۹ ق به عنوان شاهزاد و سلطان
حیدر پسر خود که فرمانروای قندهار بود نوشت که: باید مردم سکنه
چهار بلوک قندهار کما فی السابق برای حفر نهر احمد شاهی و قف
خرقه شریفه افراد کمکی بدهند.

آخوندزاده عبدالحق الکوزایی (اولین متولی خرقة مبارکه در
قندهار) در سنه ۱۲۱۴ ق و فاتیافت و بر طبق استدعای
پسرش، حاجی حفیظ الله که چند وقت با اشتراک برادرانش - حاجی
نعمت الله - ملاولی محمد - حاجی عبدالغیاث بخد مت زیارات خرقة
معظمه مشرف بود - به حسب فرمان امپراتور زمانشاه درانی
مورخ جمادی الثانی سنه ۱۲۱۴ ق - مطابق ابتدای چهار ماه قوی

ٹیل) بر تبه متولی خر قہ بر قرار گردید . و بروی تاکید رفت تا دہم حصہ عواید ارا ضی تحت آب نہر احمد شاہی (شاہ والہ) را ، صرف حوایج خود و باقی و جوه نقد و غلہ و گاہ را مانند گذشتہ صرف نان پختہ و خریداری گو سفند خیرات و روغن و تیل و مواجب خدمتکاران زیارت خر قہ مشرفہ بنماید . و در فرمان مورخ مذکور عواید نہر احمد شاہی برای صرف خر قہ معظمہ - نقد بیست و دو تومان - غلہ دویست و پنجاہ خروار ، گاہ دویست و پنجاہ خروار تصریح شدہ .

و در فرمان امپران تور زمان شاہ درانی (مورخ ربیع الثانی سنہ ۱۲۱۵ ق از ابتدای شش ماہ پیچی ٹیل سال میمون) باین مطلب صدور بخشید کہ :

مبلغ بیست تومان برات نقد بہ صیغہ مواجب ہمہ سالہ برای حاجی حفیظ اللہ متولی مقرر است و ہر سال از مالیات و جوه چہل یک اشرف البلاد احمد شاہی از نزد عمال باز یافت و صرف مایحتاج خود بنماید و بہ عنوان حکام و عمال تاکید این مطلب کردہ کہ از تاریخ مذکور ہر سال مبلغ بیست و دو تومان و جہ نامبردہ را از وجہ چہل و یک مہم سازی نمودہ و دیگر فرمان طلب ندارند .

در شہر صفر سنہ ۱۲۱۶ ق محمود شاہ از راہ سیستان وارد مرکز قند ہار گردید و بہ تاریخ (سیز دہ) ربیع الاول جلوس بر تخت امپراتوری نمود و در فرمان (مورخ (بیست و یک) ربیع الاول سنہ ۱۲۱۶ ق - از ابتدای ہشت ماہ سنہ تخاقوی ٹیل (سال مرغ) رتبہ تولیت حاجی ملاحفیظ اللہ را مانند دورہ زمان شاہ درانی تایید فرمود و فرمان ثانی محمود شاہ (مورخ ربیع الاول سنہ ۱۲۱۶ ق) بہ عنوان حکام و عمال و مباحران دیوانی اشرف البلاد احمد شاہی - راجع بہ حفر و لای کشی نہر شاہی وقف خر قہ مبارکہ - توسط مردم چہار بلوک تایید گردیدہ و فرمان سوم محمود شاہ درانی در قند ہار (مورخ ربیع الاول سنہ ۱۲۱۶ ق)

به عنوان فضیلت و کمالات پناهان مالا خدا بخش ملا باشی (قوم اسحق زایی) و ملا نصر الله امین محکمه شهر قند هار و ملا الیاس و ملا پیر محمد کاکری و ملا دوست محمدترینی و غیره علما صدور یافته و گفته شده که باید عالمان مذکور از بابت حاصل نهر شاهی و وقف خرجه با حاجی ملا حفیظ الله متولی دعوی گفتگو نمایند.

به تاریخ (بیست و نه) شهریور سنه ۱۲۱۸ ق - شاهزاده کامران فرمانروای قند هار به عنوان سر-دار محمد کلان خان امین الو جوهات قند هار و سند و شکار پور راجع به موقوفات زیارات قند هار که نخست مراتب احترام خرجه شریفه در نظر است. نوشت:

حاصلات موقوفات و توابع زیارات و متبرکات خدا هم زیارات و مشایخ که حق تولیت آنها می باشد و در هیچ صورت و در هیچ باب به هیچیک از علما و سادات و مشایخ و فقرا مزا حمت و تکالیف نرسد.

در فرمان مورخ (بیست و دو) شهریور اول سنه ۱۲۲۱ ق که از حضور شجاع الملك شاه صادر گشته نوشته است: شجاع الملك شاه - وقف کرد از برای حاجی الحر مین الشریفین حاجی حفیظ الله ابن حاجی عبدالحق درانی الکو زایی تمام می یکزوج اراضی متعلقه معینه آن که واقع است در اشرف البلاد احمد شاهی مشهور به نهر روضه باغ و وقف حاجی مذکور باشد.

در دوره سلطنت ثانی محمود شاه درانی به تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۲۳ - مطابق ابتدای سنه لوی ثیل سال نهنگ به عنوان حکام و عمال قندهار نوشته است:

موازی دوبا ب کار و نسرا ای شاهزاده سلیمان و بازار چه دروجه فضیلت پناه حاجی ملا حفیظ الله متولی خرجه مبارکه هر قسمت گردیده بود که حاصل آنرا بجهت جیره خدمه و روغن و چراغ و تعمیر و غیره امورات خرجه می رسانید.

بنابر آن امر و مقرر فرمودیم که به نحو سابق سال بسال حاصل
و منافع آنرا به مصارف خر قه منوره متبر که میرسانیده باشند،
و موازی دوازده باب دکان که از جمله دکاکین و بازار چه مذکور که
به غلط نمای درو چه ملا نصیر و ملا جمعه و ملا باشی و ملا صحبت
و ملا عبدالرحمن و غیره مقرر شده بود، ازو چه آنها موقوف دانسته
بدستور سابق درو چه حاجی حفیظ الله مشار الیه بر قرار دانند
که هر ساله حاصل و منافع دکاکین بازار چه و دویا ب کار بانسرا را به
مصارف خر قه متبر که میرسانیده باشد. و از بابت مالیه دکاکین و
مرسو مات داروغه های بازار ری و کوی توالی و بیگار و صادرات و
غیره بهر اسم و رسم که حواله شود معارف و مرفوع القلم دانسته به هیچ
وجه من الوجوه مزاحم و متعرض نشوند.

علیست شیر خدا و امیر شیر علی

۱۲۹.

صاحب معظم والا شان مهربان سردار میر افضل خان حکمران
دارالقراری قندهار را واضح خاطر ساسا می آنکه :
درین وقت فضیلت نشان ملا عبدالله آخوند زاد مولد رحمت الله
آخوند زاد نواده غیاث آخوند زاد مر حوم شرفیاب دربار معلی
گردیده در باب تولیت و مجاورت مزار فیض آثار خرقه شریفه
عرض و اظهار کرد که از آبا و اجداد مجاورت و تولیت مزار مذکور
بما خانواده تعلق داشته و دیگری را دخل و غرض نبوده حال بعضی
از مردم اجنبی را هوای مجاورت و تولیت مزار (۱) مذکور در سرافتاده
مارا به مجاورت آنجا آرام نمی گذارند . و چند قطعه دست آویزو

(۱) مزار - جای زیارت . اکثر اطلاق این لفظ بر قبر کنند . یعنی
استعمال این کلمه برای زیارت خرقه شریفه درست است . و اما چون
عموما کلمه مزار برای قبر انسان بزرگ و مزارات برای قبور بزرگان
اهل تقوی یاد شده است . در این متن درست نمی نماید .

سند و تمسکات که در باب استحقاق مجاورت و تولیت مزار فیض آثار مذکور در دست داشت از نظر شهریاری گذرانید و دست آویز جدید به مهر سر کار و لا مطالبه نمود. چون سر کار والا را بر احوال مجاور و متولی مزار مذکور علم و اطلاع حاصل نیست لهذا صورت تحقیق این مدعا و انجام مقصد ملا عبدالله آخوند زاده حواله به رای صواب نمای صا حبی فرموده نگارش می یابد که خودش نوشتجات و تمسکات مشار الیه را از نظر خود گذرانید و علم به حقیقت عرض و اظهار او آورده هر گاه تولیت و مجاورت مزار فیض آثار مذکور حق ملا عبدالله باشد به ملا عبدالله سپرد فرمایند که به خدمت آنجا قیام و اقدام ورزیده آنچه حاصل و ققیات او است دخل و عمل داشته و به مصرفی که سابقا مقرر بود برساند هر گاه دیگری از خاندان مشار الیه را از روی استحقاق به قرار سابقه با مشار الیه در امر تولیت و حاصل و ققیات شرکت و مداخلتی باشد همان تقسیم سابقه را مابینشان بر حال و استوار بداند که هر کدام حق خود را مالک و قابض بوده یکی بر دیگری ستم شریکی نداشته باشند. و اگر چنانچه از مردم اجنبی کسی را با ملا عبدالله آخوند زاده در امر مذکور دعوی و گفتگوی غیر حق باشد البته خود آن صاحب بکلی ممانعت خواهند فرمود که مزاحم حال مشار الیه نشود فقط تحریر

شنبه (هفت) شهر شوال المکرّم سنه ۱۲۹۵.

(علیست شیر خدا و امیر شیر علی)

۱۲۹.

* * *

فرمان امیر شیر علی خان - این فرمان دوره محمد زایی در خصوص زیارت خرقه شریفه قندهار به خط و انشا و محمد نبی خان (واصل) دبیر الملك نوشته شده و قبل از آن سندی به نظر نرسیده است. در پشت فرمان مهر دبیر دارای سنه ۱۲۹۰ خوانده میشود و در همان سنه بعوض محمد حسن - این رتبه رایا فته است.

خرقه شریفه و موی مبارک

در شهر قندهار - دوزیارت بزرگ - (خرقه شریفه و موی مبارک) موجود است . در سنه ۱۳۲۵ هجری قمری امیر حبیب الله خان بشر ف زیارت و احترام آن دوزیارت مقدسه رسید و خدماتی را انجام داد - سیادت پناه (۱) میر محسن آقای پشیننی شرحی نوشته که سرا سر عبارت او را در جمله تو ضیح و حواشی این کتاب مفید و مغتنم میدانیم و آن این است :

(از آنجا که توجهات شنش شهنشا هی شاه سعادت بنیان

(۱) میر محسن آقابه تاریخ یکشنبه (هجده) شهر شوال المکرم سنه ۱۳۴۱ هجری قمری در شهر قندهار فوت و همانجا دفن گردید . موصوف شخص عالم و فاضل و در خوشنویسی هم دستی داشت پسر کاکای شاه عبدالعظیم پشیننی (شاه آقای قلعه قاضی) بود .

الموید بتایید الملك الדיا ن سلالة السلاطین آل افغان التي ابتهجت
بهم القرون و الازمان اعلیحضرت سراج الملة والدين دام ملك دايم
مصرف ترقی اعمار بلاد و امصا و شاهانه شان است - از ابتدا آمدن
موكب مسعود او به قندهار بسی آثار عمران و ترقیات نمایانی
بروی کار آمده است که برخی از آنها بیان کرده میشود .

چنانچه تعمیر قلعه قندهار که به مرور زمان برهم ورخته رخنه
گردیده بود از سرنو بطرز جدید ترمیم گردید که در صفای و زیبایی
رشک بلدان عالم گردید . وارگ شهر قندهار و سلامخانه مبارک که و
عمارت برج و کوتی جدید ارگ و گلدانی ها و فواره ها در آن ساخته
شده است و بازارها به کمال ، آرایش انجام یافت و اماکن متبرکه
چنانچه: خرقة شریفه که در دایره و صحن او وسعت کرده سرای طرف
شرقی او را خرید و در دایره اش داخل کردند و صحن او را وسعت
دادند و نیز دالانهای سمت جنوبی او را آباد نمودند و امام و موذن و خدمه
و مدرس و طلبه را مقرر فرمودند و نیز مسجد جامع شاه که آباد کرده احمد
شاه مرحوم است جانب شمال آن زمین های خالصه سرکاری و خر-
یداری در آن داخل کرده دایره او را وسعت داده دالان های شمالی
او را از سرنو تعمیر نمودند و نیز مسجد جامع سردار کهنده ل خان ،
مرحوم را از طرف شمال و جنوب او سراهای به قیمت بسیار خرید-
دایره و مسجد او را دوچند از سابق کلان نموده و نهر پاتاب را در اوسط
او اجرا داد و دو صد باب دکان که در حقیقت يك بازار طولانی
است برای مصارف وی آباد و جای موی مبارک را در آن ساخته به آن
بقعه شریف نهادند و مسجد عثمان آباد واقع بازار شکار پور و غیره
مساجد را تعمیر نمودند و عمارت کو هکران و کوتی جدید منزل باغ
که مزین به تخت پادشاهی است و کوتی یخچال و کوتی سر بند و
حفر نهرها و ساختن سرک ها و پیک ها از آن جمله یکی حفر نهر
مبارک که سرا جیه است که از دریای هلمند اراضی حالیه غیر مزروع
را به زحمت زیادی در ظرف چهار سال که موازی هشت هزار مرد در

آن کار میکرد تا حفر آن انجام یافت که یکی از آثار عظیمه عصر سراجیه است و از نتایج مستحسنة سفر خیریت اثر همایونی علی هدالقیاس در هر ولایت که قدم میمنت لزوم والا رسید و يك آثار ترقی نشان به یادگار ماند و این همه به سعی و اهتمام عالیجا و سردار محمد عثمان نایب سالار ملکی سر دار درجه دویم بانجام و اتمام رسید.



سفر امیر حبیب الله خان د ر قندهار سنه ۱۳۲۵ قمری (۱۲۸۶ شمسی و ۱۹۰۷ میلادی) است از قندهار به هرات عزیمت نمود و این سیاحت تاسنه ۱۳۲۶ قمری ادا مه یافت .

مسجد موی مبارک

مسجد موی مبارک در قندهار که اولین مسجد شهر جدید (اشرف
البلاد احمد شاهی) است و گذر پیوست مسجد موصوف نیز بنام
مسجد موی مبارک یاد میشود در فرصتی که امپراتور احمد شاه
بزرگ مصروف امور بلاد شرقی قلمرو افغانی بود - بفرموده و هدایت
آن سهر قهرمان ملی این اولین مسجد در شهر جدید قندهار در
سنه ۱۱۷۲ قمری (۱۱۳۸ توشقان نیل شمسی) به پایه اکمال رسید.
در سنه ۱۱۸۲ قمری خرقة مطهره و موی مبارک در حجره همان مسجد
گذاشته شد . در سنه ۱۱۹۱ قمری در این وقت که خرقة مطهره به
عمارت جدید (در ساحه روضه باغ) احتراماً نقل داده شد - مسجد
موصوف بنام مسجد موی مبارک مشهور ماند و بنا بر اولیت و قدامت
بنا آن قندهار یا ن (زاړه مسجد) یاد می کنند . نگارنده این کتاب
مسجد موصوف را صبح سه شنبه (چار) برج ثور سال ۱۳۴۱ شمسی
دیدم که در صحن حویلی - هفت درخت سرو و چند اصله درخت
توت موجود و وضع عمارت آنرا نشان میدهد .

هدیه دروازه نقره

دروازه زینه داخل عمارت خر قه مطهره که از صحن اندرو نروضه به طرف صندوق محمل خر قه مبار که میرود قبلا از چوب ساخته شده بود (۱) در عهد امیر حبیب الله خان به جای آن دروازه نقره باندازه تقریبا دو متر طول و تقریبا یک متر و بیست و پنج سانتی عرض با چو کات آن از طرف حکومت به توسط سردار خوشدل خان

(۱) در برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی از آخوند زاده محمد حق متولی خر قه شریفه سوال کردم که بعد نصب دروازه نقره دروازه چوبی آن را کجا برداشتند؟ گفت: در منزل شخصی خود برده نصب کرده ام و موجود است - محل گوشه و منزله است. (وکیلی)

لویناب نایب الحکومه قندهار (ابن سر دار شیر دل خان لویناب
مرحوم) اهدا شده و این عبارت دروی نقش شده است :
(در زمان سلطنت اعلیٰ حضرت سراج الملة والدین - هدیه لویناب
خوشدل نایب الحکومه اشرف البلاد قندهار تقدیم شد ۱۳۳۶ ه .)
بضا عت نیاورد م الا امید خدایا ز عفو م مکن نا امید



عبارت فوق را ساعت (یازده) قبل از ظهر جمعه (سیویک) برج
حمل سال ۱۳۴۱ شمسی نقل بر داشتیم .

* * *

۱۳۳۶ هجری قمری مطابق ۱۲۹۷ هجری شمسی است و در
برج حوت همین سال افغانستان استقلال کامل خود را اعلان نمود .

ترمیم عمارت خرقه شریفه

امیر حبیب الله خان در سنه ۱۳۲۵ هجری قمری از کابل به قندهار عزیمت نمود . و حین ورود به قندهار به زیارت خرقه شریفه مشرف گردید و فرمود که آن زیارت بزرگ ترمیم و مجددا رنگ آمیزی و نقاشی شود - و برای سرعت کار خرقه معظمه و سایر ابنیه مقدسه قندهار - از هرات یکعده نفر اهل فن نیز حکم احضار صدور نمود تا با مور خطاطی ، نقاشی ، رنگ مالی ، مهندسی ، عمارات بزرگ قندهار پیر دازند .

صوفی عبدالحمید و لد نصرالله خان از قبیله خوانه زایی بار -

کزایی ساکن چهار کوچه قندهار (۱) در سنه ۱۳۲۷ قمری از هرات وارد قندهار گردید داخل عمارت خرّقه مطهره و عمارت موی مبارک حضرت سید لولاک را مجدداً رنگ آمیزی و نقاشی نمود و هم با مور خطاطی الواح تاریخ پرداخت. در سقف عمارت خرّقه شریفه این بیت نوشته شده است :

اینجا بیا که روضه خرّقه محمد است اینجا بیا که نور یقین جلوه میکند

(۱) صوفی عبدالحمید در سنه ۱۳۰۷ قمری در قندهار متولد و به عمر (نه) سالگی با فامیل ایشان در هرات رفت. علوم ریاضی طبیعی، هندسه، هیات قدیمه، جغرافیا - تاریخ - از معلمین خصوصی آموخت.

در سنه ۱۳۲۷ قمری از هرات با مر امیر افغانستان به قندهار احضار گردید. در امور مهندسی تحت منزل باغ و ترمیم مزارات خدمت نمود. در سنه ۱۳۳۲ قمری به کابل احضار یافت.

در سنه ۱۳۴۳ قمری کتاب جغرافیای ولایات شمال افغانستان را ترتیب نمود و در سنه ۱۳۴۴ قمری رئیس شرکت تعدیل صنایع و در سنه ۱۳۴۵ قمری رئیس مطبعه نوت و صکوک مقرر گردید.

خدمت در راه صلح

در آغاز اعلان جهاد استرداد استقلال افغانستان (برج حوت سال ۱۲۹۷ شمسی) از اثر دخالت و خیانت دشمنان راحت و آسایش و صلح و آرامی ملت مسلمان افغانستان، در این ایام که قبایل پشتون قندهار از شهر احمد شاهی به عزم غز و جهاد و حرز ناموس اکبر کمر همت بسته به طرف سرحد افغانستان در حرکت بودند - در شهر قندهار، واقعه بس خطرناک رخداد. و تفصیل اینکه: یکنفر از سادات سنی مذهب که روزهای قبل تبلیغ جهاد نموده بود - پسر نوجوان او را کشته در برابر دروازه سرای میراب باشی شهر قندهار دفن کرده پای او را برون کشیده بودند و به طور غیر محسوس به نفری اهل جهاد در سپین بولدک خبر داده و گفته شد که شما جهاد استقلال را آغاز کرده اید خبر

ندارید که دشمن خانگی فرزندانشما مردم اهل سنت و جماعت را
می کشند . روی این اطلاع و این واقعه هولناک که زمان حکومت
خو شدل لوینا ب بود اهل غزات از سپین بولدک رو گردان
شده وارد شهر قندهار و بسیار نفر را کشتند . برای دفع این واقعه
خونین حاجی عبدالحمید آخوند زاده متولی خرقة شریفه در بین
اجتماع وارد شده خدمت بزگدر راه صلح نمود . و دیگر علمای
قندهار نیز با وی همفکرو همکاری کرده آن واقعه خونین جنگ داخلی
را دفع نمودند . و بعد انجام آن واقعه فهمیده شد که دست خیا ن
خارجی دخیل بود و این حرکت دریک مرحله حساس باعث ناکامی
گردید . در ضمائم تاریخ خرقة متولی خرقة شریفه
به درج این خلص اکتفا اورزیدیم زیرا که خدمت مصلحانه
متولی خرقة شریفه در واقعه آن ایام خیلی قابل احترام است و
همان ایام بود که مجاهدین قندهار به محاذ کدنی به حرز ناموس
اکبر آماده جان سپاری بودند .

بیانات غازی امان الله شاه

د مسجد جامع خر قه شریفه واقع در قندهار

غازی امان الله شاه به تاریخ یکشنبه (هجده) برج میزان سال ۱۳۰۴ شمسی (یازده - اکتوبر ۱۹۲۵م) از کابل به قصد قندهار حرکت نمود و روز دوشنبه (نزده) میزان در میدان مسجد جامع خر قه شریفه به اهالی قندهار گفت:

(چونکه از خدمت به وطن بالاتر عشقی ندارم و این مسلك را نخبه آمال خود می شمارم لذا استفادهاز موقع را بغرض تامین امور وطن عزیزم افغانستان و تهیه طریق بختیاری ملت محبوبم افغانیان همه وقت ملحوظ داشته خواسته ام به معونه ایزدی نهضت و مرا تیب عظمت افغانیه بسرعت ممکنه به ساحه وجود آید.

بنا علیه چون در این ایام خاطریم با جمله ازمهمات امور مرکز

مطمئن گردید سرکشی با مورایا لات سایر ه محرو سه رابا لا
صا له تصمیم کردم).

وگفت: (مقصد م از این آمدن به قندهار ساعت تیری و تفریح
نیست بلکه چون قندهار از متبرکترین شهرهای افغانستان و یک
جای مقدس شمرده میشود، این عاجز در آن به قسم فال نیک بغرض
زیارت خرّقه شریفه و خبرگیری حالات حقیقی اینجا آمده ام اولاً مقصد
از آمدن به قندهار تشریف به خرّقه مبارک و باز ملاقات نمودن باشما
مردم قندهار و معلومات کردن از احوال شما عزیزان بوده است.

امان الله شاه پنج نماز جمعه را در جامع خرّقه شریفه ادا نمود و چون
خود امامت و خطابت نماز جمعه را می نمود - بروز جمعه (سی) میزان
سال ۱۳۰۴ ش در مسجد جامع خرّقه ضمن ادای خطبه گفت:
(عزیزان من میدانید که مقصد از خطابت رسانیدن احکام خدا و
رسول است برای ما معین پس می باید که خطبه بزبانی گفته شود که
بفهم قریب و شنونده از آن استفاده کرده بتواند.

ما و شما بدین مرتبه که در عزت و حرمت خرّقه مبارک که سرو کائنات
که قندهار را یک شرافت بزرگی بخشیده و این جامع مبارک که رانست
بدیگر مساجد اسلامیة بعد از حرمین شریفین بنظر ما با عظمت نشان
میدهد میگوئیم میدانید که از چیست؟ از این است که این خرّقه مطهره به
وجود پیغمبر ما مشرف شده و به عرق پاک شان معبر و به اثر
صحبت شان یک افتخار بزرگی را نایل شده است - پس طوری که ما
در اعزاز و اکرام این خرّقه بدین حیثیت میگوئیم می باید صد چندان
آن در تعمیل آن اوامر و نواهی که ذات اقدس پیغمبر بما امتان عاصی
خویش فرموده اند - جد و جهد کنیم و به قدر یک سر موی از
هدایات و احکامات اوشان تخلف نوردیم.

بشما بسیار تاکید میکنم که نمازهای پنجگانه تا نرابکمالترب
و پابندی اداء کنید و بدانید که مهمترین و افضلترین عبادات نماز بوده

بنی فواید مهمه دینی و دنیوی در آن موجود است تا می توانید نماز
های خود را در مساجد و به جماعت ادا کنید و نگذارید که از شما
قضا شود. همچنین در دیگر عبادات خویش که روزه ماه رمضان
و دادن زکات و حج بیت الله شریف و دیگر ارکان و احکام دینی
است هم سستی و تنبلی نکنید و بدانید که ایزد پاک از این چیز
هایی که بشما عرض کردم علیحده علیحده از شما در آخرت می
پرسد و در صورت عدم تعمیل، بدین امر از شما سخت باز
خواست میکند و هم شما توصیه میکنم که در اتحاد و اتفاق اسلامیت
و افغانیت خود بسیار سعی و کوشش کنید و بدانید که همه کامیابی و
مظفریت های مادی و معنوی شما مربوط به اخوت و مودت عمومی
شما است وقتی که شما با همدیگر در راه ترقیات ملت و مملکت و
اسلامیت خود گرمجوشی و همدردی نمودید معلوم است که همه برضای
خدا و رسول نایل میشوید و هم اولو الامر خود را که شما به اطاعت
و فرمانبرداری او مکلف میباشید از خود خوشنود ساخته اید علاوه
تا هیچ یک دشمن شرف و عزت شما نمی تواند که به آسانی از میان
شما مطلب خیانت و شرارت خود را پیش برده بتواند.
ملت هایی که به پریشانی مبتلا بوده نکبت و مذلت افتاده اند یگانه
سببش علیحده گی از هم و دیگر نفاق است. چیزی که اسلام را بدین
حالت رقت آورده نفاق است نفاق بسیار یک حصه مهمه
عالم اسلام را مظلوم و مقهور دشمنان، ساخته است.
نفاق بسیار یک چیز مخرب و مدهش خانه ویران است. از برای
خدا عقب اسباب نفاق و چیزهایی که در بین اسلام شقاق را می افکند
هرگز نگردید.

یکی از ارکان مهمه اسلامیهما و شما اقامه جهاد
و کوشیدن به مال و جان است. در اعلائی کلمته الله - خدا را شاکرم
که ملت غیور قندهار بلندتر از خیال من در جهاد اظهار گرم

جو شی دارند ، خورد و بز رگت زن و مرد شان شوق و شغف
فوق العاده شان را در امورغزانشان میدهند . و اثرات همین
جوش و خروش شما ملت غیور بود که به نعره های عدو کوب الله اکبر
و جمع آوری اظهار همت و مردانگی شدید خود یعنی استقلال را حاصل
و استر داد کرده توانستیم)

و در خطبه دو مین در مسجد جامع خر قه شریفه گفت :
(الهی برای ما امتان پیغمبر محبوبت توفیق استقامت شریعت
را نصیب گردان و تمام مکر و حيله دشمنان شرف و عزت و اسلامیت
مانا کامیاب ثابت نما . الهی ملت و مملکت افغانستان را به
ترقیات و مرا تبی که بلندتر از آن نباشد از لطف و مکرمت خود
موفق سازد .

الهی عسکر افغانستان را در هر میدان به مقابله اعدای شان
مظفر و فاتح و سر افراز و تمام ملت و مامورین و علما و سادات افغانستان
را که برای خیر و بهبود مملکت خود خدمت می کنند قرین لطف
و مکرمت خویش داشته با عزا زدارین شاد کام گردان .
الهی من عاجز خدمتگار افغانستان را که بجز از رفاه و ترقیات
ملت و مملکت خود دیگر آرزویی ندارم ، به مقاصدم کامیاب و فایز المرام
دار .

الهی عالم اسلام را ازین پریشانی و در ماندگی از فضل و مکرمت
خویش وار هانیده مانند قرون اولی به خدمات اسلامیه اوشان را
توفیق نصیب کن و تمام دولت های اسلامیه را از دست دشمنان و خیانت
کاران محفوظ دار .

•••

غازی امان الله شاه در خطبه نماز جمعه (هفت) عقرب سال
۱۳۰۴ شمسی در مسجد جامع خر قه شریفه واقع در قندهار که
خود امامت و خطا بت نمود گفت :
(عزیزان من ! همه تان بخوبی میدانید که تمام کائنات و سایر

موجودات دلیل برو جود ذات خداوند (ج) و شاهد معرفت کردگار است .

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفتر یست معرفت کردگار

پس هر قدری که در موضوع معرفت کردگار عرض نمایم با زحمت خواهش من و لزوم آن کم است . لهذا به همین یک فردا کتفا کرده فقط در بحث اتحاد و اتفاق که به جمعه گذشته اجما لا برای تان گفته بودم چیزی تو ضیحات میدهم . و در ضمن تو ضیحات و ارشادات فرمود :

(شما را به اتحاد و اتفاق زیاد توصیه میکنم . اما چه اتفاقی که صورت عملی داشته با وصف و صفات حقیقی خویش آراسته باشد از شما آرزو مندم که در بین تمام اقوام و طوایف خویش چندان ، مراتب اتحاد و اتفاق را قایم کنید تا افغانستان مرکز اتفاق اسلام و سلسله پیوند رشته اتحاد عمومی عالم اسلام گردد .)

وگفت : (به اشخاصی که دادوستد و معامله می نمایند طرز امانت و دیانت را اختیار و با همگان لطف و مراعات را روی کار آورده ، کسانی که به تکلیف و زحمات دچار باشند با آنها معاونت و همدردی و مریضان را پرستاری و تیمارداری و درماندگان را دستگیری و دلداری نمایید . که نتیجه و ثمره هر کدام از این عملیات و رفتار اتحاد و اتفاق را بوجود می آورد .

جمیع احکام و ارشاداتی که سرور کائنات به ما امتان خویش فرموده اند در هر کدام آن یک عالم خوبی و یک جهان باریکی موجود است . مثلا :

پیغمبر ما تاکید می‌دهد در محبت نمودن با همسایگان و ایفای حقوق آنان بر ما فرموده است (و در خاتمه خطابت گفت : (خداوند پا ک و در همین موضوع اتفاق به ما و شما چنین یک امر تاکید فرموده است که :

واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا - چنگ بز نید تمام تان به
رشته خداوندی که اسلامیت است و از هم مفارقت نجوید .
در موقعی که خداوند به ما امر اسلامیت را میکند و درین رهگذر به
ما هیچ اجازت تفرق و جدایی نمی دهد . هر کسی که در افغانستان
سکونت دارد بدون استثنا افغان و تمام طوایف و اقوام آن مسلمان
گفته میشوند و بشما تاکید میکنم اسلامیت را طره امتیاز و موجب
اعزاز خویش انگاشته تابتوانید برای قدرت و عظمت و بزرگی و
شوکت اسلام بکوشید و بدانید که همه ما و شما مسلمان و تمام سکنه
افغانستان یک افغان گفته می شویم و اولاد یک پدر می باشیم .
مراتب مودت و اخوت را بین خویش مستحکم کنید و کسانی را که برای
عزت و ترقیات تان بکوشند و شب و روز در خدمات تان سرگرم می
باشند بنظر احترام و تقدیر بنگرید) و گفت : (چیزی که عظمت و سطوت
و شوکت حقیقی را برای انسانی ها بهم میرساند ، اخوت و مودت و
محبت اتحاد و اتفاق و همدردی با همدیگر است و بس .

دردی که ازین پریشانی عالم اسلام بد ل دارم مرا مانند آتش
میسوزاند و هیچ طاقت اظهارش را ندارم .
و گفت : (بصدعجز و نیاز آرزو داریم که عالم اسلام را به مقررات
صحیحه اسلامی استقامت نصیب کند . و این گفتاری را که من عاجز
نمودم بی اثر نگذارد .)

و گفت : (الهی ما را بدان رفتار و کردار و گفتاری موفق گردانی که
در آن رضای تو و رضای رسول تو و رضای اشخاصی باشد که برای
سعادت و شرافت ما خدمت می کنند . خداوند دنیا یک محل فانی و
آخرت منزل لگانه جاودانی است ، سوال و جواب روز قیامت ما را
آسان و منزل آخرت ما را خوب بگردانی .)

و در خطبه دوم بعد از حمد و نعت و منقبت بزبان عربی گفت :
خداوند جهان اسلام را مانند یک دیوار آهنین به مقابل غلغله و
خیانت دشمنان شان بگردانی - الهی قوم نجیب افغان را بر ترقیات

وتعالیات که من عاجز خد متگا رشان بدل دارم ، موفق گردانی ، الهی
عسکر غیور افغانستان را در هر میدان مظفر و منصور و کامیاب
داری . الهی کسانی را که برای ترقیات و سعادت افغانستان خدمت
می کنند همه شان را معزز داری داشته خودت مددگارشان
باشی .

خداوندان خودت بهتر میدانی که مسلك این بنده عاجزت به مقابله
تو او امر محض تسلیم است و بس . اگر به بخشی مرحمت است
و اگر پرسی شکایتی ندارم . اگر جنتم دهی لطف است و اگر بدوزخم
افگنی رضای تو می جویم .

من از خود اراده و اختیار ندارم فقط خورسندی تو می خواهم و
رشته رضا ، خودم را بدست قضای تو می سپارم ، هر فرد اسلامی در
تمام عملیات خود باید عدالت کند و بر احدی ظلم و تجاوز و زیادت نه
نماید و کسی را بنظر حقارت ننگرد و در داد و ستد برابری و انصاف
نماید و باز دستان خود شیو مساوات و یگرنگی را مرعی دارد .

* * *

غازی امان الله شاه بروز جمعه (چهارده) عقرب سال ۱۳۰۴
شمسی در مسجد جامع خرقه شریفه در قندهار که خود مطابق همه وقت
وظیفه امامت و خطابت را داشت ، بعد از حمد و نعت بزبان عربی -
مطالبی بیان کرد که اینک خلاص آنرا درج می نمایم :

(به همه شما معلوم است که اسلام يك دين مقدسی است و اولین
مسلك و مذهب مهدی که در تمام کائنات برای رفاه و بهبود انسان
ها شرف نزول فرموده است همین دین مبین محمدی است که همه
پیروان خود را بيك قانون درست و نظام خوب راهبری میکند.)

و گفت : (ایزد پاک در تعریف دین اسلام میفرماید که اسلام يك
دين مكمل و پیروی آن موجب سرفرازی دنیا و رستگاری آخرت
است) و گفت :

بر هر مسلمان واجب است که اسلام را بلندتر از پدر و مادر و تمام کائنات بداند و هیچ چیز را به مقابل اسلام اهمیت ندهد و تمام ما گرویده شریعت بوده سلسله اسلامیت خود را مربوط نمایند .
در دوره حکومت من قوانین که وضع و ترتیب شده اند تمام همان احکام قرآن پاک و رسول اکرم بوده مطابق به مذهب شریف حنفی است .

و گفت : (در نظامها همه راه و آبادی و آسوده حالی غریبترین و عاجزترین طبقه ملت افغانستان زیر نظر گرفته شده است . اساس فکر من تنها بیداری و خبرداری عامه ملت از حقوق خویش و خوبی و آسوده حالی عمومی می باشد . فقط برای بدست آمدن همین مطلوب نظامات موجوده را وضع کردیم تا دست ظالمان و متجاوزین از سر مظلومین و بیچارهگان کوتاه باشد .)

و گفت : یگانه علاج این درد و وسیله دیگر ترقیات و بهبودی های شما علم است .

و گفت : (اختلافات و پیریشانیها که تماما نتیجه بی علمی است مرا از حد زیاد زیر تاثیر آورده است و شبانروز کوشش دارم تا ملت خود را از این مغاک تیره و تاریک برون آورد . به انوار علم و عرفان ایشان را راهنمایی کنم . لهذا از یکطرف برای شان نظامات و قواعدی را وضع کرده ام تا از طبقه موجوده ملت افغانستان دست اذیت کوتاه شده تماما بواسطه تحقیقات و عمل نمودن آن از مضرات برکنار و با مسرت سردچار شوند و از جانب دیگر مکاتب و مدارس متعددی را در تمام گوشه های مملکت خودشان گشاده ام تا طبقه آینده مردم افغانستان عالم و دانسته شده خوبتر ، ازین نظامات و قوانین موضوعه ام استفاده کرده بواسطه علم و عرفان نه تنها درد های ملت افغانستان را دوا بلکه به ترقیات و تعالیات ، موجوده جهان نیز آشنا شده این زحمت کشی مرا که برای آبادی و بهبودی افغانستان مینمایم تقدیر خواهند کرد .

نظا منا مه برای عموم شما آزادی اسلامی و حریت شخصی تا ن را اعطا کرده است و شما را از سایر پریشانی و درمانده گی نجات بخشیده است .

(به آتیه اولاد خویش دلسوزی کنید و آنها را به مکاتب بفرستید تا عالم و دانسته شده برای شما و ملت و مملکت خود خدمت کنند .)

وگفت : (امروز در دنیا تو پهای موجود است که بیست میل خاک دشمن را زیر آتش می گیرد و طیاره ها یی ساخته شده که از تمام حرکات و سکنات رقیبان خود کشفیات میکند . مقابله تو پ با سوته و چوب ممکن نیست پس ضرور است که ما و شما هم بالمقابل آن قوتی داشته باشیم و از کید و حيله دشمنان خود غافل نشویم و پی تحصیل علوم همت گماریم ، تا ما هم از یمن آن دارای توپ های دور زن و طیاره و دیگر آلات و ادوات حربی باشیم .

اگر چه عقاید ما مسلمانان بلندتر است و از برکت همین عقاید اسلامیة همه وقت به معاونت خدای (ج) و روحانیت رسول الله (ص) می توانیم که دشمنان شرف و عزت خود مان را عقب بنشانیم چنانچه بار بار امتحان داده ایم . باز هم اگر قوه ظاهره و معنویات و ثروت ما هم درست باشد . معلوم است که از همدستی و اجتماع این دو قوه ظاهری و باطنی به بسیار خوبی می توانیم دشمنان خود را پسپا کنیم و مطلب مقدس خود را از اوشان به آسانی بگیریم .)

وگفت : (به مجردی که او لادافغان خواننده و نویسنده شدند گویا کلید تمام علوم و فنون را یافتند و پس از آن برای آنها بسیار سهل و آسان است که هر علم و فنی را که خواهش داشته باشند در دیگر مکاتب عالی تحصیل کنند .)

وگفت : (همین اولاد شما که تعلیمات ابتدایی خود را تکمیل کردند عالم و متخصص هر فن شده می توانند .)

وگفت: (مال دنیوی ضامن سعادت آینده اطفال افغان در صورتی که بی علم و بی کمال باشند . هرگز شده نمی تواند).

وگفت: (داشتن علم و کمال يك برابر بالای مرد و زن از طرف خدا فرض است . پس متساویانه در تعلیم پسران و دختران خود بگوئید و بدانید که احکام و اوامر دینی و مذهبی بالای زن و مرد یکسان فرض است). و گفت: (موفقیت ما جای امید مسلمانان جهان است).
وگفت: (خدایا الفاظ عاجزانه ام را که برای ترقی و بیداری ملت افغانستان میگویم موثر گردان . خدایا به عامه ملت افغانستان توفیق را رفیق بگردان تا اولاد خود را به مکاتب داخل کنند و از فیوضات تعلیم بهره و رشوند .

خدا به برکت رسول مقبولت افغانستان را سبب نجات عالم اسلام گردان و به ما توفیق خدمت عالم اسلام را عطا فرما).

* * *

در خطبه دوم گفت: (خدایا ملت نجیب افغانستان را توفیق رفیق فرما تا برای ترقی و تعالی این نقطه مقدسه اسلامیة بجان و دل بکوشند و تمامی مساعی و کوششهای شان را در سرسبزی و آبیاری این مملکت خود مصروف دارند . و به ترقیاتی که آرزو و خواهش این خدمتگاران عاجز شان است کامیاب شوند .

الهی تمام مامورین و سادات و علما و مشایخ و ملت افغانستان را که در حفظ و حمایت و عزت و شرافت مملکت خود کوشش می کنند و جان و مال خود را نثار می فرمایند در دین و دنیا سر فراز و نیک نام فرمای و عسکر افغانستان و کسانی را که برای اسلام و افغانستان خدمت می کنند و آرزوی ترقیات او را بدل می پروراند در هر میدان فاتح و سر فراز و ممتاز گردانی .

الهی این عاجزان را که به جز از عشق آبادی ملت و سرسبزی مملکت خود دیگر تمنا بی بدل ندارد به مقاصدش موفق گردان و دیگر دولت های اسلامیة را در حفاظت و حراست خود نگهدار و تمام اقوام تبعه دولت

های اسلامی را براه هدایت خود ترا هنمایی فرما تا از شر بدخواهان و دشمنان خویش محفوظ بمانند .

الهی به بسیار عجز و نیاز التجامی کنم که افغانستان را موجب سعادت عالم اسلام و سبب نجات و اتحاد و اتفاق اسلامیان بگردانی و از آسیب و شرور خائنین داخلی و خارجی او را همیشه نگهبانی فرما .

* * *

امان الله شاه - در ادای نماز جمعه (بیست و یک) (عقر ب ۱۳۰۴ شس در جامع خر قه شریفه که خود اما مت و خطا بت را بر ذمت داشت، در مسایل جهاد توضیحات داد گفت: (او امر پرور دگار تان را برای شما توضیح و ابلاغ میدارم . معلوم است که جان و مال ما مسلمانها از طرف خداوند تعالی برای اعلائی کلمته الله و حفاظت دین و وطن مخصوص گردید . است .)

و گفت : (در صورتیکه ما و شما از تعلیم نظامی بی بهره و از تربیه و دانستن امور حربی و فهمیدن اصول تعرض و مدافعه آگاه و با خبر نباشیم و قبل از وقوع واقعه در صدد علاج آن نبر آییم . نخواهیم توانست که یک مقابله درستی با دشمن بکنیم .

خدمت عسکری در واقع عمل کردن است به همین آیه شریفه (وجاهدوا با موا لکم و انفسکم فی سبیل الله) و فایده رسانیدن است برای اسلام و نوع انسان و ملت و مملکت خویش . بهترین چاره و وسیله بی که برای تعمیم تعلیم نظامی و کثرت خدمات عسکری در دنیای موجود سنجیده شده همانا همین طریقه نفوس است که در نظر منامه آن توضیح یافته است .)

و گفت : (در مسایل زکوت برای شما تاکید زیاد می کنم تا بتوانید هر ساله قرار فرموده پروردگار در اعطای زکوت اموال خویش بکوشید .)

وگفت : (مقصد از فرضیت زکوت آن است تا ماوشما ز کوة
لموال خود مان را هر ساله برای رفاه و آرا می فقرا و غربا، و بینوایان
و بیچاره گان مملکت خو د بدهیم).

امان الله شاه - در خصوص فواید زکوت و واردات قندهار سخنان
زیاد گفت و خطبه اول را خاتمه داد و در خطبه دوم بعد حمد و نعت
و منقبت بزبان عربی گفت : (حال ادعا می کنم که خداوند برای ماوشما
و تمام ملت افغان توفیق نصیب کند تا برای خیر و بهبود عالم اسلام
خصوصا افغانستان خدمت کنیم و سبب بیداری مسلمانان یابی که به
خواب غفلت رفته اند ماوشما شویم).

و ادعیه خالصانه بسیاری در حق عالم اسلام نمود و در اخیر گفت :
(الهی پنجه های خونین دشمنان شرف و عزت افغانستان و عالم
اسلام را از لطف و مکرمتی که با ماداری از سرما دور گردان و تمام
تشبثات معاندا نه شان راناکا م ثابت بگردانی).

غازی امان الله شاه - صبح یکشنبه (بیست و سه) عقر ب
۱۳۰۴ شمسی از قندهار به قصد کابل حرکت نمود .

غازی امان الله شاه - در خصوص احترام مقام خرقه متبر که واقع
در قندهار فرمانی به عنوان متولی و نایب الحکومه قندهار نوشت و
در حفظ و نگاهداری آن مقام مقدس و حقوق ارباب تولیت و وجوه
صدقات و نذورات تاکید فرمود .

محمد حق آخند زاده متولی در برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی به نگارنده
این کتاب (عزیز الدین و کیلی پوپلزایی) حکایت نمود که فرمان
دستخطی غازی امان الله شاه در نزد ما موجود است .

اهداء پوش جدید

برای صندوق خرقه شریفه

سرور سلطان علیا حضرت سراج الخواتین - والده غازی امان -
الله شاه - در برج میزان سال ۱۳۰۴ شمسی - به همراه پسر بزرگ
ونابغه خود در یک روز وارد قندهار گردید . و به تاریخ (نزده) میزان
یعنی در روز اول و روز خود به قندهار - به زیارت خرقه شریفه
نبویه (ص) مشرف گردید و پوش خیلی زیبا و نفیسی را که در کابل
بامصارف و دقت نهایت زیاد در تحت نظر خود باین حسن نیت و
حرمت تهیه نمود و از کابل احتراماً با خود به همین عزم خالصانه برده
بود - به آن بارگاه مبارک مقدس اهداء نمود .

و بعد ادای آن مراسم در صحبته میدان پیش روی دالان زیارت خرقه
شریفه و هم در طول جاده آن بارگاه که تعداد زیادی از قندهار یان
برای ادای احترام استاده بودند علیا حضرت معظمه موصوفه
نطقی نمود و گفت :

(عزیزان من! الحمد لله که بعد از بسیار آرزو ها چشمم بدیدار تان روشن شد و وطن خود قند هار را دیدم . بعض شما برای من بمنزله عمو و بعضی بمثابه برادران و بعضی اولاد می باشید . و ازین گر مجوشی شما اظهار بسیار ممنونیت می کنم .

برادران من ! عالم اسلام از اتفاق ترقی کرده بود و رخنه هایی که دشمنان دین ما و شما در بین اسلام پیدا کردند از نفاق است باید پوره حس کنیم تاهتمان اتفاق برپا گردد و خاک پاک افغانستان که برای ما و شما اولاد وطن امید ترقی و تعالی دارد به تعالی برسد . شکر گذارم خداوند خود را که به کوشش های جوانمردانه امان الله فرق بسیار پیدا شده است . از خداوند کریم طول عمرش را برای خدمت شما ملت افغانستان میخواهم باقی از خالق خود التجا می کنم که چنان اعمال در دنیا از شما عزیزان ظا هر شود که روز محشر بحضور خداوند سرخ رو باشید .

* * *

عبدالعزیز خان وزیر دا خله (ابن معاذ الله خان بارکزایی از بنی اعمام علیا حضرت موصوفه) کلمات علیا حضرت صاحبه را با دقت استماع نمود و به زبان پشتو با آواز بلند به عموم حاضرین بیان می نمود . علیا حضرت موصوفه دفعه دوم در دهه اخیر برج جدی سال ۱۳۰۷ شمسی وارد قند هار گردید و در اول ورود به زیارت خرقه شریفه مشرف شد و بسیار صدقات و نذورات نمود .

شرفیابی امان الله شاه به زیارت خرقة شریفه در ایام قبل و بعد از سفر آسیا و اروپا

غازی امان الله شاه به تاریخ چهارشنبه (هشت) قوس سال ۱۳۰۶ شمسی وارد قندهار گردید و صبح جمعه (هفده) قوس ۱۳۰۶ شمسی از روضه باغ (مقام خرقة شریفه) به طرف قلعه جدید حرکت نمود. در ایام هشت روز اقامت در قندهار دوبار جمعه (ده قوس) و جمعه (هفده) قوس به زیارت خرقة مطهره مشرف شده ادعیه خالصانه در حق عالم اسلام و افغانستان نمود. و بعد ادای مراسم احترام به آن زیارت گاه مبارک و مقدس - از گروه علما و اتقیاء که اهل تولیت نیز حاضر بودند دعا گرفته به سفر دوازده کشور آغاز نمود.

بعد طی سفر آسیا و اروپا از طریق هرات به تاریخ (پنج) برج سرطان سال ۱۳۰۷ شمسی وارد شهر قندهار و پس از آن استراحت به زیارت

خرقه حضرت سید لولاک (۱) صلی الله علیه و علی آله واصحابا به وسلم
مشر ف شد و بانهایت احترام و تعظیم و ادعیه و شفقت و مروت
باحوال اهل تولیت آن آستان و عموم علما و سادات نطق موثر نموده از
مقام سفر خود چنانکه در برج قوس سال گذشته بیان کرده بود، از
گزارش سفر خود شرح داد و گفت:

اگر روی دنیا را بگردیم ازین سعادت بیشتر نمی یابیم که
بحمد الله تعالی مسلمان و بدین و ایمان خود کاملاً پابند و پیر و
حضرت خیرالبشر و ختم المرسلین می باشیم و این حسن اعتقاد ما
باین خرقه معظمه بر اساس همان صدق دیانت است که قرآن کریم
به ما کافه عالم اسلام ارشاد فرموده است:

(وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل) - چون ما به جبل -
المتین دین مبین دست زده ایم و ایمان و اعتقاد کامل داریم امیدواریم که در
اساس و بنیاد هستی اسلامی و افغانی ما هیچگاه ضعف و مذلت نخواهد
رسید چرا که خداوند بزرگ (ج) خود حافظ و ناصر اسلام است:
و به فرموده حضرت سید عالم (ص) مو من کامل کسی است که
آزار او به همسایه نرسد. ما حقوق همسایه گی را در همه وقت
رعایت کرده ایم و می کنیم. و ازین سفر تجربتی که آموخته و اندوخته
ام اینک افغانستان دارای استقلال را همه جهان به حیث
مسلمان حقیقی و پابند تمام آن رسوم دینی و مذهبی و اعتبار
عنعنات افغانی آن می شناسند و خوب تر نیز شناختند. زنده باد افغانستان

(۱) لولاک اشارتست به (لولاک لما خلقت الافلاك) به معنی اگر نمی
بودی تو البته نه پیدا می کردم افلاک را - و این حدیث قدسی است و
حدیث قدسی آنرا گویند که آن حضرت «ص» رابه خواب و حسی
رسیده باشد.

و پاينده باد استقلال آن و شادو آباد باد ملت مسلمان آن .

از خدا خواهيم توفيق ادب بي ادب محروم ماند از فضل رب

* * *

يا صيب الجمال يا سيد البشر من و جهك المنير لقد نور القمر
لا يمكن الثناء كما كان حقه بعد از خدا بزرگ تویی قصه مختصر

* * *

بلغ العلى بكما له كشف الدجى بجما له
حسنه جميع خصا له صلوا عليه و آله

ده نماز جمعہ در مسجد جامع

خرقہ شریفہ

امان اللہ غازی - به فتوا و مشورت عموم اقوام قندھار که از تاریخ پنجشنبه (بیست و هفت) برج جدی سال ۱۳۰۷ شمسی تا پنجشنبه (۴) برج دلو سال مذکور در سلامخانه قندھار ادا مہ یافت. بنا بدر خواست مردم مجدداً قبول پادشاهی نمود. زیرا کہ اقوام قندھار خلع اورا از سلطنت و پادشاهی برادرش عنایت اللہ خان را نہ پذیرفتند و رای عمومی بدان قرار گرفت کہ امان اللہ شاہ مجدداً اعلان سلطنت نماید و با خذ بیعت از مردم حاضر شود. امان اللہ شاہ از مردم بیعت و عہدہ موکد بہ سوگند گرفت و گفت: سلطنت من ہمیشہ دولت و سلطنت اسلامی شرعی بود و حکومت قانونی گذشتہ من از روی نظاماتی کہ نشر کردہ ام پورہ معلوم میشود و الان ہم بعین اساس و مطابق بہ مقتضیات اسلامی و افغانی و بہ طوری کہ ہمیشہ در این جامع خرقہ شریفہ بیان کردہ ام جاری بودہ و عہد میکنم کہ جداً

واکیدا پیرو جمیع احکام دین حضرت سید المرسلین بوده در حفاظت اساسات دین و خاک وطن و استقلال کامل آن تا دم آخرین و مطابق به مشورت شما مردم مسلمان خدمت کنم. اهالی قندهار مجددا بیعت کردند و روز جمعه (پنج) دلو ۱۳۰۷ شمسی در خطبه نماز جمعه در مسجد خرقه شریفه نام امان الله شاه خوانده شد (وچنانکه روز جمعه (بیست و هشت) جدی در خطبه نماز جمعه نام هیچ یک پادشاه، خوانده نشده بود).

امان الله شاه در همین روز بعد از نماز جمعه در جامع خرقه شریفه مطابق رای و اتفاق علماء و مشایخ و اهل تولیت خرقه شریفه و عموم بزرگان اقوام قندهار مصمم لشکر کشی به طرف غزنی و کابل گردید.

مخالفین در اواسط برج دلو سال ۱۳۰۷ شمسی از جلوس ثانی امان الله شاه و مراسم مسجد جامع خرقه شریفه خبر یافتند و در پی آن شدند که از کابل تا کلات مواعین ایجاد کنند.

امان الله شاه از تاریخ پنجشنبه اول حمل سال ۱۳۰۸ شمسی (نه شوال المکرم ۱۳۴۷ق) با عزائم عساکر به طرف کلات و مقر و غزنی آغاز فرمود و خود به تاریخ سه شنبه (شش) حمل ۱۳۰۸ شمسی به زیارت خرقه شریفه شتافت و دعا نمود.

یعنی امان الله شاه از تاریخ جمعه (بیست و هشت) جدی سال ۱۳۰۷ شمسی تا روز جمعه (نه) حمل ۱۳۰۸ شمسی نمازهای جمعه را در مسجد جامع خرقه شریفه در قندهار ادا می نمود و ادعیات و مواعظات او در حق عالم اسلام و افغانستان جاری و از روحانیت حضرت سرور کائنات (ص) برای خیر و بهبود حال و استقبال افغانستان استمداد می جست.

اول شوال المکرم سنه ۱۳۴۷ هجری قمری یعنی اول عید سعید

فطر که بروز چهارشنبه (بیست و سه) برج حوت سال ۱۳۰۷ شمسی تصادف نمود. امان الله شاه نماز عید را به همراه شهریان قندهار ادا نمود و موعظاتی خیلی سودمند فرمود و مردم را به اتحاد و اتفاق کامل توصیه و همان گفتارهای سابقه خود را تکرار نمود.

وخلص باید گفت که: از برکات همان حسن نیت بود که خودش و خاندانش از میان آتش نجات یافته به امانت و سلامت گذشتند و تا آخرین لحظات حیات از حال و احوال ملت مسلمانان افغانستان غافل نبود. در کعبه مظمه و همه جا دعا نمود.

به تاریخ یکشنبه (۶) حوت سال ۱۳۰۷ ش (چهارده رمضان ۱۳۴۷ ق - بیست و چار فبروری ۱۹۲۹ م) خرقه شریفه نبویه (ص) از زیارتگاه آن برآورده بانظار علماء، سادات، مشایخ و به حضور اهالی قندهار جلوه داده شد. و از آن تاریخ اهالی قندهار قصد لشکر کشی برای طرد قوای جهل نمودند.

پوش صندوق خر قه شریفه

پوش صندوق مبارک خر قه معظمه در مرور دو صد و بیست و پنج سال چند بار با مصارف و حسن عیاق و دقت زیاد از طرف دولت افغانستان ترتیب و تجدید شده است. و در دفعات اخیر یکبار در سال ۱۳۰۴ شمسی از طرف علیاحضرت والده غازی امان الله شاه و دفعه دوم در سال ۱۳۲۸ شمسی از طرف دولت افغانستان تجدید شده است.

یاد داشت :

خر قه شریفه در شهر صفر المظفر سنه ۱۱۸۲ قمری به ولایت وردک پرتو و صول بخشید و دروازه نوری محل خر قه شریفه هنوز زیادت گاه است. و در همان شهر صفر المظفر سنه ۱۱۸۲ قمری (جولای ۱۷۶۵م) به شهر غزنی پرتو و وصول افگند و به تاریخ نهم ربیع الاول ۱۱۸۲ قمری - اگست ۱۷۶۵م) به شهر جدید قندهار پرتو و وصول و برکات بخشید.

القاب متولیان خر قه مشرفه

مردم عرب - متولیان خر قه مشرفه که رابه لقب شیخ یاد کرده اند و بعد از انتقال خر قه معظمه از بغداد به ماوراء النهر (سمر قند) به خطاب خواجه و جمع متولیان خواجگان یاد شده اند و تا سالیان که این امانت نهایت بزرگ در خطه بدخشان پرتو نزول داشت .
متولیان آن به لقب خواجگان مشهور و موصوف بودند (سنه ۱۱۸۱ هجری قمری) .

بعد از انتقال به خطه زیبای کابل و وصول به قندهار قهرمان - امپراتور بزرگ افغانستان احمد شاه در دران به حسب اصطلاح قبایل محترم قندهار که علما و روحانیون آن دیار را آخوند و اولاد واحفاد عالمان بزرگ را آخوند زاده می ستایند .

برای اهل تولیت خر قه مشرفه مشرفه مشرفه که که اصلاً از ارغسان و از خانواده روحانی و به احتمال قوی در سفر میمنت اثر بدخشان (سنه

۱۱۸۱ق) و شرف حمل و نقل خرقة شریفه (دوبرادر عبدالحق و مولاداد پسران حاجی ملا شکر ابن حاجی ملا زال) همراه بودند - از تا ریخ (بیست و شش) محرم الحرام سنه ۱۱۸۳قمری آخوند زاد ه لقب داد ه و جمیع افراد این خانواده اهل تولیت به خطاب آخوند زاده موصوف و تاحال (برج جو زای سال ۱۳۶۶ شمسی - شوال ۱۴۰۷ قمری) به همین خطاب ا تصاف دارند . و در تمام ارقا م واحکام دولت و حکومت افغانستان به همین خطاب بزرگ آخوند و آخوند زاد ه یاد شده اند .

وترجمه آن القاب ازین قرار است :

۱- شیخ به معنی خواجه و پیر .
۲- خواجه به معنی خدا و ندو در ملك توران (یعنی ماوراء النهر و هم ولایات شمال افغانستان) القاب سادات است . و در بعضی فرهنگ ها خواجه به معنی وزیر دانسته اند و این لفظ ترکی است . و بهر صورت لقب بزرگ و برای بزرگان علم و ادب و ورع و تقوی استعمال شده و میشود .

۳- آخوند - به معنی استاد و معلم .
چون خاندان متولیان قندهاری شانزده نفر ایشان بشر فادای فریضه حج نایل شده اند و هم صفت علمیت و روحانیت دارند و هم اینک از سنه ۱۱۸۲ق تا سنه ۱۴۰۷ق پیوسته به خدمت تولیت آن زیارتگاه بزرگ نسلا بعد نسل خدمت کرده اند . حقوق علمیت و فضیلت ایشان تا امروز در نزد مردم مسلمان افغانستان معنا و هم رسماً بهر دوره حفظ و حرمت شده است .

خاندان متولیاں خرقہ شریفہ

در قندهار

برای اینکه سلسله نسب افرا داندان متولیاں خرقہ مشرفہ
عظمره در قندهار در این رساله تاریخیه ثابت بماند - فهرستی را
که در برج حمل سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خود آن زیارت و از زبان
چند نفر موسفید آن خانواده شنیده و در قید مسودات آورده ام در این
صحیفه تصریح میدارم :

آخوند زاده حاجی عبدالحق و آخوند زاده مولاداد پسران حاجی
ملا شکرابن حاجی ملا زال از قبیلہ یعقوب زایی طایفه الکوزایی
در عهد احمد شاه در دران د ر قندهار میزیستند . به تاریخ
(۲۶) محرم الحرام سنه ۱۱۸۳ هجری قمری . حاجی عبدالحق
الکوزایی به قرار فرمان آن امپراتور بزرگ افغانستان برتبه رفیع المرتبه
تولیت خرقه متبرکه واقع در قندهار مقرر گردید . و او در سنه ۱۲۱۴
هجری قمری و وفات یافت و در همین سنه پسرش حاجی حفیظ الله به
فرمان امپراتور زمانه برتبه رفیع الامر تبه تولیت خرقه

متبر که مقرر گردید. و نام های پسران و نواده گان آن دو مرد با فضیلت در این سلسله نگاشته میشود.

از آخوند زاده حاجی عبدالحق چهار پسر - حاجی حفیظ الله - حاجی نعمت الله - ملاولی محمد - حاجی عبدالغیاث ، به جا ماندند .

از حاجی حفیظ الله - حاجی عبدالوهاب و از وی حاجی محمد نعیم و از وی حاجی غلام قا در آخوندزاده وارث شدند .

از حاجی غلام قادر چهار پسر :

غلام حیدر - محمد صدیق - عبدالرحمن - محمد نبی - بجا ماندند .

از ملا غلام حیدر آخوندزاده پنج پسر :

محمد نعیم - عبدالکریم - فدا محمد ولی محمد ، عبدالمنیر ، وارث

شدند .

از محمد عثمان آخوندزاده محمد صدیق و از وی حاجی عبدا -

لحمید و از وی حاجی عبدا لرزا ق وارث شد .

(و این شخص اخیر به عمر هشتاد سالگی تا برج حمل سال ۱۳۴۱

شمسی حیات داشت) .

از محمد صدیق ، آخوندزاده (ابن حاجی غلام قادر) سه پسر :

محمد رفیق - حبیب الله - عبید الله - وارث شدند .

از عبدالرحمن آخوندزاده چهار پسر :

خیر محمد - عبدالله - خلیل الله - محب الله - وارث شدند .

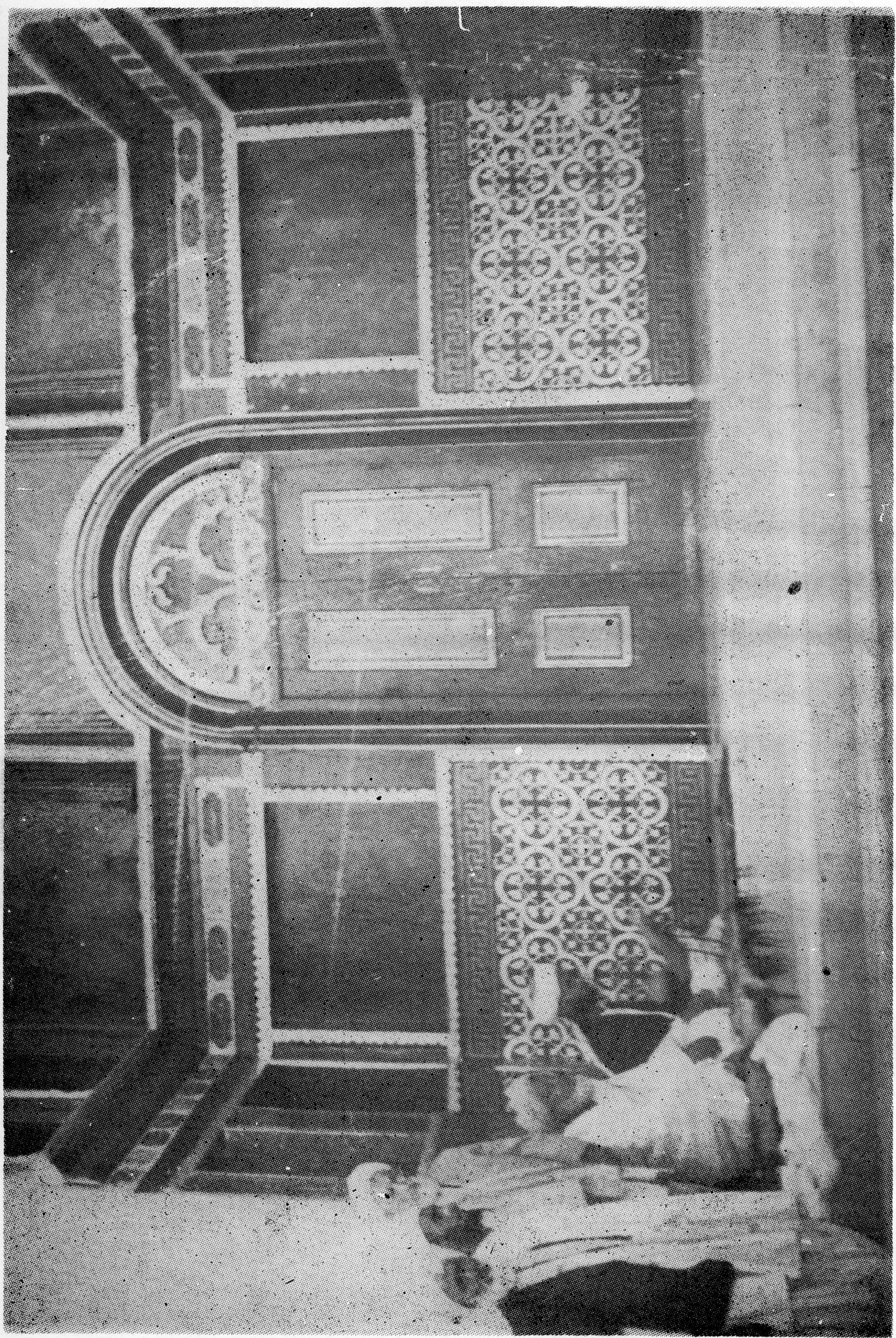
از خلیفه محمد نبی آخوندزاده (ابن حاجی غلام قادر) دو پسر :

شرف الدین - محمد سعید - به جا ماند .

(خلیفه محمد نبی آخوندزاده هشتم (نزد) ثور سال ۱۳۶۶

شمسی در داخل زیارت خر قه شریفه بدرجه شهادت رسید) .

از حاجی نعمت الله آخوندزاده حاجی محمد اعظم و از وی حاجی



مولوی حاجی عبدالحق آخوندزادہ سر متولی خرقہ شریفہ (قند ہار) وھیأت ارباب تولیت در برج حمل

۱۳۴۱ شمسی

محمد سرور وازو ی - محمد صادق و محمد اسمعیل - وارث شدند .
از محمد صادق آخوندزاده دو پسر : محمد عمر - صالح محمد ،
وارث شدند .

از محمد اسمعیل آخوندزاده سه پسر :

محمد اسحق - محمد موسی ، عبدالستار ، بجا ماندند .

از حاجی رحمت الله (ابن حاجی عبدالغیاث آخوندزاده)
حاجی محمد رفیق وازو ی حاجی محمد حق آخوندزاده وارث شد .
(و این شخص اخیر در برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی به قید حیات
وصحت و بزرگی و سرکردگی هیات متولیان خرقة شریفه شناخته
میشد) .

* * *

آخوندزاده حاجی عبدالحق متولی - در سنه ۱۲۱۴ قمری وفات
یافت و در حصه تخته پل ارغسان بخا ک سپرده شد - مرقد مرحوم
نمایان و بنام زیارت سفید مشهور و زیارتگاه است .
حاجی مولا داد آخوندزاده (ابن حاجی ملاشکر) در علاقه میل واقع
قریه مدد خان اچک زایی مدفون است .

این شخص رتبه تولیت نداشت و اما اینکه از اهل علم و عرفان
در عهد احمد شاه بزرگ و هم اینکه سوابق خرقة شریفه را ضمناً
مکتوبی از جناب میا فقیرا لله شکار پوری سوال نموده بود
اسمش در ماخذ مانده است .

علی جان آخوندزاده - متولی خرقة شریفه که مرد عالم - متصوف
و متقی بود به تاریخ جمعه (پانزده) شعبان المعظم سنه ۱۳۶۱ قمری
در قندهار وفات یافت .

دفن حکمران قندهار

در محوطه خرقه شریفه

سر دارمحمد امین خان حکمران قندهار که خد متگار خرقه نبویه و اخلاصمند اهل تولیت آن زیارت بود در سنه ۱۱۸۲ قمری و صیت کرده بود هر وقتی که فوت شویم مرا در زیر ناوه بام زیارت خرقه شریفه دفن کنند که آب بام این زیارت بالای قبر من بریزد. مذکور به تاریخ سه شنبه (یازده) شهر محرم الحرام سنه ۱۲۸۲ قمری در ترنگ کلات در جنگ کشته شد. جنازه او را در قندهار نقل دادند کسانی که و صیت او را، شنیده بودند، در آن روز حاضر نبودند و سایر نفری او را در صحن میدان سمت شرق خرقه شریفه بخاک سپردند.

یعنی هر قدری که در پیش روی وی دالان خرقه شریفه دیده میشود قبر سر دار محمد امین خان برادر سکه امیر شیر علی خان است که دیر وقتی حکمران قندهار و در تعمیر و ترمیم شهر و مقابر تا حد توان خدمت کرده بود و خود را از خدام اهل تولیت خرقه شریفه می دانست.

حکمنامه هادر خصوص وظيفه متولیان

خرقه شریفه

سردار محمد امین خان حکمران قند هار نوشته است :
(عالیجاه ناظر امیر محمد خان به عافیت باشد ! مبلغ يك تومان
وهشت صد دینار برات نقد از بابت مالیات هذه السنه پیچی ٹیل و جوه
دکاکین عوض و وظیفه متولیان خر قه مبارک رسانیده مجرا و محسوب
دانید تحریر فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۷)
(محمد امین)

در پشت ورق حکمنامه مذکور سه مهر کوچک دارای این عبارات
موجود است :

۱- عبدالعلی

۲- سید نور محمد

۳- صوبه سنگ سنه مهر ۱۲۹۳

* * *

حکمنامه دوم

(درین وقت در خصوص يك تکه زمین میان جوی شاه واقع

مزرعه که در تصرف متولیان خر قه شریف میباشد بدون وظیفه متولیان عمده سرکار که مالیه آن تعلق سرکار دارد همان تکه مذکور سه حصه می باشد - دو حصه از فیضلت پناه ملا فصیح الله آخوند زاد می باشد احدی از متولیان و غیره غرض و دخل نداشته باشید به زمین نامبرد و اختیار زمین خود را خود دارد .
به قرار سر رشته تحریر فی شهر ذی قعد ۱۲۷۵ (سنه)

(محمد امین)

سردار محمد امین خان حکمران قندهار که در شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۷ قمری در یکی از اسناد مهر کرد و نقش مهر او باین سجع بوده است :

نوشته است كلك قضا بر نگین که شد در دو عالم محمد امین

* * *

در شهر ذی قعد ۱۲۷۸ قمری امیر دوست محمد خان وارد قندهار شد و سردار محمد اسمعیل خان ابن سردار محمد امین خان را به حکومت قندهار و سید نور محمد شاه پیشینی را به نیا بتش گماشت . و ملا عبدالسلام خان ابن ملا محمد سعید خان را به قضای قندهار مقرر نمود و قاضی موصوف در خصوص خر قه شریفه و ثقیله نوشته که نقش مهر و عبارات او این طور است :

خاک پای تو یارسو ل انا م سرمه هر دو چشم عبدالسلام

۱۲۷۲

(قبض دارد و قبول نمود متولیان خر قه مبار که بر اینکه مبلغ سیزده تومان هشت هزار نهصد و هفتاد دینار و نود و پنج تومان نه هزار ده دینار برات غله عوض و وظیفه هذاه السنه تخا قوی ثیل سال مرغ به قرار سال مذکور به معرفت کارکنان دفتر واصل دعا شوند فی شهر صفر سنه ۱۲۷۸).

امیر عبدالرحمن خان با احترام خرقه شریعه (قند هار) حکمنامه‌یی
باین عبارت نوشته است :
(داکی های تنها نه ده حاجی و غلام جان آخند زاده و عطا محمد
بارکزی و بهاء الدین قرین صحت باشد - در خصوص سیورسات
عبدالله جان آخند زاده مالکی سوخته که آنچه حصه سیورسات
آخند زاده مذکور از داکی هامیشود نامبرد ه را غرض ودخل نداشته
واگذار باشید . چرا که آخند زاده مذکور از سیورسات معاف و مرعوع
القلم بودند و می باشند - لازم آنکه سیورسات شمارا دیگر جای بشما
عوض میدهیم و زیاده طلبی نکنید. درین خصوص تاکید دانید تخلف
نورزید .

(تحریر فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۰۲) .
«مهر حکم علاقه قند هار»
(امیر عبدالرحمن)

حکمنامه ثانی

(ملا زمان سرکار و ملکان قریه پایمال را واضح خاطر باد !
در خصوص احمد جان آخند زاده و غلام قادر آخند زاده متولیان
زیارت خرقه مبارکه که در قریه مذکور سکونت دارند کاغذ به مهر
حکومتی سابقه بدست دارند که بدون مالیه از دیگر تکالیفات مثل
سیورسات و جرم مقتول که از مردم سکنه قریه مذکور سابق
ازین مبلغ تحویل شده خلاص میباشند . لهذا الحال نیز مرقوم
میشود که به آخند زاده های مذکور از بابت سیورسات تکالیفات
غرضدار نشده و اگذار باشند و مالیات خود هارا از قرار رجه دفتر به حواله
دارسرکار والا میرسانند . از بابت سیورسات و دیگر غرضدار نشوید .

درین باب تاکید دانید فقط تحریر یوم شنبه شهر صفر المظفر
(۱۳۱۳)

(مهر حکم علاقه قند هار)

(امیر عبدالرحمن)

۱۳۱۲

سفارش خط ها در باب متولیا ن خر قه شریفه

از عهد امیر عبدالرحمن خان سند ی بدست آمد و این طور نوشته
است :

(عالیجا ه محمد ابرا هیم خان نضابط ، عالیحضرت میرزا علیخان
خان نویسنده ه بندر تخته پل قرین صحت باشید . در این وقت
محمد اسلم آخند زاده و عطا محمد آخند زاده و حاجی ده و پاینده خیل
سوخته اظهار نمودند که مایان از قدیم الایام مرفوع القلم میباشیم
که هیچوقت با لای مایان سورات و جغات انداز و حواله نشده اکنون
برای خاصه دار های تخته پل از مایان سورات میگیرند .
اگرچه قیمت میدهند لکن بالای مایان تکلیف میشود . لهذا تحریر
می شود که از اقوام پنج نفر دیگر جغات کش های آنجا تحقیق کنید
هرگاه چنین باشد که همه ساله معاف بوده اند هوش کنید هرگاه
صحیح باشد خواهان نشوید و هرگاه خلاف باشد از قرار اظهار
الوسات آن که احوال اینها برای آنها مشخص باشد درست نظر
آوری کنید . هرگاه به واقعی باشد غرضدار نباشید و چه هم میدهید
غله را برات خود که سپاه میگیرید چگونگی خلق الله را بجا آورید
فقط تاکید داند تحریر ۲۳ شهر صفر المظفر سنه ۱۳۱۲).

مهر: عبدالقادر

مهر: جلال الدین

واقعه شهادت در مقام

خرقه شریفه

تاریخ خرقه شریفه متبر که حضرت فخر عالم رسول اکرم صلی-
الله علیه و سلم را که در شهر جدید قندهار از سنه ۱۱۸۲ هجری قمری
تا این سنه ۱۴۰۷ هجری قمری پرتونزول و برکات دارد بحول وقوع
حضرت بیچون جل شانہ و تایید مفاخر کاینات علیه افضل التحیات
حبیب خدا (ج) محمد مصطفی (ص) نوشتیم - و صحایف این رساله
متبر که پر از اسناد و مدارک مفصلا و متدرجا از نظر اهل دیانت گذشت
و عموم ارباب خبرت و اهل حسن عقیدت دانستند که صحایف تاریخ
وطن مقدس خود مان را دفعه دوم به تذکار خرقه شریفه زینت فخر و
شرف بخشیدیم و این عطیه پاک پروردگار است که به ما مردم مسلمان
افغان توفیق ارزانی فرموده است.

و اما مضمونی که در تاریخ خرقه معظمه از مرور یکهزار و چهارصد
سال تا امروز قطعا و ابدا تکرار نگردیده فقط صحیفه واقعه هائله
روز شنبه (نزد) برج ثور سال ۱۳۶۶ هجری شمسی (مطابق
یازده رضان المبارک سنه ۱۴۰۷ هجری قمری است).

که از اثر نهایت ظلم و وحشت و قساوت قلب عده یی از دشمنان دین اسلام و شرفونا موسی افغانستان به ظهور آمده واقعه شهادت خلیفه محمد نبی متولی خرقه مشرفه متبرکه که در شهر قندهار متصل مقام خرقه حضرت سیدالانام است که قبل از وقت ادای نماز شام و افطار ماه صیام بوقوع رسیده که خبر این واقعه هائله نه تنها باعث ناراحتی عالم احیاء بلکه ارواح پاک صلحا کرام عالم اموات زانیز بیقرار گردانید.

چرا که قدم ناپاک دشمنان اسلام باین اندازه جسارت و خیانت در محوطه مقدسه زیارت یعنی مسجد و حریم مقام خاص خرقه نبویه پیش گذاشتن و مرتکب چنین عمل خیانت و جنایت بزرگ شدن سبب ناراحتی عموم مسلمین را در همه گوشه های دنیا بار آورد.

و برادران دور از وطن ما از شنیدن چنین واقعه نسبت به ماکه در خاک مقدس وطن ساکن و متمرکز هستیم - بیشتر منزجر و ناقرار گردید. چرا که افغان در همه جا افغان است. و افغان دین و وطن خود را هیچگاه فراموش نمی کند.

* * *

خلیفه محمد نبی شهید (ابن الحاج غلام قادر ابن الحاج محمد نعیم ابن الحاج عبدالوهاب ابن الحاج حفیظ الله ابن الحاج عبدالحق - ابن ملازال) که شخص عالم - امام - خطیب، واعظ، صوفی و متولی، و این خانواده از مرور دو صد و بیست و پنج سال به خدمت ذی شرافت مرتبه تولیت خرقه نبویه و مسند نشینی آستان آن مقام سعادت و شرافت سرانجام در قندهار از پدر، پدر به صورت خاندانی و موروثی باین کسب شرف مطابق و موافق بارقام دولت کاملاً مستقل افغانستان افتخار خدمت و ادای حسن امانت دارند. و خود خلیفه موصوف تا آخرین لحظه ادامه حیات باین شرف خدمت دینی و اجتماعی اتصاف داشت. شرح این قصه جانسوز واقعه

شهادت آن اگر که بزرگترین مرتبه بی را در عالم آخرت کماهی کرد، و لی در تاریخ خرّقه شریفه شرحی از واقعه شهادت وی به جا گذاشت که هیچ یک مسلمان و مخصوصاً ملت افغان در هیچ یک زمان فراموش نخواهد کرد.

و چون هر فرد نیک دیانت و راستی عقیدت از مطالعه این سطور پررنج و فتورتکان میخورد - در پی آن میشود که در جستجوی کشف این جریمه که قلوب مسلمین را جریحه دار ساخته است. برای همیشه در پی فعالیت هر چه تمامتر و اخذ انتقام از دشمن دین و ناموس تابعین حضرت سید المرسلین باشد.

(وجاهد و با موالکم و انفسکم فی سبیل الله)

و بنا ملت نیک دیانت افغانستان عموماً و مردم دلیر قندهار مخصوصاً صا که در شرف تولیت و خدمت پر مواظبت آستان مقدسه خرّقه نبویه و محافظت اطراف آن بارگاه اولیت دارند - این عهده بزرگ را فراموش نکرده از دشمن دین و وطن و استقلال انتقام این جسارت و خیانت قتل نفس مسلمان عالم و واعظ را بگیرند.

زیرا که تشخیص دادن دوست از دشمن در این مرحله حساس تاریخ از وظایف دینی و فرایض اخلاقی هر فرد دیانت شعار افغانستان آزاد و مستقل و بی طرف غیر منسلک است. و کافه مردم دیانت شعار این خطه مقدسه باید قلباً مصمم این همه جهد و مساعی جدی در همه امصار و اقطار رودیاری بود در برابر دشمنان اسلام که برای قتل و تباهی مسلمین ارتکاب میدارند - جدا قیام و اقدام ورزند و شرف های دینی و اجتماعی اسلامی خود را از دستبرد حوادث و جبر روزگار تا حدی که نیرو و توان ندارند با استعانت از فضل و مرحمت آفریدگار دانا ی توانا، حفظ نمایند.

و چنانکه مرحوم غازی امان الله شاه فرموده است: بعد از مسجد نبوی (ص) در مدینه طیبه این مسجد جامع خرّقه شریفه در قندهار است. این حرف آن مجاهد بزرگ و رهبر اولی العزم معظم افغان را

تصدیق و تایید میداریم . چرا که بنیان گزاران ادوار پر افتخار
قند هار هست و بود خود را در راه جهاد فی سبیل الله و حفظ ناموس
وطن صرف کرده اند و پر تو و وصول خر قه شریفه در مرکز قند هار قهر
مان - یکی از آن نشانه های ثبوت فدویت مردم قهرمان افغان در
برابر کشاکش روزگار است: و این شهید خر قه شریفه - از جمله آن
شهدایی است که در بهار سال ۱۲۹۸ شمسی و سنوالت پیشتر از
آن در راه حرز ناموس اکبر جان سپرده اند .

(رحمته الله تعالی علیهم اجمعین)

عزیز الدین و کیلی پو پلزا یی قند هاری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عزیز الدین و سید پرویز لاکھڑی سرگودھا

کابل ۱۳۶۶ ہجری

هدیہ خرقہ شریفہ (قندھار)



عزیز الدین وکیل پو پلزائی۔ بتاریخ ۲۵ برج حمل سال ۱۳۴۱
شمسی بالای ضریح مبارک انتقال دهنده خرقه مبارک که در حق آن خدمتگر
عالم اسلام دعا و تمهینیت میفرستند.

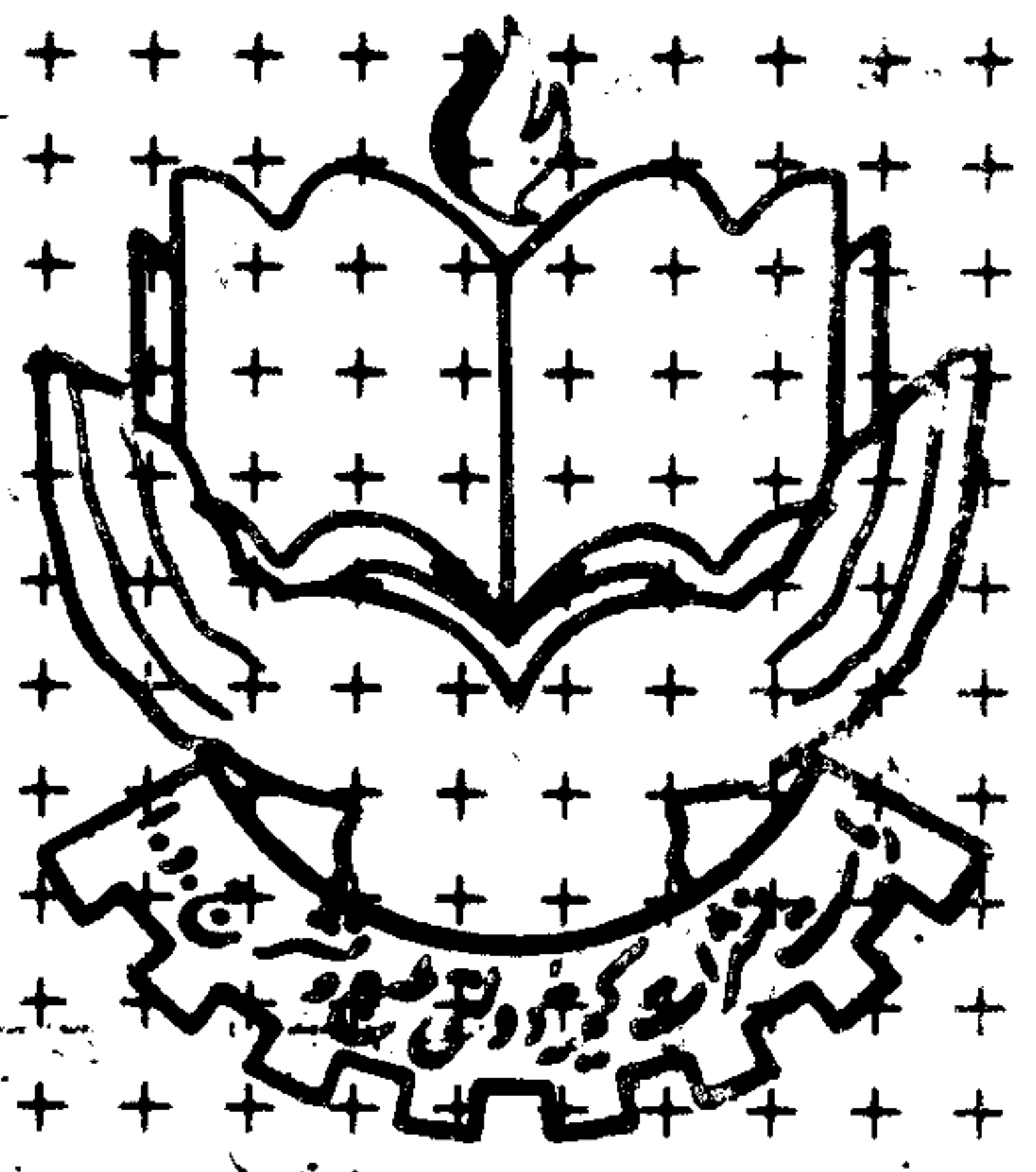
ماخذ و مدارک

- زندگانی تیمور - تالیف شرف الدین علی یزدی -
مکتوبات میا فقیر الله شکارپوری -
تاریخ احمد شاهی - تالیف محمود الحسینی - طبع مسکو
تاریخ بدخشان - تالیف سنگی محمد
تاریخ سلطانی - تالیف سلطان محمد خالص
سراج التواریخ - تالیف فیض محمد کاتب
تیمور شاه درانی - طبع سال ۱۳۴۶ - تالیف و کیلی پوپلزایی
(انجمن تاریخ)
خرقه شریفه - طبع سال ۱۳۴۶ - تالیف و کیلی پوپلزایی (انجمن
تاریخ)
پراگنده - کتاب مولفه محمود دطرزی - طبع مطبعه عنایت - کابل
کلکسیون سراج الاخبار افغانستان - کابل
کلکسیون جریده امان افغان - کابل
کلکسیون جریده طلوع افغان - قندهار
وثایق - فرمانها و احکام دولت افغانستان مربوطه خرقه شریفه -
قندهار
دیوان اقبال - طبع هند
کلکسیون تصاویر - مناظر داخلی و خارجی خرقه شریفه
غزنه در دو قرن اخیر - تالیف عزیز الدین و کیلی - طبع سال
۱۳۵۶
سفرهای غازی امان الله شاه تالیف عزیز الدین و کیلی طبع
سال ۱۳۶۴
احمد شاه وارث مجدد امپراتوری افغانستان در دو جلد -
تالیف عزیز الدین و کیلی پوپلزایی

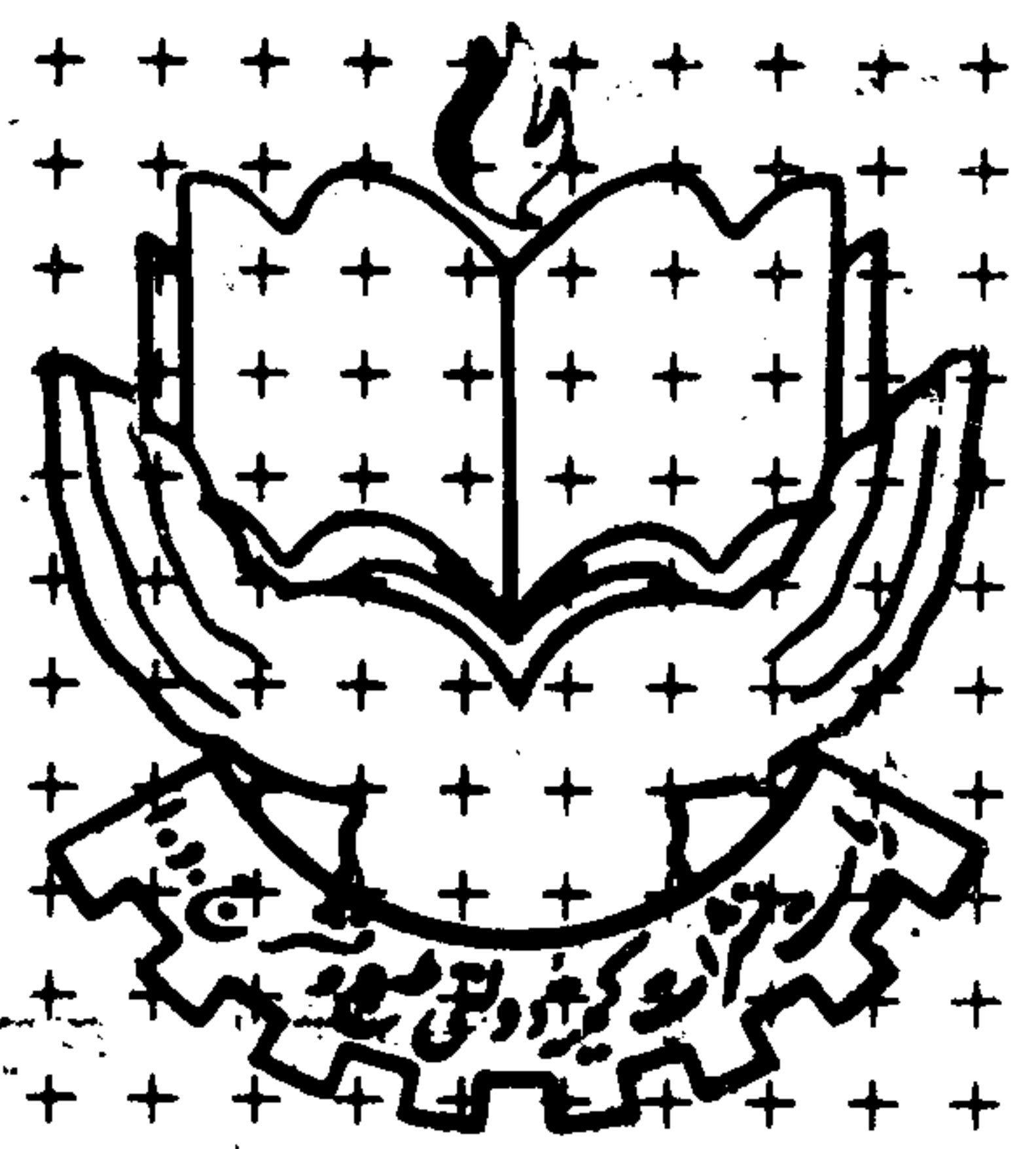
ابرا از سپاس

مرکز تحقیقات علوم اسلامی از کارمندان محترم
مطبعه دولتی هر یک همایون یوسفی ، عبدالصیبر ،
عبداللطیف ، محمد محسن ، عبدالمحمد ، شیر محمد ،
فضل الرحمن ، محمد قاسم ، محمد عظیم ، قربان جان ،
محمد ظاهر و محمد انور که در زمینه چاپ و نشر این
کتاب ما را یاری رسانید هاند ، از صمیم قلب ابراز
امتنان میدارد ، سحت و سلامتی دایمی نصیب شما ن.

مطهر دوتی



شماره مسلسل ۲۲۶



مطهر دینی

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**